

مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

ISSN: 2645-4475

فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی: ۱۹)، بهار ۱۴۰۱، جلد دو

واکاوی فرزندآوری در بین زنان ساکن در شهرهای کوچک
سیدکمال الدین موسوی

طراحی مدل شایستگی رسانه‌هایی مدیران مدارس ابتدایی ناحیه ۳
شهر اصفهان
آی لار بیانی شهری، نرگس عطریان

کرونا، دین و دولت
اکرم حمیدیان، فرزاد فتیحی

اقدام پژوهی در زمینه استفاده از ورزش و فراغت برای مقابله با
آسیب‌های اجتماعی
نیلوفر آقائی

بررسی عوامل مؤثر بر ناسازگاری زوجین در زندگی مشترک در
خانواده‌های شهر کاشان
اسداله بابایی فرد، احسان صنعت‌کار، عطیه رحمانی پور، فاطمه راهب، محبوبه
ثابت جعفری، منیره شفیعی، فریبا چای‌دوست

بررسی سواد اطلاعاتی والدین بر بلوغ یادگیری الکترونیک و بروز
خلاقیت دانش آموزان مقطع متوسطه دوم
عیسی رضایی، فریده دلگرم، امین قاضیانی، یونس بلوچ، سعیده اسکندری‌فر



اعضای شورای علمی و داوری تحریریه: (به ترتیب حروف الفبا)

- دکتر خدیجه اسدی سروسناتی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر محمد امیرپناهی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر فاروق امین مظفری، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز
- دکتر محمدرضا حسنی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر عبدالرسول حسنی فر، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر غلامرضا لطیفی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر مهدی معینی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

فراخوان پذیرش مقاله:

نشـریـه «مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی» توسط
موسسه مطبوعاتی مطالعات کاربردی شباک و با همکاری علمی اساتید
برجسته دانشگاه‌های کشور به انتشار مقالات علمی می‌پردازد. از این‌رو از تمام
اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان و پژوهشگران دعوت می‌شود
با ارسال مقالات علمی خود از طریق وبسایت نشـریـه به نشـانی
www.ASSCS.ir در پربارتر کردن این نشریه، ما را یاری نمایند.
برای ارسال مقاله کافی است تا در وبسایت ثبت‌نام نموده و با ورود به پنل
کاربری، مقاله خود را ثبت کنید.

محورها و موضوعات پذیرش مقاله:

- جامعه‌شناسی
- مردم‌شناسی
- جمعیت‌شناسی
- فلسفه علوم اجتماعی
- آسیب‌های اجتماعی
- برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی
- مطالعات جوانان
- برنامه‌ریزی توسعه‌ای منطقه‌ای
- مطالعات فرهنگی و مدیریت راهبردی فرهنگ
- مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم اجتماعی

نشـریـه

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری، کوچه شهید سبحانی، پلاک ۲۸، واحد ۴
کدپستی: ۳۱۴۳۹۵۳۵۹۵
www.ASSCS.ir
Shij.journals@gmail.com

انتشارات

نشانی: تهران، افسریه، ۱۵ امتری اول، کوچه ۲۸، پلاک ۲۹
انتشارات هنر و علوم دانشگاهی، تلفن: ۰۲۱ ۳۳۸۴۰۷۹۲

فهرست مقالات

صفحه	عنوان مقاله
۱	واکاوی فرزندآوری در بین زنان ساکن در شهرهای کوچک سیدکمال الدین موسوی
۱۱	طراحی مدل شایستگی رسانه‌ای مدیران مدارس ابتدایی ناحیه ۳ شهر اصفهان آی لار بیانی شهری، نرگس عطریان
۲۵	کرونا، دین و دولت اکرم حمیدیان، فرزاد فتحی
۴۱	اقدام‌پژوهی در زمینه استفاده از ورزش و فراغت برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی نیلوفر آقائی
۵۱	بررسی عوامل مؤثر بر ناسازگاری زوجین در زندگی مشترک در خانواده‌های شهر کاشان اسداله بابایی فرد، احسان صنعتکار، عطیه رحمانی پور، فاطمه راهب، محبوبه ثابت جعفری، منیره شفیعی، فریبا چایلدوست
۶۳	بررسی سواد اطلاعاتی والدین بر بلوغ یادگیری الکترونیک و بروز خلاقیت دانش آموزان مقطع متوسطه دوم عیسی رضایی، فریده دلگرم، امین قاضیانی، یونس بلوچ، سعیده اسکندری فرد

واکاوی فرزندآوری در بین زنان ساکن در شهرهای کوچک

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۲

کد مقاله: ۲۶۱۶۷

سید کمال الدین موسوی^۱

چکیده

پژوهش حاضر یک پیمایش اجتماعی پیرامون فرزندآوری و تمایل به آن بوده و چهارچوب نظری پژوهش را نظریات استرلین، بکر، موردادک و لستاق تشکیل می‌دهد. جامعه آماری تحقیق شامل زنان متاهل ساکن در برخی شهرهای کوچک در منطقه کاشان با جمعیت تقریبی ۱۲۹۱۴۴ نفر است که از این میان ۷۲۰ نفر به عنوان نمونه تحقیق تعیین و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. شیوه نمونه‌گیری به صورت سهمیه‌ای غیر متناسب بوده و جمع‌آوری داده‌ها از طریق یک پرسشنامه محقق ساخته صورت گرفته است. بر اساس یافته‌ها اکثر زنان مورد بررسی (۶۰٪) به الگوی نورمال باروری یعنی داشتن دو یا سه فرزند تمایل داشته‌اند اما در عمل و بطور متوسط، بیشتر آنان (۵۲٪) حداکثر یک فرزند دنیا آورده‌اند. گویا شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور، بین تمایل به الگوی نورمال فرزندآوری و فرزندآوری واقعی شکاف قابل توجهی (۲۱٪) ایجاد کرده و در منطقه مورد نظر، از سیاست‌های رسمی افزایش جمعیت پیروی نمی‌کند. در کنار شرایط ساختاری، برخی عوامل غیر ساختاری همچون سن، سابقه ازدواج، تحصیلات، جایگاه شغلی و نیز طرز تلقی زنان از خود به عنوان مدرن یا سنتی نیز با تمایل آن‌ها به فرزندآوری و تعداد فرزندانی که واقعا دنیا آورده‌اند رابطه معناداری داشته است.

واژگان کلیدی: تمایل به فرزندآوری، سیاست‌های جمعیتی، شرایط اجتماعی اقتصادی، فرزند زایی

۱- مقدمه

در دو دهه اخیر، شواهد و قراین نشان می‌دهند آهنگ باروری و فرزند آوری در سطح کشور نسبت به دهه های قبل از آن کند تر شده و هر چند این روند جزئی از یک روند جهانی است و اختصاص به ایران ندارد اما به هر حال سیاستگذاری رسمی کشور را در این سالها بویژه در برنامه پنجم توسعه (۹۴-۱۳۹۰) به سمت افزایش باروری سوق داده است. طی بیست سال گذشته، نرخ باروری در ایران به کمتر از سطح جایگزینی (۲,۱ فرزند برای هر زن) رسیده است و با وجود استحکام نهاد خانواده در کشور، شرایط اجتماعی و اقتصادی، تمایل زنان برای فرزند آوری را در مقایسه با یک نسل قبل کاهش داده و در نتیجه الگوی سه فرزندی و بیشتر که تا ۳۰ سال قبل در خانواده ها رایج بود را به الگوی دو فرزندی و حتی کمتر از آن در سالهای اخیر تغییر داده است. برخی محققان بر این باورند که بیکاری گسترده جوانان بویژه تحصیلکرده ها، اشتغال های موقت، عدم امنیت شغلی و نا مطمئن بودن از آینده، از جمله عوامل ساختاری عمده ای هستند که در این سالها باعث تاخیر در ازدواج و بدنبال آن کاهش باروری و حتی تمایل به فرزند آوری شده اند بنا بر این، سیاستهای رسمی در این زمینه می بایست بگونه ای تنظیم شوند که با منافع خانواده ها بویژه خواسته های زنان همسو باشند زیرا در صورت نا همسویی و تقابل با منافع زنان و خانواده هایشان، این سیاستها با مقاومت روبرو شده و نهایتا راه به جایی نخواهند برد. براین اساس، حتی اگر وضعیت جامعه بلحاظ جمعیتی وخیم و در حال اضطراب باشد نیز اجرای سیاست های نا همسو با خواسته ها و منافع شهروندان می باید موقتی و کوتاه مدت باشد (سرای، ۱۱:۱۳۹۴). مطالعه رفتار باروری زنان و میزان تمایل آنها به فرزند آوری در شهر ها و مناطق مختلف کشور با توجه به تاکید نهادهای رسمی بر لزوم افزایش فرزند آوری آنها در شرایط متغیر اقتصادی سالهای اخیر تبعی می تواند اقبال و یا عدم اقبال عمومی را از سیاستهای اتخاذ شده به نمایش بگذارد. از این چشم انداز، پژوهش حاضر بدنبال بررسی رفتار باروری زنان هم بلحاظ میزان تمایل آنان به فرزند آوری و هم بلحاظ فرزند آوری واقعی آنان در کاشان و برخی شهر ها و روستا های اطراف آن است تا بدین ترتیب بتوان میزان انعکاس سیاستهای افزایش فرزند را در این منطقه مورد ارزیابی قرار داد.

۲- مبانی نظری

تعدادی از نظریه ها ابعاد مهم و کلیدی مسأله فرزند آوری را از چشم انداز اقتصادی تبیین کرده اند. نظریه عرضه و تقاضا که توسط ریچارد استرلین (۱۹۷۸) مطرح شده یکی از این نظریه هاست که رفتار باروری انسانها را حاصل یکنوع محاسبه هزینه ها و منافع ناشی از فرزند آوری میدانند. بر این اساس، در جامعه ای که مرگ و میر کودکان زیاد است تبعی عرضه فرزندان به جامعه کاهش یافته و تقاضای اجتماعی برای فرزند آوری بالا رفته و در نتیجه، تمایل به فرزند آوری و بدنبال آن نرخ باروری افزایش می یابد. اما زمانی که ضریب بقاء و زنده ماندن کودکان افزایش یابد، یا اینکه بواسطه شرایط اقتصادی جامعه، هزینه های مالی و اجتماعی تولید و پرورش فرزند بالا بوده و عرضه کودکان به جامعه بیش از تقاضا باشد، تمایل به فرزند آوری ممکن است کاهش یافته و افراد با استفاده از روشهای تنظیم خانواده سعی در کنترل باروری و باز گرداندن تعادل ولادت ها و مرگ ها در جامعه بنمایند. در چهارچوب نظریه عرضه و تقاضا، گری بکر نیز تحلیلی اقتصادی از رفتار باروری خانواده ها ارائه کرده است. او فرزندان را به منزله کالاهایی مطلوب در نظر می گیرد که پدر و مادر ها برای داشتن و حفظ آنها به پول و زمان نیاز دارند. بکر عقیده دارد که زن و شوهر ها هنگام تصمیم گیری برای فرزند آوری معمولا هم کیفیت و هم کمیت فرزندان خود را در نظر گرفته و سپس تصمیم خود را عملی می کنند. غالبا خانواده های کم درآمد، حداقل ملزومات و امکانات مثل غذا، پوشاک، آموزش، وسایل تفریح و سرگرمی و... و تبعی حد اقل هزینه ها را برای کودکان خود در نظر می گیرند و لذا فرزند آوری برای آنان سخت و دشوار جلوه نمی کند، اما خانواده های سطح متوسط و بالا، غالبا هم از نظر مالی و هم بلحاظ زمانی ملزومات بیشتر و با کیفیت تری را برای پرورش فرزندان خود در نظر می گیرند و از اینرو هزینه پرورش فرزند بالا خواهد بود. از سوی دیگر، والدین متعلق به طبقات متوسط و بالا، با توجه به قدرت مالی خود امکان فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی، تفریحی، هنری، ورزشی و آموزشی بیشتری دارند که این فعالیتهای به نوعی رقیب فرزند آوری و تربیت و نگهداری فرزندان است. از اینرو، در نگاه بکر، خانواده های طبقه متوسط و بالا برای پرورش فرزندان با استانداردهای مورد نظر خود غالبا تمایل به فرزند آوری کمتر و تعداد فرزندان محدودتری دارند (ویکس، 1385: 226).

مورداک (۱۹۸۰) نیز به نقش درآمد و توزیع درآمدها در تنظیم و کنترل باروری اشاره کرده است. در نظر وی، برای یک خانواده کم درآمد فواید برخورداری از فرزندان زیاد نسبت به هزینه های احتمالی که ممکن است این فرزندان داشته باشند بیشتر و بالاتر است و این برتری فایده بر هزینه، برای خانواده های کم درآمد بویژه کارگران و کشاورزان محرک خوبی برای فرزند آوری بیشتر است. اما زمانی که سطح رفاه مادی خانواده کم در آمد بهتر شود، تراز قبلی فایده- هزینه تغییر خواهد کرد یعنی هزینه های فرزندان برای این خانواده ها از فواید آنها بیشتر شده و تبعی والدین انگیزه مادی برای داشتن فرزندان زیاد را از دست می دهند. بدین منوال، به موازاتی که با کاهش نا برابری و شکاف طبقاتی در توزیع درآمدهای جامعه بتدریج سطح رفاه خانواده های کم درآمد بهبود یابد، به همان نسبت می توان انتظار داشت که تمایل به فرزند آوری در خانواده های کم درآمد نیز پس از مدتی کاهش یابد.

چنانچه بسیاری محققان اذعان کرده اند، هرچه درآمد خانواده افزایش یابد نگاه والدین بیشتر به کیفیت فرزندان، و نه صرفاً تعداد و کمیت آنها، معطوف شده و عمدتاً هزینه های تربیت و پیشرفت آنان در کانون توجه والدین قرار می گیرد (زارع، ۱۳۹۳: ۲۰۶).

باید توجه داشت اگرچه ملاحظات اقتصادی نقش مهمی در مساله باروری دارند اما رفتار باروری انسانها همیشه تابع محاسبه هزینه و فایده فرزند آوری نیست بلکه تغییرات باروری بعضاً می تواند بخاطر اشاعه نوآوریها در جامعه ایجاد شوند. این نوآوری ها ممکن است تکنولوژیک بوده (فناوریهای جدید، رسانه های نوین، هوش مصنوعی و...) و یا فرهنگی باشند (ایده های جدید، هنجار های تازه، سبک های زندگی نوظهور، نگرش های خلاقانه و...) که هر کدام با مکانیزمهای خاص خود اثراتی بر جامعه برجا می گذارند. بسیاری اوقات، هدایت نگرشها و رفتار های انسانی - از جمله رفتار باروری - در زنان و مردان توسط جریانها و موج های اجتماعی تازه و یا مد های جدید صورت می گیرد که ارتباط چندان با ملاحظات اقتصادی و موضوع فایده - هزینه پدیده ها ندارد. در دهه های اخیر موضوعاتی چون تأخیر در ازدواج، برخورداری از خانواده کوچک، توجه فزاینده والدین به خود شکوفایی و وقتگذاری برای خودشان از جمله نوآوریها در سبک زندگی است که به سرعت در جوامع متعددی اشاعه یافته اند. در همین رابطه، سرگنی بالابانوف به ارزشهای فرهنگی جدیدی که در بین زنان شکل گرفته و ربط چندان به هزینه های اقتصادی فرزندان ندارد و این مجموعه ارزشها بر سبک زندگی و رفتار باروری زنان اثر گذارند اشاره می کند. در نگاه وی، بسیاری از مادران جوان دوست دارند پس از ازدواج، حداقل مدت زمانی را برای خود زندگی و فعالیت داشته باشند و امروزه برای بسیاری از زنان این مساله به عنوان یک هنجار پذیرفته شده در آمده است. همچنین بخش قابل توجهی از زنان معتقدند برای آزادی فردی خود باید مبارزه کنند و لذا تمایلی به فرزندآوری نشان نداده و یا اینکه معتقدند فرزند آوری را باید به تأخیر انداخت (بالابانوف و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۳۱).

بدون تردید، فرهنگ یک جامعه نیز به سهم خود می تواند نقش مهمی در اشاعه نوآوریها از جمله پذیرش یکنوع ذهنیت و یا رفتار باروری جدید ایفا کند زیرا برخی فرهنگ ها بیش از بقیه آمادگی پذیرش نوآوری را دارند اما در برخی فرهنگها پذیرش نوآوری بسیار دشوار و زمانمند است. علاوه براین، نخبگان و قشرهای اجتماعی با نفوذ هم می توانند در اشاعه نوآوریها در سطح جامعه نقش مهمی داشته باشند چرا که به نظر لستاق (۱۹۸۸) بدلیل تمرکز تحصیلات، منابع و امتیازات در لایه های بالایی جامعه، نوآوریهای فرهنگی معمولاً از نخبگان و طبقات اجتماعی بالا آغاز شده و طبقات پایین تر این نوآوریها را از طریق تقلید می پذیرند (زارع، ۱۳۹۳: ۲۲۸). بر این اساس، وقتی طبقات اجتماعی با نفوذ، یک ایده تازه و یا یکنوع رفتار و سبک زندگی را می پذیرند و بدان عمل می کنند، پس از چندی این مساله معمولاً به قشرهای دیگر سرایت کرده و بقیه نیز از آنان پیروی میکنند. پولاک و اتکینز (۱۹۹۳) نیز تأکید دارند که اگر نوآوریها - از جمله رفتارهای باروری جدید - بطور متناسبی قالب بندی شود و گروههای اجتماعی با نفوذ آنها بپذیرند، کاهش تمایل به فرزند آوری و نهایتاً افت نرخ باروری امکانپذیر خواهد شد.

۳- پیشینه تجربی پژوهش

در زمینه تمایل به فرزند آوری طی سالهای اخیر تحقیقات متعددی در کشور انجام گرفته که اشاره به برخی از آنها مفید خواهد بود. مشفق (۱۳۹۱) مطالعه ای پیرامون رابطه میان ارزش و اهمیت فرزندان با میزان باروری در شهر تهران و در بین مجموعه ای از زنان شاغل و غیر شاغل انجام داده است که در این پژوهش مشخص شد ۲۵٪ زنان مورد مطالعه تمایل به تک فرزندی، ۶۶٪ دو فرزندی، و تنها ۹٪ تمایل به سه فرزندی داشته اند. این در حالی بوده است که ۳۵٪ آنان دارای یک فرزند، ۳۵٪ دارای دو فرزند و ۱۵٪ نیز سه فرزند داشته اند. اهمیت و ارزش فرزندان نیز در نگاه زنان شاغل و غیر شاغل تفاوت معنا داری با فرزندآوری نداشته است (محمودی، ۱۳۹۳). در تحقیق دیگری، خلج فراهانی (۱۳۹۱) با مطالعه ۸۷۱ زن و مرد در آستانه ازدواج و ۹۲۰ زن و مرد متأهل و دارای یک فرزند زیر ۵ ساله، تمایلات مربوط به تک فرزندی و برخی عوامل موثر بر این تمایل را در شهر تهران بررسی کرد. یافته های پژوهش وی نشان داد ۴۶٪ پاسخگویان تمایل به تک فرزندی و ۴۳،۲٪ تمایل به دو فرزندی داشته اند. عوامل موثر بر تمایل زنان و مردان به تک فرزندی را مواردی چون: فرد گرایی، نگرانی های فرزند پروری، توجه به کیفیت و آرمانگرایی در تربیت فرزند تشکیل می دهد (خلج فراهانی، ۱۳۹۱). محمودی و همکاران (۱۳۹۳) رفتار و تمایل به باروری را در دو منطقه از شهر تهران در بین ۳۶۰ نفر از زنان تهرانی مورد بررسی قرار دادند و نتایج نشان داد ۲۵،۸٪ آنها دارای یک فرزند هستند در حالیکه در بین آنها تنها ۱۴،۴٪ قصد تک فرزندی داشته اند. ۴۹٪ زنان مورد بررسی دارای دو فرزند بوده اند و از این میان، ۱۰٪ دوست دارند فرزند سومی را هم بدنیا بیاورند اما ۳۹ درصد بقیه همان دو فرزند را کافی میدانند. در نهایت، ۱۴٪ زنان دارای سه فرزند بوده اند که از گروه ۸٪ قصد دارند فرزند چهارم خود را نیز بدنیا بیاورند. یافته های این پژوهش نشان میدهد بین متغیر اهمیت و ارزش فرزندان با گرایش به داشتن فرزندی دیگر رابطه معنا داری وجود دارد. مهربانی (۱۳۹۴) در مطالعه ای بر روی برخی شاخصهای توسعه مربوط به ۱۵۸ کشور دریافت که با سواد می مهمترین عامل موثر در کاهش باروری است، هر چند که بر اساس یافته های این پژوهش، میزان ثبت نام در آموزش عالی، شهر نشینی و میزان استفاده از وسایل تنظیم خانواده نیز در کاهش باروری اثر گذار هستند. این پژوهش همچنین نشان داد که جوامعی که نرخ تورم بالاتری دارند، نرخ باروری و فرزند آوری زیادتری نیز نسبت به بقیه دارند. همچنین، مشفق و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه ای پیرامون رابطه میان اشتغال و تمایل به فرزند آوری تعداد ۱۵۴۶ نفر از زنان شاغل در آستانه ازدواج را در سطح کشور مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد بین تعداد فرزندان موجود در

خانواده و تمایل به فرزند آوری بیشتر هم در زنان شاغل و هم غیر شاغل رابطه معنا دار وجود داشته است. در استانهای ایلام، چهار محال بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد بیش از نیمی از زنان شاغل تمایل به داشتن سه تا چهار فرزند داشته اند در حالیکه در استانهای گیلان، البرز و فارس اکثریت زنان مورد بررسی به ترتیب با ۸۹٫۷٪، ۹۲٪ و ۸۸٪ تمایل به یک تا دو فرزند دارند. از جمله جدیدترین تحقیقات در این زمینه، مطالعه ای است که عبداللهی و رحیمی (۱۳۹۶) پیرامون نحوه برخورد کاربران اینترنتی با سیاست اعلام شده افزایش فرزند آوری که در برنامه پنجم توسعه اعلام شده است انجام داده اند. این پژوهش در بین ۷۹۹ نفر از کاربران اینترنتی که اخبار مرتبط با افزایش فرزند آوری را در فضای مجازی دنبال کرده و نسبت به آن اعلام نظر کرده اند صورت گرفت و نتایج نشان داد کاربران در قبال این مساله رویکرد های متفاوتی داشته اند بگونه ای که ۸۹٫۷٪ رویکرد انتقادی، ۹٫۷٪ رویکرد موافق و نهایتاً ۰٫۶٪ رویکرد منفعلانه با موضوع دارند. بر اساس همین نتایج، ۴۳٪ کاربران بر ابعاد اقتصادی مساله تاکید داشته اند، ۳۸٪ بر ابعاد اجتماعی، ۱۲٪ بر ابعاد فرهنگی و نهایتاً ۷٪ کاربران نیز به ابعاد سیاسی موضوع اشاره کرده اند.

به اجمال، در تحقیقات داخلی مربوط به سالهای اخیر نکات مشترکی را می توان یافت. نخست اینکه چون تمامی آنها پس از سیاست های رسمی اعلام شده مبنی بر ضرورت افزایش جمعیت در کشور صورت گرفته اند، از اینرو می توانند انعکاسی از دیدگاه عمومی را در این رابطه نشان دهند. دیگر اینکه در شرایط کنونی، از نگاه مردم الگوهای دو فرزندی و تک فرزندی، به ترتیب، مطلوبترین الگوهای فرزند آوری در شهرهای بزرگ تلقی می شوند. سوم اینکه، چون غالب تحقیقات در پایتخت، شهرهای بزرگ و مراکز استانها صورت گرفته است، تبعاً نقطه نظرات اهالی شهرهای کوچک و روستایی نیز در این زمینه می تواند تصویر کاملتری از رفتار باروری بویژه تمایل به فرزند آوری را در سطح جامعه ارائه نماید. نکته اخیر، عمده ترین انگیزه برای انجام پژوهش حاضر بوده است. البته، مطالعه در زمینه باروری و تمایل زنان به فرزندآوری موضوع چندان تازه ای نیست اما این مطالعات در سایه سیاستهای رسمی مبنی بر لزوم افزایش جمعیت کشور حال و هوای تازه ای بخود گرفته است. تحقیقات انجام شده عمدتاً بر روی شهرهای بزرگ متمرکز بوده اند و از شهرهای کوچک و مناطق روستایی غفلت شده است، در حالیکه بنظر میرسد شهرهای کوچک و مناطق روستایی با توجه به فرهنگ کهن فرزند دوستی در آنها، قاعدتاً می باید در این سالها بهتر از شهرهای بزرگ با سیاست افزایش فرزند همهانگ و همسو شده باشند. بدین خاطر، بررسی ابعاد کمی و کیفی فرزندآوری و تمایل زنان و خانواده ها به این مساله بویژه در شهرهای کوچک، ضرورتی دو چندان پیدا کرده است و در همین راستا، محقق سعی دارد با مطالعه پیرامون تمایل به فرزند آوری و برخی مسایل مربوط به آن، گامی هر چند کوچک در این مسیر بردارد. از اینرو، پژوهش حاضر در پی دانستن این است که تمایل و رفتار باروری در منطقه کاشان بویژه در بین زنان چه وضعیتی پیدا کرده است. در این چهارچوب، شناسایی اهداف ویژه زیر نیز در دستور کار این پژوهش قرار می گیرد:

- شناخت میزان تمایل به فرزند آوری در بین زنان متاهل مورد بررسی
- شناخت میزان فرزندآوری واقعی در زنان متاهل
- شناخت الگوهای رایج فرزند آوری در بین زنان متاهل
- شناسایی برخی عوامل غیر ساختاری و موثر بر تمایل به فرزند آوری در زنان متاهل

۴- روش پژوهش

از آنجا که این پژوهش یک مطالعه اکتشافی و از نوع پیمایشی- توصیفی بوده است، اطلاعات و داده های لازمه به روش پیمایش و از طریق یک پرسشنامه محقق ساخته جمع آوری و سپس تجزیه و تحلیل شده است. جامعه آماری پژوهش را زنان متاهل ساکن در چند شهر و یک روستای منطقه کاشان (کاشان، آران و بیدگل، بادرود، قمصر، یزدل) با جمعیت تقریبی ۱۲۹۱۴۴ نفر تشکیل داده است که از آن میان جمعیت نمونه ای معادل ۷۲۰ نفر مورد بررسی قرار گرفته اند. شیوه نمونه گیری در این تحقیق، دو مرحله ای و مرکب از نمونه گیری تصادفی و نمونه گیری سهمیه ای غیر متناسب بوده است. ابتدا کلیه خیابانهای شهرهای مورد بررسی و تمام کوچه های روستای مورد بررسی (یزدل) فهرست برداری شده و سپس به قید قرعه تعدادی از آنها انتخاب گردیده و سپس با اختصاص سهمیه برابر به خیابانها و کوچه های انتخابی در هر شهر یا روستا، طی روزهای آذرماه ۱۳۹۷ نمونه گیری به صورت حضوری انجام شده است. ابزار تحقیق را یک پرسشنامه محقق ساخته شامل هشت سوال بسته و چند گزینه ای و یک سوال باز و تشریحی پیرامون ویژگی های پاسخگویان، تعداد فرزندان که دارند، تعداد فرزندان که میخواهند داشته باشند تشکیل میدهد. نهایتاً، اطلاعات بدست آمده به کمک نسخه ۲۲ نرم افزار SPSS استخراج و تجزیه و تحلیل شده است.

۵- تعریف مفاهیم

منطقه کاشان: در این پژوهش منطقه کاشان شامل شهر کاشان و تعدادی از شهرها و روستاهای اطراف آن اطلاق می شود. در این رابطه شهرهای آران و بیدگل، قمصر، بادرود و روستای یزدل که به فاصله تقریبی از ۵ تا ۵۰ کیلومتری شهر کاشان قرار دارند مورد بررسی قرار گرفته اند و سطح سنجش این متغیر اسمی بوده است. فرزند آوری: فرزند آوری در این پژوهش اشاره به کمیت و تعداد فرزندان دارد که زنان می خواهند داشته باشند و یا اینکه واقعا دارند. این مفهوم با کمک سه شاخص کم فرزندی، نورمال و پر فرزندی سنجیده شده و سطح سنجش آن نیز رتبه ای است. ملاک

این طبقه بندی در حقیقت تعداد فرزندان لازم برای جایگزینی نسل می باشد که در ایران ۲٫۱ فرزند برای هر زن است. براین اساس، فرزند آوری نورمال اشاره به فرزند آوری در سطح جایگزینی نسل و یا کمی بیش از آن (۲ و ۳ فرزند) دارد، کم فرزندى به فرزند آوری کمتر از سطح جایگزینی نسل (صفر و یا یک فرزند) و پر فرزندى نیز به فرزند آوری بالاتر از تعداد ۳ فرزند اطلاق شده است.

۶- یافته های پژوهش

۶-۱- یافته های توصیفی

الف- ویژگی پاسخگویان بطور کلی و به تفکیک مناطق جغرافیایی: جامعه مورد مطالعه را ۷۲۰ نفر از زنان متاهل ساکن شهرهای کاشان، آران و بیدگل، قمصر، بادرود و روستای یزدل تشکیل می دهند. میانگین سن این زنان بین ۳۰ تا ۳۴ سال، میانگین تحصیلات آنان در سطح دیپلم، عمدتاً خانه دار، بعضی کارگر و یا کارمند بوده و متوسط درآمد ماهانه آنان بین دو تا سه میلیون تومان است. بطور متوسط، سابقه ازدواج زنان مورد بررسی بین نه تا یازده سال است، غالباً خواهان دو فرزند هستند البته، ویژگیهای پاسخگویان در هریک از مناطق مورد بررسی بدین شرح می باشد:

در شهر کاشان، واقع در ۱۲۰ کیلومتری شمال شرق اصفهان، جامعه مورد بررسی را ۴۲۰ نفر از زنان متاهل تشکیل می دهند که میانگین سنی آنها ۳۰ تا ۳۴ سال و متوسط تحصیلات آنان در سطح دیپلم است. اکثریت آنها خانه دار (۶۵٪)، و سابقه ازدواجشان بطور متوسط بین ۹ تا ۱۱ سال است. بیشتر آنها خود را مدرن میدانند تا سنتی و غالباً خواهان حداقل دو فرزند هستند (۷۹٪). اگرچه میانگین فرزندآوری واقعی آنان کمتر از دو فرزند (۱٫۶ فرزند) بوده است. در شهر آران و بیدگل، که در فاصله ۵ کیلومتری از شمال شرق کاشان واقع شده است، جامعه مورد بررسی را ۹۰ نفر از زنان متاهل تشکیل می دهند که میانگین سنی آنها نیز ۳۰ تا ۳۴ سال و تحصیلات آنان بطور متوسط در سطح دیپلم است. نیمی از آنها خانه دار (۵۴٪)، و تقریباً ۲۹٪ آنان در مشاغل کارگری و آزاد شاغلند و متوسط درآمد ماهانه آنان دو و نیم میلیون تومان و سابقه ازدواجشان بطور متوسط بین ۹ تا ۱۱ سال است. خود را بیشتر سنتی میدانند تا مدرن و غالباً خواهان حداقل دو فرزند (۲٫۲ فرزند) هستند اگرچه بطور متوسط کمتر از دو فرزند (۱٫۷ فرزند) دنیا آورده اند. در روستای یزدل، که در فاصله تقریبی ۱۵ کیلومتری از شمال کاشان واقع شده است، جامعه مورد بررسی را تعداد ۱۲۰ نفر از زنان متاهل با میانگین سنی ۳۰ تا ۳۴ سال، تحصیلات کمتر از دیپلم، غالباً خانه دار (۷۰٪)، و بعضاً کارمند (۱۶٪) و متوسط درآمد ماهانه دو و نیم میلیون تومان تشکیل می دهد. سابقه ازدواجشان بطور متوسط بین ۹ تا ۱۱ سال است. نیمی از آنان خود را سنتی و نیم دیگر، خود را مدرن تلقی می کنند. اغلب زنان مورد بررسی در این روستا نیز خواهان حداقل دو فرزند (۲٫۳ فرزند) هستند اگرچه عملاً کمتر از دو فرزند (۱٫۷ فرزند) دنیا آورده اند. در شهر بادرود، به فاصله تقریبی ۵۰ کیلومتری از جنوب شرق کاشان، جامعه مورد بررسی را تعداد ۶۰ نفر از زنان متاهل با میانگین سنی ۳۵ تا ۳۹ سال، تحصیلات در سطح دیپلم، تنها یک سوم آنها خانه دار (۲۸٫۸٪)، و نیمی از آنان شاغل (۴۷٫۴٪)، با متوسط درآمد ماهانه تقریباً دو و نیم میلیون تومان تشکیل می دهد. سابقه ازدواج زنان مورد بررسی در بادرود بطور متوسط بین ۹ تا ۱۲ سال است و این گروه غالباً خود را مدرن تلقی می کنند (۷۸٪). بطور متوسط آنها خواهان یک تا دو فرزند بوده (۱٫۸ فرزند) و تقریباً به همین مقدار نیز فرزند دنیا آورده اند (۱٫۵ فرزند). بیش از نیمی از زنان یعنی ۵۳٫۴٪ فرزندى نداشته و یا فقط یک فرزند دارند که نشان از گستردگی فرزندآوری کمتر از سطح جایگزینی نسل در این شهر دارد. نهایتاً در شهر قمصر، واقع در ۲۵ کیلومتری جنوب غرب کاشان، جامعه مورد بررسی را ۳۰ نفر از زنان متاهل با میانگین سنی ۲۵ تا ۳۰ سال، تحصیلات فوق دیپلم تا لیسانس، نیمی از آنها خانه دار (۵۳٪)، و بخشی نیز شاغل در مشاغل آزاد و یا کارمندی (۳۷٪)، با میانگین درآمد تا دو میلیون تومان تشکیل می دهد. سابقه ازدواج زنان مورد بررسی در قمصر بطور متوسط بین ۶ تا ۹ سال است و غالباً خود را مدرن و امروزی تلقی می کنند. بطور متوسط خواهان حداکثر دو فرزند (۱٫۸ فرزند) بوده اند اما کمتر از این مقدار فرزند دنیا آورده اند (۱٫۱ فرزند).

ب- تنوع الگوی فرزند آوری: از مجموع زنان مورد مطالعه، ۱۶۹ نفر تمایل به "کم فرزندى" دارند یعنی فرزند نخواسته و یا فقط یک فرزند می خواهند. تمایل به کم فرزندى بیش از همه در زنان اهل بادرود، بعد از آن در زنان قمصری، و سپس در زنان اهل کاشان، آران و بیدگل و یزدل دیده می شود. بخش دیگری از زنان مورد مطالعه خواهان فرزند آوری در "سطح نورمال" بوده اند. فرزند آوری نورمال به الگوی باروری متناسب با سطح جایگزینی نسل و کمی بیش از آن اشاره دارد و از اینرو تمایل به داشتن دو تا سه فرزند، در این پژوهش به عنوان یک الگوی نورمال تلقی شده است. تمایل به الگوی نورمال فرزند آوری با حجم ۴۵۳ نفر، بطور میانگین ۶۳٪ از کل جمعیت نمونه را تشکیل داده و پر طرفدار ترین گرایش به فرزند آوری در کاشان و شهرها و روستاهای اطراف آن تلقی می شود. الگوی نورمال در زنان اهل کاشان و آران و بیدگل از همه قویتر (۶۵٪) و در بادرود از بقیه ضعیفتر (۴۸٫۳٪) بوده است. همچنین، در بین زنان مورد مطالعه، ۹۸ نفر یعنی گرایش به داشتن فرزندان زیاد یعنی بیش از سه فرزند دارند. تمایل به "پر فرزندى" بیش از همه در زنان روستای یزدل (۱۸٫۳٪)، و سپس شهرهای کاشان (۱۳٫۶٪)، آران و بیدگل (۱۲٫۲٪)، بادرود (۱۰٪) و قمصر (۶٫۷٪) دیده می شود. تفاوتی که در توزیع درصدی الگوهای کم فرزندى، نورمال و پرفرزندى در مناطق مختلف دیده می شود یک تفاوت معنادار بوده و نتایج آزمون کای اسکوتر $\{X^2 = 17.3 \text{ و } sig = 0.027\}$ بین مناطق مورد مطالعه و تمایل به فرزندآوری نیز آنرا تایید می کند. نکته دیگر اینکه، همین تفاوت نیز در فرزند آوری واقعی زنان در مناطق مختلف مشاهده گردیده

است، از اینرو برای فهم بهتر و امکان مقایسه های روشنتر، در جدول شماره ۱ توزیع درصدی تمایل به انواع الگوهای فرزند آوری به همراه توزیع درصدی فرزندآوری واقعی زنان ارائه شده است:

جدول شماره ۱. توزیع درصدی تمایل زنان به فرزند آوری و فرزندآوری واقعی آنها

پُر فرزندِ	تمایل به کم فرزندِ	تمایل به فرزندآوری	تمایل به کم فرزندِ	تمایل به فرزندآوری	پُر فرزندِ	نورمال
کاشان	۲۱,۴٪	۶۵	۴۹,۳	۴۳,۸	۶,۲	
آران و بیدگل	۲۲,۲	۶۵,۷	۴۱,۱	۴۷,۸	۷,۸	
یزد	۲۰	۶۱,۷	۴۲,۵	۴۹,۲	۸,۳	
بادرود	۴۱,۷	۴۸,۳	۵۳,۳	۳۵	۱۱,۷	
قمصر	۳۳,۳	۶۰	۷۳,۳	۲۰	۶,۷	

یافته های جدول شماره ۱ نشان میدهد اگرچه اکثریت زنان مورد بررسی در کاشان و اطراف آن بطور میانگین به الگوی نورمال باروری یعنی دو تا سه فرزند تمایل داشته اند اما فرزند آوری واقعی آنان اینگونه نبوده است زیرا در عمل و بطور متوسط، بیشتر آنان (۵۲٪) حداکثر یک فرزند (الگوی کم فرزند)، ۳۹٪ از آنها دو یا سه فرزند (الگوی نورمال) و فقط ۹٪ بیش از سه فرزند (الگوی پر فرزند) بدنيا آورده اند. این فاصله بین تمایل به باروری و باروری واقعی در مناطق مورد مطالعه یکسان نبوده است بطوریکه بیشترین فاصله و شکاف در شهر قمصر دیده می شود زیرا ۶۰٪ زنان قمصری مورد بررسی گرایش به الگوی نورمال دو یا سه فرزند داشته اند اما در عمل فقط ۲۰٪ آنان دو یا سه فرزند بدنيا آورده اند. فاصله بین تمایل به الگوی نورمال و تحقق این الگو در عمل در بقیه مناطق نیز کم و بیش دیده می شود و در این بین، کمترین فاصله بین تمایل و واقعیت فرزند آوری را در زنان ساکن در شهر بادرود و روستای یزدل می توان مشاهده کرد.

علاوه براین، نتایج جدول شماره یک بیانگر وجود فاصله میان تمایل به الگوی کم فرزند (حداکثر یک فرزند) و تحقق این الگو در مناطق مختلف مورد بررسی است. مثلاً در حالیکه ۳۳,۳٪ زنان قمصری تمایل به کم فرزند داشته اند اما در عمل تقریباً دو سوم این زنان (۷۳,۳٪) حداکثر یک فرزند بدنيا آورده اند. پس از قمصر، میزان شکاف بین تمایل به کم فرزند و کم فرزند واقعی در کاشان و بقیه مناطق مورد مطالعه دیده می شود بویژه اینکه کمترین فاصله بین تمایل به کم فرزند و کم فرزند واقعی در زنان بادرودی به چشم می خورد. از سوی دیگر، زنانی که خواهان فرزندان زیاد بوده اند (الگوی پر فرزند) نیز در عمل - به جز قمصر و بادرود- نتوانسته اند فرزندان زیاد (بیش از سه فرزند) بدنيا بیاورند و نتایج جدول شماره یک، فاصله بین تمایل زنان به الگوی پر فرزند و میزان تحقق این الگو را در عمل نشان می دهد. مثلاً در حالیکه ۱۸,۳٪ زنان مورد مطالعه در روستای یزدل تمایل به الگوی پر فرزند داشته اند اما در عمل فقط ۸٪ آنها نتوانسته اند این الگو را تحقق بخشیده و بیش از سه فرزند بدنيا آورند. همین فاصله بین تمایل و واقعیت در زنان اهل کاشان و یزدل نیز دیده می شود. بدین ترتیب، گویا در سالهای اخیر، شرایط و اوضاع اقتصادی و اجتماعی اجازه تحقق فرزند آوری در سطح الگوی نورمال و یا الگوی پرفرزند را به زنان و خانواده ها حتی در شهرهای کوچک و مناطق روستایی نیز نداده است. البته ممکن است گرایش به کم فرزند بعضاً به مساله "اشباع سبک زندگی غربی" در جامعه ارتباط داده شود اما پذیرش چنین ادعایی در شهرهای بزرگ قابل قبول تر است تا شهرهای کوچک و سنتی که چندان تحت تاثیر تبلیغات و رسانه های نوین نبوده و پایبندی به سنت و مذهب در آنها نیرومند است.

ج- تیپ اجتماعی زنان در انواع الگوهای فرزند آوری: تمایل به الگوی کم فرزند (حد اکثر یک فرزند) در ۲۳٪ از زنان مورد بررسی مشاهده شده است و به عبارتی، تقریباً از هر چهار زن متأهل یک نفر تمایل به الگوی فرزندآوری کمتر از جایگزینی نسل دارد. اگر بخواهیم بدانیم که این گروه از چه تیپ اجتماعی تشکیل شده است، نتایج توصیفی پژوهش نشان می دهد حدود دو سوم این زنان ۲۵-۲۹ ساله و در سنین جوانی اند (۶۵٪) اما تقریباً یک سوم آنها ۳۰-۳۹ ساله و در سنین میانسالی هستند (۳۱,۴٪). اکثریت این گروه دیپلمه، دانشجو و یا لیسانس بوده (۷۶,۳٪) و درآمد آنها عمدتاً تا ۳ میلیون تومان در ماه است (۷۲٪). کمتر از نیمی از آنها خانه دارند (۴۷٪)، اما بقیه شاغلند و مشاغل آنها بیشتر کارمندی، معلمی و شغل آزاد بوده است. غالب این زنان خود را مدرن و امروزی میدانند (۷۹,۲٪) و سابقه ازدواج آنها بطور میانگین بین ۶ تا ۹ سال می باشد.

متقابلاً، تمایل به الگوی پر فرزند (بیش از سه فرزند) در ۱۴٪ در صد از زنان مورد مطالعه دیده می شود، یعنی از هر ۷ زن متأهل فقط یک نفر گرایش به الگوی پرفرزند دارد. تیپ اجتماعی این گروه براساس نتایج توصیفی بدست آمده بدین صورت است: این زنان عمدتاً در سنین میانسالی و اوایل بزرگسالی یعنی بین ۳۰ تا ۴۴ سال قرار دارند (۷۷٪) اگرچه ۲۰,۴٪ زنان این گروه در سنین جوانی بوده اند (۲۰ تا ۲۹ ساله) و به عبارتی، یک پنجم زنان متأهل و جوان علاقمند به داشتن فرزندان زیاد هستند. تحصیلات زنان متمایل به داشتن فرزندان زیاد غالباً در سطوح ابتدایی تا دیپلم قرار دارد (۷۶,۶٪) و درآمد آنان نیز بطور متوسط حداکثر تا ۳ میلیون تومان بوده است (۸۵,۷٪). اکثریت آنان (۸۲,۷٪) خانه دارند و خود را غالباً سنتی میدانند (۷۷,۶٪). سابقه ازدواج این گروه از زنان عمدتاً بیش از ۱۲ سال بوده است (۷۲,۵٪)، به عبارت دیگر، زنان متأهل و دارای سابقه ازدواج کمتر، تمایل چندانی به داشتن فرزندان زیاد از خود نشان نداده اند.

۶-۲- یافته های تحلیلی

بدون تردید، شرایط اجتماعی و اقتصادی می توانند در خصوصی ترین تصمیمات خانواده ها بصورت مستقیم و یا غیرمستقیم دخالت نموده و رفتار زنان و مردان را در حوزه های مختلف زندگی تحت تاثیر خود قرار دهند. رفتار باروری نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست و بخش قابل توجهی از تصمیمات بویژه در زنان متأهل با توجه به شرایط و اوضاع اقتصادی - اجتماعی جامعه رقم می خورد. برخی از مهمترین تئوریها در زمینه باروری نیز بدین مساله اشاره کرده اند و تحقیقات انجام شده نیز همواره به تاثیر شرایط ساختاری جامعه در این خصوص اشاره داشته اند. در کنار عوامل ساختاری، سهم برخی عوامل سطح خرد و غیرساختاری را نیز نباید در اثر گذاری بر تمایل به فرزند آوری و رفتار باروری نادیده گرفت. شناسایی سهم این عوامل سطح خرد- در کنار شرایط کلان اجتماعی اقتصادی کشور از جمله اهداف این پژوهش بوده است. عوامل سطح خرد در این تحقیق عمدتاً به خصوصیات زنان متأهل، یعنی اصلی ترین تصمیم گیرندگان فرزند آوری مربوط می شود. به عنوان نمونه، ویژگیهایی چون سن، تحصیلات، جایگاه شغلی و یا درآمد زنان ممکن است می توانند بر نگرش و رفتار باروری زنان اثر گذار بوده و آنها را به سمت الگوی کم فرزندی و یا پر فرزندی و ... سوق دهند. بدین منظور، در این بخش، ابتدا رابطه میان برخی ویژگی های اجتماعی پاسخگویان و میزان تمایل آنها به فرزند آوری از طریق آزمون کندال مورد سنجش قرار گرفته که نتایج آن در جدول شماره دو ارائه می گردد:

جدول شماره ۲. نتایج آزمون کندال پیرامون رابطه تمایل به فرزند آوری و ویژگیهای اجتماعی زنان

نتیجه	Sig.	Kendal(C)	
وجود رابطه مستقیم	۰,۰۰۰	0.268	سن - تمایل به فرزند آوری
وجود رابطه معکوس	۰,۰۳۱	-0.252	تحصیلات- تمایل به فرزند آوری
وجود رابطه معکوس	۰,۰۴۱	-0.061	درآمد- تمایل به فرزند آوری
وجود رابطه معکوس	۰,۰۰۰	-0.127	جایگاه شغلی - تمایل به فرزند آوری
وجود رابطه مستقیم	۰,۰۰۰	0.259	سابقه ازدواج- تمایل به فرزند آوری
وجود رابطه معکوس	۰,۰۰۰	-0.406	خودپنداره سنتی ومدرن- تمایل به فرزند آوری

نتایج آزمون های کندال در جدول شماره دو نشان می دهد عواملی چون سن و سابقه ازدواج زنان با میزان تمایل آنها به فرزندآوری رابطه مستقیم و هم افزا دارد بدین معنا که هرچه سن و سابقه ازدواج زنان مورد بررسی بالاتر باشد (میانسال و بزرگسال) تعداد فرزندانی که دوست دارند بدنیا بیاورند نیز بیشتر است. همچنین، نتایج جدول نشان میدهد سطح تحصیلات، درآمد، جایگاه شغلی و نیز طرز تلقی زنان از خود به عنوان یک زن سنتی یا مدرن رابطه معکوسی با میزان تمایل به فرزندآوری داشته است. به سخن دیگر، هرچه تحصیلات زنان، جایگاه شغلی و درآمد آنها بالاتر بوده و خود را بیشتر مدرن تلقی کرده اند، تمایل آنها به فرزندآوری و تعداد فرزندان نیز به همان نسبت کاهش یافته است، هر چند که این رابطه در مورد سطح درآمد بسیار ناچیز و ضعیف بوده است. در ادامه، رابطه میان ویژگیهای زنان با تعداد واقعی فرزندان آنها مورد آزمون قرار گرفتند و جالب اینکه نتایج آزمونهای کندال نشان داد تمامی ویژگیهای اجتماعی زنان مورد بررسی - به استثنای درآمد- با تعداد فرزندان واقعی که بدنیا آورده اند رابطه معنادار داشته و نوع این رابطه ها (مستقیم یا معکوس بودن) نیز در هر مورد مشابه با موارد متناظر ذکر شده در جدول شماره دو می باشد.

۷- نتیجه گیری

در این پژوهش، کنکاش در باره وضعیت فرزند آوری و میزان تمایل به آن بویژه در کاشان و برخی شهرها و روستاهای اطراف آن در اواخر سال ۱۳۹۷ مد نظر بوده و این پژوهش در حالی صورت گرفت که سیاستهای رسمی کشور در سالهای اخیر بر پایه افزایش جمعیت تنظیم و در برنامه پنجم توسعه تدوین و نهایی شده بود. اهدافی چند در دستور کار این پژوهش قرار داشت که از آنجمله آنها شناخت میزان تمایل به فرزند آوری و تعداد واقعی فرزندان در بین زنان متأهل و ساکن در شهرهای کاشان، آران و بیدگل، قمصر، بادرود و همچنین روستای یزدل بوده است. منطقه مورد مطالعه که در این پژوهش هم تمایل آنان به فرزندآوری و هم فرزندآوری واقعی آنان مورد سنجش قرار گرفته است از جمله مناطق سنتی و مذهبی کشور بوده و دارای مردمی عموماً پایین به سن و آداب فرهنگی گذشتگان می باشد. نتایج پژوهش نشان داد تمایل به داشتن دو یا سه فرزند نیرومند ترین گرایش و خواسته زنان در مناطق مورد بررسی است. اکثریت زنان مورد مطالعه تمایل به داشتن دو یا سه فرزند (الگوی نورمال فرزندآوری) دارند، اگرچه در عمل، کمتر از این تعداد بدنیا آورده اند و الگوی کم فرزندی (حداکثریک فرزند) بیش از الگوی نورمال در این گروه از زنان اتفاق افتاده است. در حقیقت، تمایل زنان مورد مطالعه بیش از همه متوجه الگوی نورمال فرزند آوری (داشتن دو یا سه فرزند)، بعد از آن متوجه الگوی کم فرزندی (حد اکثر یک فرزند) و نهایتاً به سمت الگوی پر فرزندی (بیش از ۳ فرزند) معطوف بوده است، اما در عمل، تعداد فرزندانی که زنان مورد بررسی واقعا بدنیا آورده اند بترتیب الگوی کم فرزندی، الگوی نورمال و نهایتاً

الگوی پُر فرزندى را نشان می‌دهد. بدین ترتیب، با وجود تبلیغات و سیاست‌گذاری‌های رسمی برای افزایش فرزند آوری، گویا هنوز زنان و خانواده‌ها قانع نشده‌اند که فرزند آوری را افزایش دهند زیرا در این شرایط آنرا به نفع خود و خانواده‌هایشان نمی‌دانند، از اینرو می‌توان گفت در حال حاضر الگوی رایج فرزندآوری در شهرهای کوچک و روستا‌های منطقه کاشان الگوی کم فرزندى است. بر خلاف تصویری که ممکن است از جوامع کوچک و سنتی بویژه منطقه کاشان در زمینه باوری و رواج پُر فرزندى در اذهان وجود داشته باشد اما در این مناطق، بطور متوسط از هر ۱۰۰ زن مورد بررسی، تنها ۸ نفر الگوی کم فرزندى (بیش از ۳ فرزند) را در عمل دنبال می‌کنند. شاید بتوان بخش مهمی از دلایل رواج الگوی کم فرزندى را به شرایط دشوار اقتصادی و اجتماعی کشور مربوط دانست که طی سالیان اخیر باعث شده است تا - حتی در منطقه ای مانند کاشان- بین تمایل زنان به الگوی نورمال فرزند آوری و فرزند آوری واقعی آنها فاصله و شکاف قابل توجهی (۲۱٪) ایجاد شده و اثر گذاری سیاست‌های افزایش جمعیت خنثی گردد. کم ارزش شدن پول ملی، رشد تورم، بیکاری گسترده، پایین آمدن قدرت خرید مردم و افزایش هزینه‌های زندگی در سالهای اخیر، خانواده‌های ایرانی بویژه زنان را به تامل و بازنگری در میزان فرزندآوری سوق داده و حتی علیرغم میل شخصی به داشتن دو یا سه فرزند، عملاً بسیاری از آنان اجازه داشتن بیش از یک فرزند را به خود نمی‌دهند. مسأله نگرانی از هزینه‌های روز افزون اقتصادی و از شرایط غیر قابل پیش بینی آینده اوضاع نیز در اظهارات برخی پاسخگویان بصورت پاسخ به سوالات تشریحی منعکس شده بود. این مسأله را همسو با نظریه استرلین می‌توان دانست که رفتار باروری را حاصل محاسبه هزینه-فایده فرزندآوری تلقی کرده و معتقد بود اگر بواسطه شرایط اقتصادی جامعه، هزینه‌های مالی (خوراک و پوشاک و مسکن) و هزینه‌های اجتماعی (آموزش، بهداشت، گذران فراغت و ...) برای تولید و پرورش فرزند بالا باشد تمایل به فرزندآوری کاهش می‌یابد زیرا دیگر بِنفع خانواده‌ها بویژه زنان نیست. از سوی دیگر، تحلیل گری بکر که تربیت و نگهداری فرزندان را به نوعی رقیب فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و بویژه اشتغال زنان میدانند نیز می‌تواند در تبیین میزان تمایل به کم فرزندى و کم فرزندى واقعی خصوصاً در شهر بادرود و قمصر که در آنها بخش مهمی از زنان مورد مطالعه شاغل بوده اند کمک نماید.

در کنار وضع کلی اقتصاد و شرایط ساختاری کشور، بنظر میرسد برخی عوامل سطح خرد نیز در گرایش زنان به فرزندآوری دخیل بوده‌اند، از اینرو یکی دیگر از اهداف این پژوهش شناسایی این گونه عوامل غیر ساختاری مرتبط با تمایلات فرزندآوری بوده است. نتایج بدست آمده از آزمون کندال نشان داد برخی ویژگی‌های مربوط به زنان در میزان تمایل آنها به فرزند آوری نقش دارد. مثلاً معلوم شد که سن و سابقه ازدواج زنان در منطقه کاشان با میزان تمایل آنها به فرزندآوری رابطه مستقیم و هم افزا دارد بدین معنا که هرچه سن و سابقه ازدواج زنان مورد بررسی بالاتر است (میانسال و بزرگسال) تعداد فرزندان که دوست دارند بدنیا بیاورند نیز بیشتر است. متقابلاً، در بین زنان متأهل جوان و یا دارای سابقه ازدواج اندک، تعداد فرزندان را که دوست دارند بدنیا بیاورند کمتر بوده است. این نتیجه نشان از تغییر در نگرش زنان به فرزند خواهی از نسل گذشته به نسل جدید، حتی در شهرهای کوچک کشور می‌دهد. همچنین، یافته‌ها نشان داد ویژگی‌هایی چون سطح تحصیلات، درآمد، جایگاه شغلی و نیز طرز تلقی زنان از خود به عنوان یک زن سنتی یا مدرن، رابطه معکوسی با تمایل آنها به فرزندآوری داشته‌اند. به این معنا که، هرچه تحصیلات زنان، جایگاه شغلی و درآمد آنها بالاتر بوده و خود را بیشتر مدرن تلقی کرده‌اند تا سنتی، تمایل آنها به فرزندآوری نیز به همان نسبت پایین تر بوده است. در ادامه، رابطه میان ویژگی‌های زنان با تعداد واقعی فرزندان آنها مورد آزمون قرار گرفتند و جالب اینکه نتایج آزمونهای کندال نشان داد تمامی ویژگی‌های اجتماعی زنان مورد بررسی - به استثنای درآمد- با تعداد فرزندان واقعی که زنان بدنیا آورده‌اند رابطه معنادار داشته و نوع این رابطه‌ها نیز (مستقیم یا معکوس بودن) در هر مورد مشابه با موارد متناظر ذکر شده می‌باشد. جالب اینکه، در نتایج توصیفی ملاحظه شد که درآمد تقریبی زنان طرفدار الگوی کم فرزندى و زنان طرفدار الگوی پرفرزندى در سطح یکسانی قرار داشته است (تا سه میلیون تومان در ماه) و آزمون کندال نیز نشان داد سطح درآمد زنان در منطقه کاشان تاثیر چندانی روی گرایش‌های فرزندآوری آنها ندارد. این بدان معناست که بر خلاف تاکید مورد اک (۱۹۸۰) بر نقش آفرینی درآمد و نحوه توزیع درآمدها در رفتار باروری زنان، در این پژوهش سطح درآمد نقشی در رفتار باروری نداشته و علیرغم برابری تقریبی سطح درآمد زنان، گروهی از زنان به کم فرزندى و گروهی از آنان به پرفرزندى تمایل دارند.

۸- بحث و نظر

سیاست‌گذاری در امور جمعیتی یکی از وظایف طبیعی است که بسیاری حکومت‌ها در شرایط ضروری برای جامعه تنظیم و اجرا می‌کنند. تازه‌ترین سیاست جمعیتی در ایران نیز در اوایل دهه ۹۰ شمسی، لزوم افزایش جمعیت کشور در قالب "طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده" بوسیله شورای عالی انقلاب فرهنگی پیشنهاد شده و کلیه نهادهای مسئول برای اجرایی شدن آن بسیج شدند. اما این سیاست - بواسطه فقدان وجود مقدمات و زمینه‌های لازم- از جنبه‌های گوناگون مورد انتقاد متخصصان قرار داشته و موفقیت چنین طرحی از همان ابتدا با تردیدهای فراوانی روبرو بوده است. به اعتقاد برخی کارشناسان، اساساً جمعیت یک حوزه کاملاً در اختیار دولت‌ها نیست تا برای آن تصمیمات فوری و قاطعانه اتخاذ کرده و به موفقیت آن مطمئن باشند، بلکه نیازمند همکاری مردم و تهیه شرایط و مقدماتی است تا خانواده‌ها اجرای سیاست‌های جمعیتی را در راستای منافع خود بدانند. از اینرو، نمی‌توان و نباید با زبان سیاسی در باره جمعیت و خانواده صحبت کرد و یا اینکه جمعیت را جزئی از یک پروژه توسعه سیاسی تعریف نمود زیرا سیاست، جمعیت و خانواده هر کدام برای خود منطق و الزامات خاصی را دنبال می‌کنند (قانعی، ۱۳۹۶: ۱۴). گذشته از این، گروهی از متخصصان ایرانی ساختار کنونی جمعیت - که یک ساختار رو به میانسالی است- را یک ساختار جمعیتی

ایده آل برای رشد و توسعه اقتصادی کشور میدانند زیرا برای اولین بار در تاریخ ایران بخش عمده جمعیت در سن فعالیت (۱۵ تا ۶۴ سال) قرار گرفته و بخش مصرف کننده جمعیت - بویژه جمعیت زیر ۱۵ ساله - رو به کاهش گذارده است. چنین پدیده ای نه تنها خطرناک نیست بلکه فرصتی کمیاب در اختیار مسئولین می گذارد تا با توسعه اشتغال برای جمعیتی که عمدتاً در سنین کار و فعالیتند بتواند سطح تولید و ثروت عمومی را افزایش دهد (سرای، ۱۳۹۴: ۱۲). بنابراین شاید حداقل تا سه دهه آینده بهتر باشد بجای سیاستهای مشوق فرزندآوری، به کمک متخصصان و کارشناسان سیاستهای ابتکاری و متنوعی برای کار آفرینی و اشتغال متناسب با ساختار جمعیتی فعلی کشور طراحی و اجرا شود.

از سوی دیگر، پژوهش حاضر نشان میدهد خانواده های ایرانی بویژه رفتار باروری زنان حتی در مناطق سنتی، مذهبی و کم جمعیت نیز عملاً در انطباق با سیاستهای افزایش جمعیت نبوده است، بلکه عوامل ساختاری و غیر ساختاری در شرایط حاضر آنان را به کنترل و تنظیم هر چه بیشتر فرزندآوری سوق می دهد. در واقع، این پژوهش و پژوهشهای مشابه سالهای اخیر که قبلاً بدانها اشاره شد، همچون آینه ای تمام نما در مقابل سیاست لزوم افزایش جمعیت قرار گرفته و شکست تجربی و میدانی طرحی را که احتمالاً هزینه های هنگفتی برای آن صرف شده است را به نمایش می گذارند. شاید اگر پیش از اتخاذ چنین سیاستی، تحقیقات و نظرسنجی های جامع و مناسبی در سطح مناطق مختلف کشور صورت گرفته و میزان موفقیت سیاست ذکر شده برآورد می شد، امروز در مسیر دیگری قرار داشتیم.

منابع

۱. خلج آبادی فراهانی فریده. (۱۳۹۱). قصد و عملکرد زنان و مردان همسر دار ساکن تهران در خصوص تک فرزندی و عوامل اجتماعی فرهنگی تعیین کننده آن. گزارش نهایی طرح پژوهشی. تهران: موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور
۲. زارع، بیژن. (۱۳۹۳). جمعیت شناسی اقتصادی اجتماعی (ویراست ۲). تهران: انتشارات سمت.
۳. سرایی، حسن. (۱۳۹۱). جمعیت شناسی و جمعیت ایران (فصل ۳ و ۴). تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای آسیا واقیانوسیه
۴. سرایی، حسن. (۱۳۹۴). بازتولید جمعیت ایران: وضع موجود و ملاحظات دربارہ سیاستگذاری. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۸، ص ۱ تا ۳۵.
۵. عبدالهی عادل و رحیمی علی (۱۳۹۶) تفسیر و بازنمایی ابعاد مختلف فرزند آوری در بین کاربران اینترنتی. فصلنامه جمعیت، سال بیست و چهارم، شماره ۹۹ و ۱۰۰، بهار و تابستان ۱۳۹۶. ص ۴۷ تا ۶۴
۶. قانعی راد محمد امین. (۱۳۹۶). زوال پدر سالاری: فروپاشی خانواده یا ظهور خانواده مدنی؟ انتشارات نقد فرهنگ
۷. مهربانی وحید. (۱۳۹۴) نظریه تقاضا و عوامل کلان تعیین کننده باروری: شواهدی جهانی. فصلنامه جمعیت، سال بیست و دوم، شماره ۹۳ و ۹۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۴. ص ۱ تا ۱۸.
۸. محمودی محمد جواد و صادقی حنا سادات. (۱۳۹۳). تاثیر ارزش فرزندان بر گرایش به داشتن فرزند دیگر در شهر تهران. فصلنامه جمعیت، سال هجدهم، شماره ۸۷ و ۸۸، بهار و تابستان ۱۳۹۳. ص ۱ تا ۲۰.
۹. ویکس، جان. (۱۳۸۵). جمعیت: مقدمه ای بر مفاهیم و موضوعات (فصل ۱ و ۲). مترجم الهه میرزایی. تهران: نشر موسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی
10. World Health Organization. (2009). World Health Statistics, Table (9), Pp.: 131-141.
11. Balabanov, C., Nauk, B., Caraliev, Z. (2009). Typology of Motivations about Having / Not Having Children. Journal of Social Research, No.3. P: 129-136.

Fertility & Propensity to it among married women

Seyed Kamaledin Mousavi

Assistant Professor of Sociology in the University of Kashan

Abstract

This article is related to an exploratory study about fertility among women in Kashan region, which was conducted in the end of 2018. Research population included 129144 married women who live in the region, out of which 720 persons were selected as the sample and studied in the cities of Kashan, Aran- Bidgol, Badrood, Ghamsar and the village of Yazdel. Findings shows that most of women tended to have a “normal fetiltity pattern” i.e. having two or three children, but they actually had fewer than two ones. It shows a gap between the propensity to fertility and the reality of childbearing among women in the region. Indeed, beside of the macro socio-economic circomstances of the country, there are some micro-level factors impacting on the propensity to childbearing. In this regard, the results of the study show that some variables such as age, ducation, marriage duration and job status had significant relations with childbearing and propensity to it.

Keywords: fertility propensity, demographic policy, socio-economic conditions, childbearing

طراحی مدل شایستگی رسانه‌ای مدیران مدارس ابتدایی ناحیه ۳ شهر اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۵

کد مقاله: ۱۰۸۷۳

آی‌لار بیانی شهری^۱، نرگس عطریان^۲

چکیده

هدف از این پژوهش طراحی مدل شایستگی رسانه‌ای مدیران مدارس ابتدایی ناحیه ۳ اصفهان بود. طرح پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا، کمی بود که از پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق ابتدا از آزمون کالموگروف اسمیرنوف جهت اطمینان از طبیعی بودن توزیع نمونه و از آزمون لوین جهت اطمینان از همگنی واریانس استفاده گردید. از آزمون‌های معادلات ساختاری برای ارائه مدل استفاده شد. روش‌های آماری فوق با استفاده از نرم افزارهای SPSS و AMOS نسخه ۲۳ در سطح خطای ۰/۰۵ انجام گردید. نتایج تحقیق نشان داد که عوامل موثر بر شایستگی رسانه‌ای به ترتیب عبارتند از شناخت و حل مسئله، ارتباطات، تحصیلات، انتقادپذیری، تجربه، سواد رسانه‌ای، مخاطب‌شناسی و فنی و اطلاعاتی است.

واژگان کلیدی: شایستگی رسانه‌ای، مدیران مدارس، آموزش و پرورش

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم ارتباطات اجتماعی، گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد شاهین شهر دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) ailar.bayani.sh@gmail.com

۲- استادیار گروه مدیریت فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهین شهر، اصفهان، ایران.

انتخاب افراد شایسته برای مشاغل سازمانی، همواره یکی از مهمترین دغدغه‌های اندیشمندان علم مدیریت بوده و بدیهی است استفاده از روش‌های علمی موجب می‌شود فرد مناسب تری در سازمان قرار گیرد. مدیران همواره نقشی مهم و حیاتی در سازمان‌ها ایفا می‌کنند. تاثیر مدیران برجسته در موفقیت سازمان‌ها امروزه در بسیاری از سازمان‌های موفق، بارز و آشکار گردیده است. بر اساس رویکرد شایستگی، شغل‌ها به عنوان شایستگی‌ها تعریف می‌شوند، لذا شغل‌ها انعطاف پذیر می‌شوند و کارکنان برای انجام آن نیازمند شایستگی‌های خاص می‌باشند. از طرفی به کارگیری رویکرد مبتنی بر شایستگی‌ها به سازمان‌ها اجازه می‌دهد که به سرعت کارکنان را با اهداف استراتژیک خود همسو سازند. امروزه استفاده از آموزش مجازی، زندگی بشر را در تمامی وجوه دگرگون ساخته است فناوری اطلاعات و ارتباطات را می‌توان به عنوان ابزاری نیرومند و قوی برای ارتقای کیفیت و کارایی آموزش مورد استفاده قرار داد، بنابراین با توجه به فناوری‌های به سرعت در حال تغییر، نیازمند نیروهایی هستند که از لحاظ تخصصی ماهر بوده و علاوه بر قدرت یادگیری و ارتباطات بالا، منعطف بوده و بتوانند خود را با تغییرات محیط وفق دهند. هدف از این پژوهش طراحی مدل شایستگی رسانه‌ای مدیران مدارس ابتدایی ناحیه ۳ شهر اصفهان می‌باشد.

۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

منابع انسانی در دهه اخیر در معرض تحولات بسیاری قرار گرفته است. این تحولات همه مراتب و وجوه کارکرد منابع انسانی، یعنی متولیان، سیستم‌ها و واحد منابع انسانی را در بر گرفته است. مسئولیت متولیان منابع انسانی به عنوان سکانداران کشتی منابع انسانی سازمان‌ها، دوچندان شده است. متولی منابع انسانی باید علاوه بر اینکه یک مجری عملیاتی خوب باشد، به عنوان یک عملگرای معتبر، عامل فرهنگ و تغییر، مدیر استعداد و طراح سازمان، معماری استراتژی و هم پیمان کسب و کار نیز شایسته باشد. متولیان منابع انسانی باید از اعتبار فردی برخوردار باشند و با کسب شایستگی‌های لازم به عنوان پیش‌تازان ارزش آفرینی در سازمان‌ها باشند. مهمترین نقش مدل شایستگی ارائه زبانی برای صحبت کردن دقیق درباره دانش و مهارت‌های مدیریتی است. این مدل شیوه‌ای را برای تعمق کردن درباره دانش و مهارت‌های مدیران، در سطوح شغلی متفاوت در نقش‌ها و جایگاه‌های مختلف، ارائه می‌دهد (باکر، ۲۰۰۳). ارائه مدل شایستگی‌های بیش از هر چیز به عنوان وسیله‌ای جهت فهم بهتر و در نتیجه به کارگیری بهینه‌تر شایستگی‌ها در جذب، آموزش، ارزیابی عملکرد، پرداخت و پاداش و... می‌باشد. آنچه در زمینه شایستگی‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد، رسیدن به فهرستی دقیق و مناسب از شایستگی‌های مورد نیاز مدیران در سطوح مختلف در سازمان خاص می‌باشد بنابراین ضرورت دارد تا مدل فرایندی شایستگی‌های مدیران منابع انسانی بخش دولتی با تاکید بر سیاست‌های کلی نظام اداری تدوین شود. از آنجایی که در ادبیات شایستگی رسانه‌ای مدیران، خلاء قابل توجهی وجود دارد، لذا ضرورت انجام این پژوهش به لحاظ نظری کاملاً توجیه پذیر است. از نتایج این پژوهش سازمان بزرگ آموزش و پرورش و سایر موسسات زیر مجموعه آن از جمله ادارات آموزش و پرورش و مدارس و سایر سازمان‌ها از جمله سازمان‌های خبری، سازمان‌های رسانه‌ای و مدیران منابع انسانی سازمان‌ها می‌توانند بهره‌مند گردند.

۳- مبانی نظری

۳-۱- شایستگی

درباره مفهوم شایستگی، تعریف قابل قبول همگانی وجود ندارد و تعاریف مختلف بر اساس دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف صاحب نظران و اندیشمندان شکل گرفته است شایستگی‌ها ویژگی‌های قابل اندازه‌گیری یک فرد هستند که مرتبط به موفقیت در کار می‌باشد (لومباردو و ایچینگر، ۲۰۰۱). شایستگی، قدرت، توانایی و ظرفیت انجام یک وظیفه است. تعریف فرهنگ آکسفورد (۲۰۰۳) شایستگی‌ها باید قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری باشند و با ثبات و تکرار در رفتار فرد مشاهده شوند. شایستگی شامل خصوصیات فردی، سیستم‌های اعتقادی، روش برخورد با مشکلات و حل مشکلات، حل تعارض، مهارت‌های حرفه‌ای، رفتارها، توانایی کار در محیط‌های تیمی، توانایی انجام کارهای انفرادی و غیره می‌شوند. تنوع این شایستگی‌ها بسیار زیاد است و تا حد زیادی به شرح وظایف شغلی و همچنین ذهنیت و فرهنگ شرکت مورد نظر بستگی دارد. به طور کلی مفهوم شایستگی و انواع شایستگی‌ها به دلیل اینکه باعث درک بیشتر جایگاه افراد در سازمان‌ها می‌شود لذا به دنبال هر جایگاه شغلی‌ای که باشید، یک یا چند مورد از این شایستگی‌های شغلی را از شما می‌طلبند. اگر بتوانید نشان دهید شایستگی‌های شغلی لازم برای تصدی یک جایگاه را دارید، از شانس بالایی برای رسیدن به آن برخوردار خواهید بود.

۳-۲- مدل های شایستگی

برخی از اولین مطالعات انجام شده در زمینه رفتار، شخصیت ها و نگرش سرپرستان موجب شده است تا محققان به بررسی مهارت های مورد نیاز برای مدیریت دیگران در محیط کار بپردازند. با مطالعه مشاغل و گردآوری یک فهرست از دانش، مهارت ها و توانایی های که برای انجام موثر شغل لازم هستند، شایستگی ها و مدل های شایستگی ایجاد شدند (هانگ و یانگ هو، ۲۰۰۹). شایستگی ها وظایف مدیریتی مشابه و مرتبط به هم را درون خوشه ها گروه بندی می کنند (پیکت^۱، ۱۹۹۸). مهارت های فنی، به درک درست از یک نوع خاص از فعالیت، به خصوص مربوط به روش ها، فرآیندها، روش یا تکنیک اشاره دارد (کاتز^۲، ۱۹۵۵). همچنین شایستگی های فنی به نام شایستگی های حرفه ای^۳ و شایستگی هایی که برای انجام یک شغل و یا حرفه مورد نیاز است، می باشد (الوانی و همکاران، ۱۳۹۵).

نوع دوم از مهارت مدیران، مهارت های انسانی است. مهارت های انسانی مستلزم توانایی مدیران اجرایی در انجام کار به طور موثر به عنوان عضو یک تیم که او رهبری می کند، می باشد (کاتز، ۱۹۵۵). این مجموعه مهارت با مهارت های ارتباطات و رهبری مرتبط است. آخرین مجموعه از مهارت های مورد نیاز مدیران موفق، مهارت های مفهومی می باشد. مهارت های مفهومی بوسیله تصمیم گیری رهبران سازمان در مورد استراتژی ها و سیاست ها مشخص می شود. ساندو^۴ (۱۹۹۳) حوزه های رهبری، اداری و بین فردی را ارائه نمود. بر اساس مدل ساندو^۴، حوزه رهبری شامل شایستگی هایی مانند توسعه زیردستان، توانمندسازی کارکنان و ایجاد یک تیم موثر می باشد. حوزه بین فردی شامل شایستگی هایی مانند نوشتن به طور موثر، به وضوح صحبت کردن و گوش دادن می باشد. مهارت های بین فردی به ساختار روابط که برای موفقیت در شرکت های بزرگ کسب و کار ضروری است، مرتبط است (ژئو و همکاران، ۲۰۱۱). گسترش کسب و کارها در سطح جهانی، افزایش آگاهی مدیریت به منظور درک فرهنگ ها، ارزش ها و سنت های جوامع مختلف ضروری است. همچنین مهارت های بین فردی در توسعه اعتماد بین کارفرما و کارکنان مهم هستند (آلدسون^۵، ۱۹۹۳). بدون این مهارت ها، شرکت ها می توانند در موقعیت بحران ویژه عدم اعتماد قرار بگیرند. اگر شایستگی ها به مدیریت یا کارکنان شاغل در سازمان مرتبط نباشد، چشم انداز سازمان قابل تشخیص نخواهد بود. حوزه اداری شامل شایستگی هایی مانند حسابداری و امور مالی و مدیریت پرسنل به طور رسمی به نام مهارت های انسانی در مطالعه کاتز آمده است. ساندو^۴ همچنین دامنه مفهومی را به دامنه مفهومی و خلاق توسعه داد. دامنه مفهومی و خلاق بر اساس برداشت مینتزبرگ^۶ بوده است و شامل شایستگی هایی مانند توسعه ایده های جدید، تجسم آینده سازمان، برنامه ریزی استراتژیک و انطباق با تغییرات می باشد (مینتزبرگ^۶، ۱۹۹۳). کاتز مطالعه خود را با بررسی حوزه های شایستگی و چگونه آنها به نقش های مدیران در درون شرکت مرتبط می شود، پیش برد. زمانی تصور می شد که شایستگی های فنی به سطح پایین تر مدیران به عنوان یک پایه و اساس مدیریت لازم است (الوانی و همکاران، ۱۳۹۵).

مدل شایستگی هسته مرکزی فعالیت های منابع انسانی، در مدیریت منابع انسانی مبتنی بر شایستگی است؛ یک مدل شایستگی به مجموعه کاملی از مهارت های مختلف اشاره دارد. که چارچوبی یکپارچه را برای بسیاری از فرآیندهای منابع انسانی فراهم می سازد. وی ای کامپرفرم (۲۰۰۳) می گوید یک مدل شایستگی فهرستی از شایستگی هاست که برای نوعی خاص از کار، به کار می رود. مدل شایستگی ها می تواند شامل شایستگی های رفتاری، شایستگی فنی یا هر دو آنها باشد. مک کلند، محقق دانشگاه هاروارد با توسعه برخی از اولین مطالعات انجام شده در شایستگی ها صاحب اعتبار شد و نیز با ابداع مدل شایستگی در اوایل دهه ۱۹۷۰ صاحب اعتبار شد (باکور^۷، ۲۰۱۳). مدل های شایستگی ابزارهای تصمیم گیری هستند که قابلیت های کلیدی مورد نیاز برای انجام یک کار را توصیف می کنند (مکلاگان، ۱۹۸۰). مدل های شایستگی ابزارهای تصمیم گیری هستند که قابلیت های کلیدی مورد نیاز برای انجام یک کار را توصیف می کنند شیوه ای را برای تعمق کردن درباره دانش و مهارت های مدیران، در سطوح شغلی متفاوت در نقش ها و جایگاه های مختلف، ارائه می دهد (باکور، ۲۰۱۳).

پژوهشگران متعددی مزایای استفاده از مدل شایستگی را ذکر کرده اند. این مزایا عبارتند از: استخدام و انتخاب مدیران و کارکنان، ارزیابی، توسعه شرح شغل، توسعه برنامه های آموزشی متناسب با بهبود مدیریت و عملکرد کارکنان، افزایش عملکرد سازمانی برای اهداف رقابتی، برنامه ریزی سازمان، برنامه ریزی و پیشرفت شغلی، ارتباطات، توانمندسازی کارکنان برای تصمیم گیری های مدیریتی، موجب تغییر سازمانی و فرهنگی، و توسعه برنامه آموزشی میشود (مک گلن، ۱۹۹۷؛ مایر و همکاران، ۱۹۹۶). یک پژوهش خاص ۲۱۷ سازمان کسب و کار را بررسی کرد و دریافت که ۹۰ درصد از شرکت ها مدل سازی شایستگی را برای

- 1 Pickett
- 2 Katz
- 3 vocational competencies
- 4 Sandwith
- 5 Alderson
- 6 Mintzberg
- 7 Bucur

مدیریت عملکرد، ۸۸ درصد به دلایل نیروی انسانی، ۶۴ درصد برای بسته جبران خدمات و مزایا و ۶۲ درصد برای آموزش و توسعه مورد استفاده قرار می‌دادند (هوفریچر و اسپنسر^۱، ۱۹۹۹؛ ادواردز^۲، ۲۰۰۹).

شایستگی‌های مدیریت نیز می‌تواند برای ایجاد برنامه‌های توسعه حرفه‌ای و استانداردهای صدور گواهینامه برای حرفه‌های صنعتی مورد استفاده قرار گیرد (کنت و پیردو، ۱۹۸۹). رویکرد شایستگی توسط سازمانها به عنوان یک راه تمرکز و کنترل هزینه‌های آموزش‌های توسعه رفتار مناسب برای شغل با یک دید همکاری در جهت عملکرد سازمانی تلقی می‌شود (آنتوناکوپولو^۳ و همکاران، ۱۹۹۶). نقاط قوت دیگر جنبش شایستگی عبارتند از: ترسیم براساس یادگیری قبلی و تجربه‌های پیشین هم در زندگی و هم در محل کار (استوارت و هاملین^۴، ۱۹۹۳؛ جالوچا^۵ و همکاران، ۲۰۱۴).

استفاده از شایستگی‌های مدیریت توسط منافع، استراتژی و ماموریت سازمانهای خاص تعیین می‌شوند. به منظور به دست آوردن منافع شایستگی و مدل شایستگی، مدیریت ارشد باید از این ایده حمایت کند و بپذیرد. همچنین مزایا می‌تواند شامل ارائه ویژگی‌های رهبران و مدیران یک شرکت که آنها باید به منظور دستیابی به یک شغل دارا باشند، باشد. شایستگی‌ها می‌تواند برای تطبیق فرد مناسب برای شغل مناسب مورد استفاده قرار گیرد. برخی از مدیران، شایستگی‌ها را به عنوان یک معیاری برای توضیح این که چه مهارت‌هایی را یک فرد دارد و چه مهارت‌هایی را یک فرد برای یک شغل بخصوص نیاز دارد، می‌دانند (فانگ^۶ و همکاران، ۲۰۱۰). شایستگی‌ها و مدل‌های شایستگی دارای محدودیت‌هایی نیز هستند. برای مثال رفتاری که در شرایط فعلی مناسب است و به عنوان شایستگی محسوب می‌شود، ممکن است در آینده نامناسب باشد و شایستگی تلقی نگردد (وینترتون^۷ و همکاران، ۱۹۹۹). وودراف^۸ (۱۹۹۹) بیان می‌کند که شایستگی‌های یک سازمان باید انعطاف‌پذیر باشد و باید قادر به تغییر در موقعیت سازمان و تغییر استراتژی خود باشد. همچنین شایستگی‌های می‌تواند از یک شرکت به شرکت دیگر تغییر کند (وودراف، ۱۹۹۹). در حالی که ممکن است برخی از شایستگی‌ها مهم تر از دیگر شایستگی‌ها باشند، ولی مهم است که از مسئولیت مدیران و از آنچه که شغل آنها واقعا نیاز دارد، درک روشنی بدست آوریم. شایستگی همچنین می‌تواند به یک احساس کاذب از واقعیت منجر شود و ممکن است مدیران را به این باور برساند که آنها همه نکات ظریف شغل را درک می‌کنند، در حالی که شاید چنین نباشد (لیکاما^۹، ۲۰۱۵).

۳-۳- سواد رسانه

سواد رسانه‌ای نیز نوعی از سواد معادل کلمه انگلیسی Media literacy است، هر چند این موضوع در عرصه تحقیق تازگی دارد، تعریف‌های چندی از دیدگاه صاحب‌نظران برای آن ارائه شده است. سواد رسانه‌ای آمیزه‌ای از تکنیک‌های بهره‌وری مؤثر از رسانه‌ها و کسب بینش و درک برای تشخیص رسانه‌ها از یکدیگر است (شکرخواه، ۱۳۸۶). سواد رسانه‌ای توانایی دسترسی، درک و ایجاد ارتباطات در بافت‌های گوناگون است (لیوینگستون^{۱۰}، ۲۰۰۴). با توجه به تعاریف بالا سواد رسانه‌ای را به معنای مجموعه‌ای از مهارت‌ها، نگرش‌ها و دانش‌های لازم به منظور درک و فهم استفاده از انواع مختلف رسانه‌ها دانست که اطلاعات از یک فرستنده به یک گیرنده انتقال می‌یابد. افراد، با سواد رسانه‌ای قادر به کشف پیام‌های پیچیده‌ی موجود در محتوای تلویزیون، رادیو، روزنامه‌ها، مجلات، کتاب‌ها، بیلبوردهای تبلیغاتی، اینترنت و سایر رسانه‌های مستقل خواهند شد. آن‌ها همچنین می‌توانند رسانه‌های خود را ایجاد کرده و در شکل‌گیری فرهنگ رسانه‌ای مشارکت فعالانه داشته باشند، این امر سبب می‌شود مردم از حالت مصرفی خارج شده، از رسانه‌ها به صورت هوشمندانه‌ای بهره‌مند شوند. سواد رسانه‌ای سعی دارد آگاهی‌آحاد افراد جامعه را به شکل‌های مختلف پیام، در زندگی روزانه افزایش دهد و به شهروندان یاری دهد تا بینشها و باورهای مردم را ارزیابی کرده، فرآیند شکل‌گیری فرهنگ عمومی را مورد بررسی قرار دهد. در دوران جدید با ویژگی ظهور وسایل ارتباطات نوین، جوامع تحت نفوذ و بمباران اطلاعاتی و رسانه‌ای قرار گرفته و به نظر می‌رسد به منظور بقاء در این شبکه اطلاعاتی که در سراسر محیط فرهنگی انسان ریشه دوانیده حفظ استقلال فکری و اندیشه، اجتناب از انفعال، بهره‌مندی از تفکر انتقادی و افزایش توانایی گزینش و انتخاب و رویارویی با این فرآیند پیچیده و فراگیر از طریق تکوین و تکامل سواد رسانه‌ای قابل حصول تلقی می‌شود (بیران، ۱۳۸۶). رسانه‌ها به مخاطبین مطالب و موضوعاتی را انتقال داده که تصویرگر واقعی پیام و خواسته‌های آنها تلقی می‌شود. بیشتر رسانه‌ها و از آن جمله رسانه‌های عمومی برداشت‌های تجاری از تولیدات داشته که به هر صورت در

1 Hofrichter & Spencer
2 Edwards
3 Antonacopoulou
4 Stewart & Hamlin
5 Jalocha
6 Fang
7 Winterton
8 Woodruffe
9 Liikamaa
10 Livingston

پیام‌های آنها نهفته است (سلطانی فر، ۱۳۸۶). سواد رسانه‌ای هدف‌هایی برای مخاطبین در بر دارد؛ از میثاق رسانه‌های مختلف آگاهی داشته و به مخاطب شایستگی دریافت اطلاعاتی را آموزش می‌دهد. سواد رسانه‌ای دارای ابعاد مختلفی است؛ شامل دسترسی، درک و خلق. دسترسی به توانایی مکانیابی محتوای رسانه‌ها که با نیاز شخص مرتبط است اشاره دارد (همچنین اجتناب از محتوای رسانه‌ای که ربطی به نیاز شخص ندارد) و شامل پردازش سخت افزار و نرم افزار، جمع‌آوری و کاربرد اطلاعات درباره آن چیزی است که موجود است.

سواد رسانه ای می‌تواند به افراد جامعه کمک کند تا:

۱. چگونگی ایجاد پیام‌های رسانه‌ای را درک کنند
۲. آنچه که رسانه‌ها می‌خواهند ما را به باور آن برسانند را تشخیص بدهند.
۳. تعصبات، اطلاعات غلط و دروغ‌های رسانه‌ای را تشخیص بدهن
۴. قسمتی از داستان که کنمان می‌شود را کشف کنند
۵. پیام‌های رسانه‌ای را براساس تجربیات خود، باورها و ارزش‌هایشان ارزیابی کنند.
۶. پیام‌های رسانه‌ای خود را طراحی، ایجاد و توزیع کنند. در جامعه آموزش سواد رسانه ای به رشد تفکر انتقادی و مشارکت فعال در فرهنگ رسانه‌ای کمک می‌کند. هدف آن، دادن آزادی بیشتر به افراد به وسیله قدرت دادن به آن‌ها برای دسترسی، تجزیه و تحلیل، ارزیابی و ایجاد رسانه است. همچنین محققان به این نتیجه دست یافته‌اند که آموزش سواد رسانه ای یک ابزار برای مقابله با الکل، تنباکو و سایر مواد مخدر، همچنین اختلالات تغذیه‌ای، قلدری، خشونت، نژاد پرستی و تبعیض است. به طور کلی سواد رسانه ای یکی از مهارت های مهم زندگی کردن است. در زندگی عمومی سواد رسانه ای به درک چگونگی ایجاد فرهنگ توسط رسانه‌ها و انحصار رسانه‌ای کمک می‌کند. تعداد انگشت‌شماری از شرکت‌ها هستند که بسیاری از رسانه‌ها را کنترل می‌کنند، سواد رسانه ای افراد را برای تغییر سیستم‌های رسانه‌ای تشویق می‌کند.

۳-۴- مفاهیم سواد رسانه‌ای

مفاهیم سواد رسانه ای به سه سطح عمومی، متوسط و پیشرفته تقسیم می‌شوند. مفاهیم عمومی به اینکه چگونه رسانه‌ها ما را تحت تاثیر قرار می‌دهند تمرکز می‌کند. مفاهیم متوسط به چگونگی ایجاد معنا از مفاهیم رسانه‌ای می‌پردازد و مفاهیم پیشرفته تعامل رسانه‌ها و جامعه و نقش سواد رسانه ای در ایجاد تغییرات را بررسی می‌کند.

۳-۵- آموزش مجازی

آموزش مجازی یا virtual learning و یا به عبارت دیگر آموزش الکترونیکی e-learning بر بستر اینترنت از راه دور امکان‌پذیر است. یکی از انواع آموزش مجازی و بی شک برترین نوع آموزش مجازی است که طی آن استاد و دانشجو در یک زمان مشخص وارد کلاس مجازی شده و در یک محیط مجازی با یکدیگر در تعامل قرار می‌گیرند. در آموزش مجازی آنلاین مدرس می‌تواند با ارائه فایل‌های پی‌دی‌اف و اسلایدهای پاورپوینت و صدا و تصویر خود مباحث آموزشی مورد نظر را با دانشجویان در میان بگذارد. اشتراک گذاری دستکاپ کامپیوتر مدرس و نمایش محیط نرم افزارهای مختلف به صورت زنده به فراگیران، امکان آموزش عملی موضوعات مختلف همچون کار با انواع نرم افزارها را ایجاد می‌کند. آموزش آنلاین، یادگیری برنامه ریزی شده ای است که در آن معمولاً یادگیری و آموزش در محیط‌های جدا از هم صورت می‌گیرند. به همین دلیل آموزش آنلاین، به تکنولوژی‌های ارتباطی و نهادی برای طراحی و برنامه ریزی آموزش نیازمند است. یادگیری آنلاین فقط بر روی نیازهای یادگیرنده برای رابطه با مدرس تمرکز می‌کند، درحالی که آموزش آنلاین باید شامل دو طرف ارتباط، یعنی مدرس و یادگیرنده باشد. یادگیری الکترونیکی یکی از انواع آموزش از راه دور تلقی می‌گردد. آموزش از راه دور متدهای مختلف از جمله سیستم‌های مبتنی بر تلویزیون، پست، مکاتبه و رادیو را شامل می‌شود. یادگیری الکترونیکی نیز یکی از انواع تکامل یافته این مدل از آموزش می‌باشد. سیستم‌های مدیریت آموزش مجازی، قابلیت‌ها را به اشکال مختلف و با بهره‌گیری از شیوه‌های متفاوت فراهم می‌کنند. برخی از این سامانه‌ها برای شبیه‌سازی کلاس‌ها و فعالیت‌های آموزشی، محیط‌های سه‌بعدی آموزشی با شکل‌های متنوع و سرگرم‌کننده ارائه می‌کنند و برخی صرفاً از ابزارهای نوشتاری و ساده بهره گرفته‌اند. بعضی به صورت ویدئو بوده و برخی ویدئو را در بر نمی‌گیرند. یکی از اهداف توسعه آموزش مجازی در جهان، بویژه موسسات آموزشی و دانشگاه‌ها، “طراحی و راه اندازی نرم افزار سیستم مدیریت یادگیری” بعنوان یک از مهمترین ابزارهای آموزش مجازی برای ارائه به موسسات آموزشی و دانشگاه‌های متقاضی به منظور استفاده در کاربری آموزشی و ارائه رشته‌های مجازی (ترکیبی) می‌باشد. این عبارت از اهداف تعریف شده برای محور طراحی، راه اندازی و استقرار سامانه دانشگاه مجازی است. آموزش آنلاین، یادگیری برنامه ریزی شده ای است که در آن معمولاً یادگیری و

آموزش در محیط‌های جدا از هم صورت می‌گیرند. به همین دلیل آموزش آنلاین، به تکنولوژی‌های ارتباطی و نهادی برای طراحی و برنامه‌ریزی آموزش نیازمند است. یادگیری آنلاین فقط بر روی نیازهای یادگیرنده برای رابطه با مدرس تمرکز می‌کند، درحالی‌که آموزش آنلاین باید شامل دو طرف ارتباط، یعنی مدرس و یادگیرنده باشد. اکنون نیز در نقاط مختلف دنیا از جمله ایران از این شیوه آموزش برای تحصیل و یادگیری استفاده می‌شود (عطاران، ۱۳۹۱).

معروفترین ابزار ارتباطی رایانه‌ای، عبارتند از پست الکترونیکی با استفاده از تابلوهای اعلانات و اینترنت، کنفرانسهای شنیداری و تلفنی و کنفرانسهای تصویری با استفاده از یک یا دو ویدئو و استماع دو طرفه از طریق ضبط صوت، کابل تلفن، نسوج نوری، ماهواره، و مایکروویو مدار بسته (عاملی، ۱۳۸۷). آموزش الکترونیکی نسبت به آموزش سنتی دارای مزایای عمده‌ای است. انعطاف پذیری و حذف تردهای بی‌مورد و پرهزینه برای شرکت در دوره‌های آموزش از مهمترین آنها به شمار می‌آید. از مزایای دیگر نیز میتوان به هزینه کمتر، سرعت بیشتر، زمان و مکان متغیر، صرفه جویی در نوشتن ابزار، اشاره کرد. آموزش مجازی معایب و مزایا نیز دارد که به صورت اختصار به آن اشاره خواهیم کرد.

جدول ۱- مزایای آموزش مجازی

اقتصادی	آموزشی	فرهنگی	زمانی
کاهش هزینه‌های رفت و آمد کاهش هزینه‌های تولید لوازم تحریر و متعاقب آن حفظ محیط زیست.	توجه به نیاز مخاطبین سهولت دسترسی به منابع مختلف امکان ثبت و ضبط فعالیت‌ها و برنامه‌ها پیگیری مستمر پیشرفت تحصیلی ارائه و آماده‌سازی مدل‌های مختلف آموزشی خدمات تحصیلی و مشاوره‌ای برای دانشجویان افزایش نیروی انسانی مجرب همگام با فناوری اطلاعات و ارتباطات	جهانی بودن یادگیری الکترونیکی به دلیل استفاده از اینترنت امکان ساخت اجتماع توسط افراد در محیط وب	به روز رسانی اطلاعات با سرعت بالا در دسترس بودن آموزش الکترونیکی به طور ۲۴ ساعته

جدول ۲- معایب آموزش مجازی

اقتصادی	آموزشی	فرهنگی
هزینه بالای راه اندازی و استفاده از تجهیزات رایانه‌ای بالا بودن هزینه‌ها به کارگیری خطوط تلفن	کافی نبودن دانش رایانه‌ای دانشجویان عدم دسترسی همه به رایانه و خدمات جانبی آن	عدم آشنایی مدرسان به قوانین کپی رایت از بین رفتن تنوع فرهنگی

۳-۶- مدیریت رسانه

از جمله رشته‌های میان رشته‌ای جدید، مدیریت رسانه است که مدیریت را در شرکت‌های رسانه‌ای مورد توجه و بررسی قرار می‌دهد (پرایس، ۱۳۸۸). ریشه‌های این گرایش به دهه‌ی ۸۰ می‌گردد. از آن زمانکه متأثر از دو عامل اساسی یعنی از یکسو تأثیرات تحولات اجتماعی سیاسی و از سوی دیگر تأثیراتی که تحولات و پیشرفت‌های علمی به خصوص تحولاتی که در فن-آوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی به دست آمده است، شرکتها و در یک افق وسیع تر صنعت رسانه‌ای، ساز و کارهای اقتصادی و مدیریتی جدیدی پیدا کرده اند (امیرخانی و همکاران، ۱۳۹۵).

۳-۷- مدیریت آموزشی

مدیریت آموزشی به معنی عام، برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت، هماهنگی و نظارت و ارزشیابی فرایند آموزش تعریف شده است. مدیریت آن بخشی از فعالیت‌های سازمان‌های آموزشی است که مستقیماً با امر آموزش و پرورش و یادگیری مرتبط است. از جمله، فعالیت‌های مربوط به برنامه‌های آموزشی، مواد و محتوای دروس، روش‌ها و وسایل آموزشی، مشاوره و راهنمایی تحصیلی، اقدامات آموزشی مکمل، امور معلمان و دانش‌آموزان (خورشیدی و اکرامی، ۱۳۹۱). نظام آموزشی هر کشوری دربرگیرنده‌ی مجموعه‌ای از نیازهای سازمان‌های رسمی آن کشور بوده و عملکرد نظام آموزش و پرورش که مدیران آموزشی اداره آن را بر عهده دارند، نه تنها از نظر پیشرفت اقتصادی و اجتماعی مهم است، بلکه از نظر تأثیری که بر تحرک شغلی و انتظارات دارد، از اهمیت تعیین کننده‌ای برخوردار است. ضرورت در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، بهبود کیفی و ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی برای

همگان، نقش خطیر مدیریت نظام آموزشی را بارزتر ساخته است (موسوی و حسینی، ۱۳۹۶). هدف کلی آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای این است که هر فرد را طبق الگوی ارزش‌های فرهنگی، سیاسی، دینی و اجتماعی خود تربیت کرده و انسانی متناسب تحویل جامعه دهد. مدیریت آموزشی، باید قبل از هر چیز اهداف آموزش و پرورش را به خوبی شناخته و آنها را مورد بررسی قرار دهد و به کار بندد. اط‌مهارت‌های مدیریت آموزشی میتوان به مهارت فنی، انسانی و ادراکی نام برد.

۳-۸- ضرورت مدیریت آموزشی

امروزه، عصر مدیریت و رهبری است و موفقیت نهادها و سازمان‌ها تا حد زیادی به کارایی و اثربخشی مدیریت بستگی دارد. ساخت نظام آموزشی هر کشوری دربرگیرنده‌ی مجموعه‌ای از نیازهای سازمان‌های رسمی آن کشور بوده و عملکرد نظام آموزش و پرورش که مدیران آموزشی اداره آن را بر عهده دارند، نه تنها از نظر پیشرفت اقتصادی و اجتماعی مهم است، بلکه از نظر تأثیری که بر تحرک شغلی و انتظارات دارد، از اهمیت تعیین کننده‌ای برخوردار است. همچنین آموزش و پرورش، بهترین وسیله، برای ایجاد تغییر ارزشها و رفتارها به شمار رفته و باعث می‌شود که افراد، به تناسب استعداد و رغبتی که دارند برای انجام خدمات‌های اجتماعی و اقتصادی و کسب مشاغل و در نتیجه آسایش فردی مهیا شوند. از اینرو، از آغاز قرن اخیر، هیچ کشوری بدون توسعه در مؤسسات آموزشی و مدیران آموزشی تحصیل کرده و مجرب، مراحل توسعه و پیشرفت را طی نکرده است بنابراین، با افزایش تعداد دانش‌آموزان در سطوح مختلف آموزشی، تأسیس مدارس و مراکز آموزشی جدید، استخدام معلمان بیشتر و سرمایه‌گذاری بیشتر، ضرورت یافته است. از سوی دیگر، ضرورت در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، بهبود کیفی و ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی برای همگان، نقش خطیر مدیریت نظام آموزشی را بارزتر ساخته است (موسوی و حسینی، ۱۳۹۶).

۳-۹- اهداف مدیریت آموزشی

هدف کلی آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای این است که هر فرد را طبق الگوی ارزش‌های فرهنگی، سیاسی، دینی و اجتماعی خود تربیت کرده و انسانی متناسب تحویل جامعه دهد. اهداف آموزش و پرورش سه نقش مهم در مدیریت آموزشی ایفا می‌کنند: اولاً به فراگرد آموزش و پرورش جهت می‌دهند، ثانیاً انگیزه‌ی حرکت و فعالیت را به وجود می‌آورند و ثالثاً ملاک‌های کنترل و ارزشیابی فعالیت‌های آموزشی را ایجاد می‌نمایند. مدیریت آموزشی، باید قبل از هر چیز اهداف آموزش و پرورش را به خوبی شناخته و آنها را مورد بررسی قرار دهد و به‌کار بندد که برخی از آنها عبارتند از:

- کمک به افراد سازمان آموزشی برای رسیدن به اهداف آموزش و پرورش
- راهنمایی اعضای سازمان برای تشخیص و درک بهتر هدف‌ها
- راهنمایی، همکاری، کمک، تقویت و حمایت از اعضای سازمان آموزشی
- مشارکت افراد در تصمیم‌گیری و تبادل نظر آنها و ایجاد مسئولیت‌های مشترک در سازمان آموزشی
- ایجاد روابط انسانی مطلوب و احترام متقابل بین مدیر و اعضای سازمان آموزشی
- شناخت نیازها و حل مشکلات دانش‌آموزان به منظور دستیابی به اهداف آموزشی
- توجه به تفاوت‌های فردی و کمک به کشف و بروز استعداد‌های دانش‌آموزان
- کمک و یاری به بهبود و اصلاح فرآیند آموزش و پرورش. فراهم نمودن امکانات و زمینه مساعد برای بروز خلاقیت و ابتکار، به منظور رشد و بلوغ فکری اعضای سازمان
- ایجاد هماهنگی بین منابع و فعالیت‌های سازمان آموزشی (شبان و همکاران، ۱۳۹۷).

۳-۱۰- ارتباط مدیریت آموزشی و مدیریت رسانه

با پیشرفت‌هایی که امروزه در روش‌های آموزشی به وجود آمده، این روشها بسیار به هم نزدیک شده‌اند و آنچه در حال حاضر در اینباره بیشتر مورد توجه و بحث قرار می‌گیرد، نقش رسانه‌های آموزشی در پیشرفت سیر آموزش است. ضرورت و اهمیتی که استفاده از رسانه‌ها دارند، این مقوله را به تخصص تبدیل کرده است و متخصصان بسیاری برای چگونگی استفاده مطلوب از این ابزار به تحقیق و بررسی مشغول اند و همواره چگونگی استفاده از آنها را زیرنظر دارند تا وظیفه‌ای که این وسایل به عهده دارند، به درستی انجام شود. یکی از موثرترین فعالیتها در بهره‌گیری از رسانه و وسایل کمک آموزشی جلب مشارکت یادگیرندگان در تولید آنهاست. (خاقان زاده، ۱۳۸۸). رسانه‌ها را میتوان به دو دسته سنتی و مدرن تقسیم کرد. رسانه سنتی شامل رسانه چاپی و رسانه مدرن شامل رسانه‌های الکترونیک، دیجیتال، سایبر و مبتنی بر وب می‌باشد (هلموت، ۲۰۰۱).

۳-۱۱- مدارس ابتدایی

دوره ابتدایی و برنامه‌ی درسی آن، مبنایی برای آموزش در دوره‌های بعد است. ویژگی‌های منحصر به فرد دوره ابتدایی این است که بنیاد و اساس رفتار در این دوره پی‌ریزی می‌شود و رفتار انسان بزرگسال محصول آموخته‌های او در خردسالی است. دوره ابتدایی دوره‌ی شخصیت‌پروری است و در این دوره باید به ابعاد گوناگون وجود دانش‌آموز توجه شود. آموزش و پرورش در دوره ابتدایی و توفیق یافتن و یا توفیق نیافتن آن، با خانواده‌ی دانش‌آموز مرتبط است آموزش و پرورش در دوره‌ی ابتدایی زیربنای توسعه است چون آموزش و پرورش، کودکان را به عنوان نیروهای آینده تربیت می‌کند. در دوره‌ی ابتدایی یادگیری شیوه‌ی عمل و یادگیری روش بسیار مهم است، مثل یادگیری روش اندیشیدن، روش برقراری ارتباط.

۴- پیشینه پژوهش

۴-۱- پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور

عباسپور و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان طراحی الگوی شایستگی مدیران مدارس متوسطه انجام دادند، بر اساس مصاحبه‌های کیفی، بیست مضمون مربوط به شایستگی مدیران مدارس استخراج شد که در قالب ۶ مؤلفه اصلی دسته‌بندی گردیدند. بعد اول؛ شایستگی‌های فردی، شامل مؤلفه‌های شخصیتی و ارزشی است. بعد دوم؛ شایستگی‌های مدیریتی، دو مؤلفه بانام‌های منابع انسانی و بینش و نگرش دارد. بعد سوم؛ شایستگی‌های علمی و شغلی، دو مؤلفه این بعد، تخصص و شغلی است. بر اساس نتایج این پژوهش پیشنهاد گردید برای دستیابی به نظام آموزشی اثربخش، شرایط انتخاب مدیران مدارس باید بازتعریف شود. مدیران ارشد آموزش و پرورش در انتخاب مدیران مولفه‌هایی چون شایستگی‌های مدیریتی، شایستگی‌های علمی و تخصصی و شایستگی‌های فردی را مدنظر قرار دهند.

خنیفر و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان مدیران مدارس: شایستگی، دانش، توانایی و مهارتها و ارائه مدل انجام دادند، نتایج نشان داد ابعاد و مولفه‌های الگوی شایستگی مدیران آموزش و پرورش جهت استفاده در کانون ارزیابی عبارتند از: شایستگی دانشی (دانش عمومی مدیریت، دانش بروز در زمینه مدیریت آموزشی، دانش در زمینه آموزش و تدریس، دانش محیطی، شناخت قوانین اجرایی مرتبط و دانش فناوری مشتری مداری و مدیریت تعارض)، ویژگی‌های شخصیتی (الگو بودن، مسئولیت پذیری، تعهد، مشارکت پذیری یادگیرندگی، کمال جویی، خودارتقایی، خودمدیریتی و اعتماد به نفس) اجرایی (مدیریت اطلاعات، ریسک پذیری، مدیریت منابع، بازخورد به موقع، برنامه‌ریزی عملیاتی و مهارت تصمیم‌گیری) رهبری (انگیزه بخشی، توسعه افراد و تواناسازی، کار تیمی و تیم سازی، نفوذگذاری و تاثیر، مدیریت استعداد، چانشین پروری و الهام بخشی) ارتباطات (مهارت‌های شنیدن، اخلاق و رفتارحسنة، توانایی ارتباط با کارکنان، فهم و درک دیدگاه‌های دیگران، توانایی برقراری ارتباط روشن و آشکار، توانایی ارتباط با مدیران مدارس و توانایی تعامل با والدین دانش‌آموزان) ادراکی (خلاقیت، نوآوری، تفکر منطقی و بصیرت).

شبنانی و خورشیدی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی الگوی شایستگی برای مدیران دوره ابتدایی آموزش و پرورش شهر تهران پرداختند، با هدف کلی طراحی الگوی شایستگی مدیران مدارس دوره ابتدایی به شناسایی اهداف فرعی، ابعاد، مؤلفه‌ها، شاخص‌های الگو، اولویت بندی و ارزیابی پرداخته است. در بخش کیفی پژوهی ۳۰ نفر از متخصصان دانشگاهی و خبرگان آموزشی با سابقه مدیریت مدارس به ویژه دوره ابتدایی انتخاب شده و از طریق مصاحبه و فن دلفی شاخص‌های الگوی شایستگی مدیران شناسایی شده است. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از نظریه داده بنیاد در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انتخاب شدند و نتایج درسه مرحله اجرای فن دلفی به تایید رسیده و در نهایت ۱۲۴ مفهوم کلیدی در قالب ۱۳ مؤلفه و ۱۶ بعد شناسایی شده است. بر اساس نتایج تحلیل عاملی تاییدی ۱۲۴ گویه تایید شده این پژوهش در قالب ۶ بعد شامل شایستگی‌های ذهنی بینشی با ۲ مؤلفه و ۱۵ گویه؛ شایستگی‌های درون فردی با ۲ مؤلفه و ۱۷ گویه؛ شایستگی‌های بین فردی با ۲ مؤلفه و ۱۷ گویه؛ شایستگی‌های اخلاقی با ۲ مؤلفه و ۱۱ گویه؛ شایستگی‌های عملکردی با ۳ مؤلفه و ۱۴ گویه و شایستگی‌های رهبری با ۲ مؤلفه و ۲۱ گوییه طبقه بندی نمودند.

ابراهیم زاده و ناظم (۱۳۹۷) در تحقیقی به شناسایی و تدوین مؤلفه‌های موثر در مدل شایستگی مدیران مدارس ابتدایی شهر تهران پرداختند، طرح پژوهشی ترکیبی از نوع اکتشافی و جامعه پژوهشی متشکل از همه مدیران و معاونان مدارس ابتدایی شهر تهران بود که از میان آنان در بخش کیفی ۳۵ نفر با روش هدفمند و بر اساس اصل اشباع نظری در بخش کمی ۲۵۰ نفر با روش هدفمند انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختار یافته و پرسشنامه‌های استاندارد ویژگی‌های شخصیتی و هوش هیجانی استفاده نمودند. نتایج آن‌ها نشان داد که با توجه به ۱۱۵ شاخص تعداد ۴ مؤلفه شایستگی‌های فردی، شایسته‌های بین فردی، شایستگی‌های مدیریتی و شایستگی‌های علمی و تخصصی شناسایی شدند. همچنین هر ۴ مؤلفه اثر مثبت و معناداری بر شایستگی مدیران مدارس ابتدایی داشتند که شایستگی‌های مدیریتی بیشترین تأثیر را بر آن داشت.

موسوی و سلطانی (۱۳۹۶) طی تحقیقی با عنوان تدوین مدل شایستگی مدیران اداره کل ورزش و جوانان استان اصفهان انجام دادند، جامعه آماری تحقیق مدیران اداره کل ورزش و جوانان استان اصفهان بودند و برای شناسایی ابعاد معرفی شایستگی مدیران مذکور مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با مدیران برتر اداره انجام گرفته شد و پس از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و بهره‌گیری از نظر خبرگان مدل جامعه شایستگی مدیران استخراج و تایید شد. چارچوب طرح تفصیلی شایستگی‌های مدیران مذکور در سه بعد دانش- آگاهی و مهارت - توانایی و ویژگی‌های شخصیتی در قالب ۱۷ مولفه و ۱۳۵ شاخص تعیین شد و تعاریف هر یک از شاخص‌ها بر اساس ادبیات علمی، تدبیر و همه‌مورد تایید خبرگان قرار گرفت. در مورد چهارچوب تفصیلی شایستگی‌های مدیران اداره کل ورزش و جوانان استان اصفهان، به این نتیجه رسیدند که مدل ارائه شده شامل شایستگی‌های تمامی ابعاد دانش و آگاهی مهارت توانایی و مشخصه‌های فردی و نشان‌دهنده جامعیت مدل است.

ترک زاده و محمدی (۱۳۹۴) در پژوهشی به ارزیابی‌های شایستگی مدیریت اسلامی معلمان نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شیراز پرداختند، نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که به طور کلی مدیران قلمرو تحقیق در ابعاد سه گانه ارزشی- منشی، دانشی- بینشی و مهارتی- روشی از شایستگی لازم برخوردار بودند. این شایستگی مدیران در ابعاد سه گانه بر حسب جنسیت و سطح تحصیلات تفاوت معناداری نداشتند ولی بین شایستگی مدیران در ابعاد سه گانه بر اساس سابقه تفاوت معناداری وجود داشت. زارعی و رحمتی (۱۳۹۳) در تحقیقی به طراحی مدل شایستگی مدیران در سازمان‌های فرهنگی کشور پرداختند، این پژوهش به منظور شناسایی شایستگی‌های مدیریت اثربخش سازمان فرهنگی در دو فاز طراحی و اعتباریابی مدل انجام شد. با انجام مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با نمونه ۱۵ نفر از خبرگان فرهنگی و تحلیل مصاحبه صورت پذیرفت و مدل به شیوه‌ی کیفی طراحی شد و اعتباریابی مدل از طریق سه مرحله دلفی خبرگان و تحویل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های ساختار یافته و پرسشنامه انجام گرفت. در نهایت مدل شایستگی مدیران سازمان‌های فرهنگی در بردارنده سه شایستگی محوری منش فرهنگی، انگیزه فرهنگی و هوش نرم، هشت شایستگی اصلی و ۲۳ شایستگی فرعی طراحی وقت پیشنهاد بود.

۴-۲- پژوهش‌های انجام شده در خارج از کشور

واکینوا^۱ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان مفهوم سازی شایستگی رسانه‌ای انجام دادند. روش پژوهش از طریق مفهوم سازی شایستگی رسانه‌ای در چهار حوزه فردی، اجتماعی، فرهنگی و مدنی ارائه شد. نتایج نشان داد برای شایستگی رسانه‌ای نیازمند گسترش ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دسترسی، ارزیابی، تحلیل، و ارتباط با رسانه‌ها است.

سیتاخمتووا^۲ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهش کیفی محتوای برنامه‌های درسی آموزشی را برای رویکرد شایستگی محور با تاکید بر توسعه شایستگی رسانه‌ای در مدارس قزاقستان ارائه کردند. نتایج تجزیه و تحلیل نشان داد که مدارس نیاز به توسعه چارچوب شایستگی رسانه‌ای برای دانش‌آموزان دارد که می‌تواند مولفه‌های شایستگی رسانه‌ای را مشخص کند و به دستورالعملی برای بازنگری برنامه ریزی شده محتوای برنامه‌های آموزشی تبدیل شود.

استهل و کیهوویتا^۳ (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی ارتباطات بصری و شایستگی‌ها از طریق تعامل با تصاویر در شبکه‌های اجتماعی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که چهار شایستگی‌ها هنگام تعامل با تصاویر در رسانه‌های اجتماعی فعال هستند که عبارتند از: شایستگی‌های بصری، شایستگی‌های فنی، دانش‌های اجتماعی و شایستگی‌های فردی.

افندی^۴ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی مدل یادگیری مبتنی بر شایستگی در شبکه‌های رایانه‌ای پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که این شایستگی در شبکه‌های رایانه‌ای زمانی اتفاق می‌افتد که مبتنی بر رسانه‌های معتبر و علمی باشد و در این حالت است که می‌توان توسط مدرسین و طراحان یادگیری در توسعه یا تحقق بخشیدن به روند یادگیری مورد استفاده قرار گیرد.

اوتس^۵ (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی شایستگی‌های مدیران مدارس پرداختند که نتایج آن‌ها نشان که این شایستگی‌ها عبارتند از: هدف اخلاقی، آگاهی متقابل، کنجکاوی و اشتیاق به یادگیری، توسعه مستمر دیگران، مسئولیت پذیری، تاثیر و تاجر، ابتکار، الهام بخش دیگران، راهنمای شخصی، انعطاف پذیری و بلوغ احساسی، ارتباط با دیگران، خودآگاهی و تفکر راهبردی.

مارش و بی شاپ^۶ (۲۰۱۴) درباره مدل سازی شایستگی و استفاده آن در سازمان‌ها معتقد بودند که مدل‌های شایستگی در بسیاری از سازمان‌ها به کار برده می‌شود تا سیستم‌ها را برای انتخاب کارکنان، آموزش و توسعه و تمرکز بر شایستگی‌های شناسایی شده سازمان، به عنوان مهم‌ترین وظیفه برای عملیاتی کردن و جهت‌گیری راهبردی آنها تنظیم نماید.

- 1 Vacinova
- 2 Seitakhmetova
- 3 Stahl & Kaihovirta
- 4 Efendi
- 5 Oates
- 6 Marsh & Bishop

بترووف^۱ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان شایستگی رهبر مدرسه در حوزه مدیریت به این نتیجه رسیدند که شایستگی‌های مدیر مدرسه در چهارحوزه شامل: ایجاد استراتژی، مدیریت فرایند تدریس، مدیریت توسعه مدرسه به مثابه موسسه، مدیریت و توسعه منابع انسانی دسته بندی کردند.

بولدن و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهش مطالعات رهبری انگلیس شایستگی های مدیران مدارس را به دو بخش کیفیت های شخصی شامل: توسعه خودآگاهی، خودمدیریتی، توسعه مستمر شخصی، یگانگی رفتار و گفتار و افزایش کیفیت کار با دیگران شامل: توسعه شبکه ها، کار در تیم، ایجاد و حفظ روابط دسته بندی کرده است.

۵- روش تحقیق

طرح پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نوع اکتشافی است. محقق با استفاده از کمی بدون پیشفرض، مدل را از دل داده‌های میدانی ارائه می‌کند. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل مدیران مدارس ابتدایی ناحیه ۳ شهر اصفهان که شامل ۱۲۰ نفر از مدیران مدارس ابتدایی بودند. روش نمونه‌گیری هدفمند است. قاعده کلی در نظریه مبنایی این است که نمونه‌گیری را تا زمانی که هر مقوله به اشباع نظری برسد ادامه دهیم. در پژوهش کنونی در نهایت با ۱۹ نفر گفت و گو انجام شد. با انجام مصاحبه‌ها، تشخیص پژوهشگران این بود که اطلاعات گردآوری شده به نقطه اشباع رسیده و نیازی به مصاحبه های بیشتر نیست. در این تحقیق، جهت گردآوری اطلاعات در مرحله کیفی از پایان‌نامه‌ها، طرح‌های پژوهشی، کتب، مقالات و سایر اسناد مرتبط از مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شد. همچنین در مرحله کمی روش گردآوری اطلاعات میدانی بوده و از پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. ابزار گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر در مرحله کیفی مصاحبه نیمه ساختار یافته با مدیران رسانه و برخی از اساتید دانشگاه در حوزه مدیریت رسانه و ارتباطات بود و در مرحله کمی ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه استفاده شد. این پرسشنامه به صورت محقق ساخته و بر اساس گردآوری اطلاعات از منابع معتبر از جمله مقالات و همچنین مصاحبه تدوین گردید برای تجزیه و تحلیل اطلاعات در مرحله کیفی داده‌های مصاحبه از کدگذاری سه مرحله‌ای استرواس و کربین استفاده شد که شامل کدگذاری باز، محوری و گزینشی است. محقق پس از کدگذاری پایانی و پالایش نظری داده‌های مصاحبه نیمه ساختاریافته با مدیران رسانه و برخی از اساتید دانشگاه در حوزه مدیریت رسانه و ارتباطات و رسیدن به اجماع نظری مدل خود را ارائه داد. در مرحله کمی از روش‌های آمار توصیفی: میانگین، انحراف معیار، توزیع‌های فراوانی و درصدی استفاده گردید. در سطح آمار استنباطی جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق ابتدا از آزمون کالموگروف اسمیرنوف جهت اطمینان از طبیعی بودن توزیع نمونه و از آزمون لوین جهت اطمینان از همگنی واریانس استفاده شد. به جهت محرز شدن این پیش شرطها برای مقایسه میانگین نمونه با میانگین فرضی جامعه از t تک متغیره استفاده شد. از آزمون‌های معادلات ساختاری برای ارائه مدل و فریدمن برای رتبه بندی مؤلفه ها استفاده گردید روش‌های آماری فوق با استفاده از نرم افزارهای SPSS و AMOS نسخه ۲۳ در سطح خطای ۰/۰۵ انجام شد.

۶- نتیجه گیری

هدف از این پژوهش ارائه مدل شایستگی مدیران رسانه‌ای مدارس ابتدایی ناحیه ۳ شهر اصفهان بوده است. شایستگی شامل دانش، مهارت و ویژگی های فردی است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که عوامل موثر بر شایستگی رسانه‌ای به ترتیب عبارتند از شناخت و حل مسئله، ارتباطات، تحصیلات، انتقادپذیری، تجربه، سواد رسانه ای، مخاطب شناسی و فنی و اطلاعاتی بوده است. امیرخانی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با هدف طراحی مدل شایستگی مدیریت رسانه‌ای پرداختند، و به این نتیجه رسیدند که مدل شایستگی مدیران رسانه شامل سه دسته شایستگی ذهنی، شایستگی شناخت رسانه، شایستگی دانشی و مدیریتی است که با نتایج این پژوهش همسوست. منظور از شناخت و حل مسئله توان ذهنی بالا جهت تجزیه و تحلیل مسائل، توان حل مسائل برای مدیر رسانه بسیارمهم است. اینکه ذهن مدیر رسانه سریع بتواند مسائل را تحلیل کند برای موفقیت کارش بسیار مهم است، ارتباطات مدیر رسانه برای موفقیت بیشتر بایستی لینک‌های قوی چه در داخل رسانه و چه در خارج از رسانه داشته باشد. تحصیلات داشتن مدرک در رشته، علوم ارتباطات اجتماعی، مدیریت رسانه از مؤلفه‌های این مقوله است. انتقادپذیری برخورداری از ذهنی باز، پذیرش خطاها و اشتباهات، پذیرش نقدهایی که رقبا یا همکاران ممکن است بر مدیر رسانه وارد کنند برای موفقیت هر مدیر رسانه مهم است.

تجربه مدیران رسانه باتجربه پله‌های ترقی را از پایه طی نموده‌اند و در درون یک سیکل یا دوره طولانی به این مرحله رسیده‌اند، سواد رسانه ایی مدیر رسانه برای موفقیت در کارش باید توانایی خوانش تصویر و درک عکس، شناخت انواع رسانه ها و کارکردهایشان، شناخت روزنامه و انواع قواعد و مبانی خبر، ارزش‌های خبری، انواع خبر، شناخت تیترا، لید (مقدمه خبر)، عناصر

1 Bitterová

خبری، درک تصویر، رمزگذاری تصاویر و خوانش و... را داشته باشد، مخاطب شناسی شناخت مخاطبان رسانه اثر بسیار مهمی در موفقیت مدیر رسانه خواهد داشت، و مهارت های فنی و اطلاعاتی مدیر رسانه لازم است از مسائل جهان مطلع باشد. مطالعه علمی بالا، کسب آگاهی تخصصی از مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی نیز برای کار مدیر رسانه با اهمیت است بدست آمده است. مدیر رسانه جهت موفقیت در شغل، انجام درست وظایف شغلی و کسب مزیت رقابتی منابع انسانی برای سازمان، بر طبق داده‌های مصاحبه و نتایج حاصل چنانچه از شایستگی‌های کسب مهارت فنی و اطلاعاتی، ذهنی و فکر و دانشی و ارتباطی برخوردار باشند می‌توانند عملکرد مؤثرتری داشته و به اثربخش و کارایی برای سازمان دست یابند. بر طبق نتایج پژوهش میزان تحصیلات دانشگاهی در شایستگی مدیر رسانه مهم است. هراندازه تحصیلات مدیر رسانه در رشته ارتباطات، مدیریت رسانه و رشته‌های مرتبط بالاتر باشد شایستگی مدیر رسانه بیشتر است. مدیر رسانه شایسته نیازهای مخاطبان خود را می‌شناسد برای این کار از نیازسنجی کمک می‌گیرد. انواع نیازهای مخاطبان رسانه را شناسایی می‌نماید و در جهت پاسخگویی به این نیازها برمی‌آید. دسته بندی مخاطبان نیز برای شایستگی مدیر رسانه از اهمیت بالایی برخوردار است.

مدیر رسانه شایسته مخاطبان رسانه را در دسته‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، جمعیت شناختی قرار می‌دهد و برای هر دسته محتوای متناسب با نیازهایشان را در خروجی رسانه قرار می‌دهد. یکی دیگر از مواردی که شایستگی مدیر رسانه را نشان می‌دهد قدرت رهبری و مدیریت مدیر رسانه است. هرچقدر انگیزه کارکنان رسانه برای کار بیشتر باشد، هماهنگی بین آنان بالاتر باشد، ترک کار و غیبت و اخراج پایین‌تر باشد، جذابیت کار در رسانه بالاتر، برنامه‌ریزی هرچقدر مدونتر، اهداف متعدد را ببیند، مدیر رسانه شایستگی‌اش بالاتر است. همچنین اگر ارتباطات رسمی و عمودی بالا به پایین کمتری باشد، هرم رسانه تختتر باشد، روابط صمیمی و دوستانه باشد و احترام به مدیر رسانه به دلیل جایگاه رسمی آن نباشد، بلکه به خاطر شخصیت گیرای آن باشد مدیر رسانه شایستگی بیشتری دارد. مدیر رسانه که قدرت تحلیل و قدرت حل مسئله بالایی داشته باشد شایسته‌تر است. یکی دیگر از معیارهای شایستگی مدیر رسانه ارتباط با انواع سازمان‌هاست، مدیر رسانه شایسته از ارتباطات بالایی برخوردار است با انواع سازمان‌ها ارتباط بالایی دارد. مدیر رسانه که ارتباطات شدیدی و پیوسته‌ای با دیگر رسانه‌ها داشته باشد، مدیر رسانه که شدت انتقادپذیری بالاتری نسبت به دیگران داشته باشد شایستگی بالاتری خواهد داشت. همچنین میزان درک قواعد و نظریات رسانه‌ای مدیر رسانه بالاتر باشد، تسلط بر مبانی قواعد رسانه شایستگی تر است.

منابع

۱. ابراهیم زاده، بیت الله، ناظم، فتاح. (۱۳۹۷). شناسایی و تدوین مولفه‌های مؤثر بر مدل شایستگی مدیران مدارس ابتدایی شهر تهران. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گمرکسار سال دوازدهم، شماره ۴، زمستان، صص ۳-۳۹
۲. اولریش، دیو؛ کاتز، جان و بالسون، پل (۱۳۸۸). شایستگی‌های منابع انسانی: شناخت عمیق تعامل افراد و کسب و کار، ترجمه مسعود بینش و افشین دبیری، تهران: نشر سرآمد.
۳. باد، جان (۱۳۹۰)، ارتباط شناسی و کتابداری. ترجمه محبوبه مهاجر؛ نورالله مرادی. تهران: سروش
۴. بیران، صدیقه (۱۳۸۷)، سواد رسانه‌ای در برخورد با خشونت». [پیوسته]. قابل دسترس در :
۵. براون، جیمز (۱۳۹۰)، رویکردهای سواد رسانه‌ای. ترجمه پرویز ایزدی. فصلنامه رسانه. شماره ۶۸، صفحات ۷۰-۵۱
۶. پرایس، گرت. (۱۳۸۸). دست نامه مدیریت رسانه. ترجمه طاهر روشندل ارتطانی و حمیدرضا پاکدل. تهران: انتشارات سروش.
۷. پورعزت، علی اصغر؛ فتحی، فاطمه؛ عباسی، طیبه و امیری سوادرودباری، عادل. (۱۳۹۶). تدوین مدل شایستگی مدیران در جهت تحقق چشم انداز ۱۴۰۴. فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی. (۱)، ۱۳۹-۱۱۰.
۸. ترک زاده جعفر، محمدی قدرت الله، (۱۳۹۴). ارزیابی شایستگی مدیران مدارس بر اساس معیارهای شایستگی مدیریتی اسلامی (معلمان نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شیراز)، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی، سال هفتم، شماره دو.
۹. چیت ساز احسان، ذوالفقاری محمد مهدی، ندوشن سعید، (۱۳۹۱). تدوین الگو شایستگی‌های محوری مدیران فرهنگی اجتماعی دانشگاه‌ها در ایران اسلامی، مدیریت در دانشگاه اسلامی، ۲، سال اول، شماره ۲.
۱۰. حسین زاده، اکبر؛ محمدی استانی، مرتضی. (۱۳۸۹). سواد رسانه ای، ضرورت امروز. کلیات اطلاعات، ارتباطات و دانش شناسی، شهریور ۱۳۸۹. صص: ۷۶-۷۰.
۱۱. خالق خواه، علی و نجفی، حبیب. (۱۳۹۹). نقش سواد علمی- فناوری مدیران آموزشی در افزایش مولفه های مهارت نرم، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال یازدهم، شماره ۴۶، صص: ۸۶-۱۰۴.

۱۲. خورشیدی، عباس و اکرامی، محمود. (۱۳۹۰). شناسایی عوامل سازنده شایستگی مدیران. فصلنامه مدیریت انتظامی، سال ششم، شماره ۴، ص: ۵۹۲-۵۸۰.
۱۳. درخشان، مژگان. زندی، خلیل (۱۳۹۶). راه کارهای ارتقای شایستگی های مدیران گروه های آموزشی. نشریه علمی- پژوهشی آموزش و ارزشیابی، سال دهم شماره ۳۷، ص: ۱۸۹-۱۶۳.
۱۴. زارعی متین و رحمتی، محمد حسین و همکاران، (۱۳۹۳). طراحی مدل شایستگی مدیران در سازمان های فرهنگی کشور، فصلنامه مدیریت سازمان های دولتی، سال دوم، شماره ۸.
۱۵. سلطانی فر، محمد (۱۳۸۶). سانسور یا سواد رسانه ای. فصلنامه رسانه. شماره ۶۸ صفحات ۱۲۲-۱۰۷.
۱۶. شکرخواه، یونس (۱۳۸۶). سواد رسانه ای. فصلنامه رسانه، شماره ۶۸. صفحات: ۳۲-۲۷.
۱۷. شاه بیگی، فرزانه و نظری، سمانه. (۱۳۹۰). آموزش مجازی: مزایا و محدودیت ها. مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد، دوره ششم، شماره ۱، شماره پیاپی ۴، ص: ۵۴-۴۷.
۱۸. شبانی راضیه، خورشیدی، عباس، عباسی، لطف الله، فتحی وارجگاه، کوروش. (۱۳۹۷). ارائه الگو شایستگی برای مدیران دوره ابتدایی آموزش و پرورش شهر تهران، دانشگاه فرهنگي، دو فصلنامه علمی، پژوهشی، مطالعات آموزش و آموزشگاهی، سال هفتم، شماره ۱۹.
۱۹. شمعی زاده، پیروز. (۱۳۹۳). بررسی عوامل ارتقای شایستگی پلیس آگاهی (مطالعه موردی: مدیران پلیس آگاهی کرمانشاه، کردستان، لرستان، ایلام و همدان). دانش انتظامی کرمانشاه، سال پنجم، شماره ۱۷.
۲۰. عاملی، سعیدرضا. (۱۳۸۷). روابط عمومی الکترونیک، روابط عمومی دوفضایی، مفاهیم نظریه ها و برنامه ها، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۱. عباسپور، عباس. احمدی، منیژه. رحیمیان، حمید. دلاور، علی. (۱۳۹۵). تبیین و ارائه مدل شایستگی سربازان در سازمان بازرسی کل کشور با رویکرد نظریه داده بنیاد. فصلنامه آموزش و توسعه منابع انسانی، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱۲۴-۹۵.
۲۲. عبادی، رحیم. (۱۳۹۰). یادگیری الکترونیکی و آموزش و پرورش، انتشارات موسسه فرهنگی پژوهشی آفتاب مهر.
۲۳. عطاران، محمد. (۱۳۹۰). جهانی شدن فناوری اطلاعات و تعلیم و تربیت، موسسه توسعه فناوری آموزشی مدارس هوشمند.
۲۴. کمالی پور، یحیی (۲۰۰۹). گفتگوی پرنانز با یحیی کمالی پور، رئیس دپارتمان ارتباطات و هنرهای خلاق در دانشگاه بوردو امریکا. [پيوسته]. قابل دسترس در [http://cnh-theory.PersiAngig.\[Com/1795-kamalipour.htm](http://cnh-theory.PersiAngig.[Com/1795-kamalipour.htm) [accessed 10 Apr. 2009]
۲۵. لبادی، زهرا، آقا علی خانی، الهام. (۱۳۹۱). عوامل موثر بر شایستگی و صلاحیت مدیران مدارس راهنمایی و متوسطه شهرستان ملارد. نشریه پژوهشها و مطالعات علوم رفتاری، پیاپی ۱۲.
۲۶. مساریس، پل (۱۳۹۲). ابعاد دیداری سواد رسانه ای ترجمه اسماعیل یزدان پور، فصلنامه رسانه شماره ۶. صفحات ۸۴-۷۱.
۲۷. مطلبی اصل، صمد. (۱۳۸۵). مدیریت شایستگی. ماهنامه تدبیر. ۱۸۷: ۸۱-۹۷.
۲۸. موسوی زهرا، حسینی محمد. (۱۳۹۶). تدوین مدل شایستگی مدیران اداره کل ورزش و جوانان اصفهان، رویکرد های نوین در مدیریت ورزشی، دوره ۵، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۹۶، صص ۹۸-۱۰۹.
۲۹. هیل، مایکل. (۱۳۹۱). تأثیرات اطلاعات بر جامعه: بررسی ماهیت، ارزش و کاربرد اطلاعات. ترجمه محسن نوکارتی. تهران: چاپار
30. Brown, J.A (1998). Media literacy perspectives. [Online]. Available: <http://www3.interscience.wiley.com/journal/119108959/abstract> [accessed 15 Apr. 2009].
31. Bucur, I. (2013). Managerial core competencies as predictors of managerial performance, on different levels of management. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 78, 365-369
32. Edwards, A. (2009). Competency Modeling as an Antecedent for Effective Leadership Development and Succession Planning Within the Public Social Services Environment. Dissertation for Degree of Doctor of Philosophy in the Benedictine University
33. Efendi, R; Jama, J; Yulastri, A. (2019). Development of Competency-Based Learning Model in Learning Computer Networks, Journal of Physics: Conference Series, Volume 1387, International Conference on Education, Science and Technology 2019 13-16 March 2019, Padang, Indonesia.

34. Fang, C. H., Chang, S. T., & Chen, G. L. (2010). Competency development among Taiwanese healthcare middle managers: A test of the AHP approach. *African journal of business management*, 4(13), 2845
35. Fang, C. H., Chang, S. T., & Chen, G. L. (2010). Competency development among Taiwanese healthcare middle managers: A test of the AHP approach. *African journal of business management*, 4(13), 2845
36. Fraser, R.L.&Montgomery, M.(2012). Navigating the competency modeling Maze. IPAC Conference (pp.1-30). U.S.Office of Personnel Management.
37. Hobbs, R. (1998).” Teaching whit and about film and television: Integrating media literacy concepts into management education. [Online]. Available:
38. Horton, F. Woody (2007). *Understanding information literacy: A Primer*. UNESCO: Paris
39. Horton, W. *Leading e-Learning*. American Society for Training and Development (2009). Available from:<http://www.elearninggurus.com/articles.html>. Accessed: May 16,
40. Jalocha, B., Krane, HP., Ekambaram, A., & Prawelska-Skrzypek, G. (2014). Key Competencies of Public Sector Project Managers. *Procedia – Social and Behavioral Sciences*, 119, 247-256.
41. Jaszi, P; Hobbs, R; Aufderheide, P; (2007). The cost of copyright confusion for media literacy. America: Center for social media. [Online]. Available: <http://www.Centerforsocialmedia.org/filles/pdf/Final-CSM-copyright-report.pdf>. [Accessed 5 Feb. 2009]
42. Liikamaa, K. (2015). Developing a project manager’s competencies: A collective view of the most important competencies. *Procedia Manufacturing*, 3, 681-687
43. Livingston, S; Couvering, E; Thumim, N’;(2004). *Adult media literacy: A review of the research literature*, London: Department of media and communication. [Online]. Available: <http://www.ofcom.org.uk/advice/ media-literacy / medlitpub /medlitpubress /aml.pdf> [Accessed 9 Apr. 2009].
45. Marsh, S.J.,&Bishop, T.(2014). Competency modeling in an undergraduate management degree program. *Business education& accreditation*,47-60.
46. Podmetina, D; Soderquist, K.E; Petraite, M; Teplov, R.(2018). Developing a competency model for open innovation: From the individual to the organizational level, *Discover Journals, Books & Case Studies*,4(23).
47. Ref, G. (2013). *Interviews: Competency-Based Starting Point Series*. The University of ULSTER.
48. Sajgalikova, H., Bajzikova, L., Polakova, M., & Wojcak, E. (2012). Revisiting New Managerial Competencies: Is There Enough Motivation to Apply Them?. *ProcediaSocial and Behavioral Sciences*, 58, 944-952.
49. Shum, C., Gatling, A., & Shoemaker, S. (2018). A model of hospitality leadership competency for frontline and director-level managers: Which competencies matter more? *International Journal of Hospitality Management*, 74, 57-66.
50. Tomastika, M., Strohmndlb, J., & Cechc, P. (2015). Managerial competency of crisis managers. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 174, 3964-3969.
51. Tomastika, M., Strohmndlb, J., & Cechc, P. (2015). Managerial competency of crisis managers. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 174, 3964-3969

ISSN: 2645-4475

فصلنامه مطالعات کارپردی در
علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی: ۱۹)، بهار ۱۴۰۱، جلد دو

کرونا، دین و دولت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

کد مقاله: ۱۹۱۷۴

اکرم حمیدیان^۱، فرزاد فتحی^۲

چکیده

بیماری کرونا، پدیده‌ای است که با سرعت انتشار و ویژگی مهارناپذیر خود، جهان را با بحران مواجه نموده است. این بحران هرچند در ظاهر ماهیتی صرفاً پزشکی و مرتبط با نظام سلامت دارد، ولی بحرانی چندبعدی است که آثار و پیامدهای آن در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی قابل رصد و رهگیری است. در این مقاله تلاش شده است تا پیامدهای بحران کرونا بر اقتصاد، دولت، دین و فرهنگ در کشور ایران ارزیابی شود. روش تحقیق از نوع اسنادی است که با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای-اینترنتی و مرور یافته‌ها و نتایج مطالعات انجام شده پس از شیوع ویروس کووید-۱۹ در کشور، در پی پاسخگویی به این پرسش اصلی است که کرونا چه تأثیراتی بر اقتصاد، فرهنگ و دولت داشته است؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بحران بیماری کرونا، پیامدهای مثبت و منفی برای جامعه داشته است. بحران کرونا و شرایط متعاقب آن موجب تغییرات وسیعی در حوزه اقتصاد و فرهنگ شده است؛ مردم و دولت از لحاظ اقتصادی در فشار بیشتری قرار گرفتند، از لحاظ دینی و اعتقادی علیرغم مهیا شدن فرصت‌های مثبت، تأثیرات منفی نیز در خصوص برگزاری و نحوه برگزاری مراسمات و کم‌رنگ شدن تجمعات و حضور مردم در عرصه‌های عمومی مذهبی و ... داشته است.

واژگان کلیدی: ویروس کرونا، بودجه کرونایی، مناسک دینی، انسجام اجتماعی

۱- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور

۲- کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه پیام نور

۱- مقدمه

انتشار مبهم ویروس کرونا در ماه‌های پایانی سال ۲۰۱۹ از ووهان چین و شیوع اپیدمیولوژیک (سرایت و شیوع و واگیری موضعی) آن به دیگر شهرهای چینی و سپس پاندمیک شدن (همه گیر شدن سرایت و جهانی شدن شیوع) ویروس کرونا در سال ۲۰۲۰ در سراسر جهان، همچنان محل بحث‌های علمی، عمومی، و سیاسی است، به طوری که در حال حاضر مضمون اصلی فضای بحث‌های دانش پژوهی و عمومی، نحوه تکوین و سرایت ویروس کرونا، متد‌های پزشکی درمان مبتلایان به ویروس کرونا و در نهایت استراتژی‌های پزشکی و سیاسی و اجتماعی برای پیش‌گیری از پیشرفت روز افزون و حیرت آور جهانی ویروس کروناست. بیماری کرونا همچون آنفلوانزای اسپانیایی و یا وبا و طاعون از جمله وقایع نادر پزشکی است که علاوه بر حوزه سلامت و تندرستی افراد، پیامدهای چند جانبه وسیعی در بخش‌های مختلف جامعه داشته است و زندگی کل جمعیت کره زمین را تحت تاثیر خود قرار داده است. این ویروس بسیار کوچک در تمام حوزه‌های فردی و اجتماعی اثرات مستقیم و غیر مستقیمی بسیار بزرگی داشته و نه فقط فضاها و مواضع عرفی و زندگی روزمره دنیوی بلکه در فراسوی زیست جهان مادی و اقتصادی، زیست جهان معنوی دینی افراد را نیز متاثر ساخته است. نوشتار حاضر روایتی است جامعه‌شناختی از کنش-واکنش‌هایی که دولت و مردم، دین‌گرایان و اجتماعات دینی در مواجهه با کرونا داشته‌اند؛ کنش‌های اجتماعی که در طیفی از انکار تا پذیرش، از مقاومت، اعتراض و مخالفت تا همراهی و مشارکت را شامل می‌شود.

مسئله محوری مقاله حاضر این است که کرونا چه تأثیراتی بر اقتصاد، فرهنگ و دولت داشته و پیامدهای اصلی آن چیست؟ چه راه‌کارهایی برای کم‌تر شدن این پیامدها می‌توان ارائه داد و چگونه می‌توان از این تهدید، یک فرصت ساخت؟

۲- روش تحقیق

تحقیق حاضر مطالعه اسنادی و تحلیلی است، جامعه آماری تحقیق تمام اسناد مکتوب / غیرمکتوب نسبتاً تخصصی و عمومی در فضای رسانه‌ای و مجازی در دسترس و مرتبط با مسأله بیماری کووید ۱۹ است و داده‌های لازم جهت تحلیل با نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس گردآوری شد. سوالهای اصلی تحقیق عبارتند از:

۱- چرا این ویروس جوامع را غافلگیر کرد و آینده سیاست‌ها برای کنترل آن چگونه باید باشد؟ و زندگی بعد از کرونا چگونه خواهد بود؟

۲- نحوه برخورد دولت‌ها با این ویروس چگونه است؟

۳- چرا سیاست‌های کنترلی نتایج مختلف داشته‌اند؟

۴- زندگی اجتماعی بعد از کنترل احتمالی این بحران چگونه خواهد شد؟

۵- پیامدهای اقتصادی، سیاسی و مذهبی کرونا چه می‌تواند باشد؟

بر اساس سوالات فوق فرضیه اصلی تحقیق به این صورت طرح می‌گردد:

بیماری کووید ۱۹ در عین غافلگیری دولتها، پیامدهای منفی اقتصادی، اجتماعی و مذهبی در جامعه داشته است.

۳- تاریخچه ویروس کرونا

کروناویروس‌ها خانواده بزرگی از ویروس‌ها و زیر مجموعه کروناویروس هستند که از ویروس سرماخوردگی معمولی تا عامل بیماری‌های شدیدتری همچون سارس، مرس و کووید ۱۹ را شامل می‌شود. کروناویروس‌ها در دهه ۱۹۶۰ کشف شدند، و مطالعه بر روی آن‌ها به‌طور مداوم تا اواسط دهه ۱۹۸۰ ادامه داشت، این ویروس به‌طور طبیعی در پستانداران و پرندگان شیوع پیدا می‌کند، با این حال تاکنون هفت کروناویروس منتقل شده به انسان، کشف شده‌است. آخرین نوع آن‌ها، کروناویروس سندرم حاد تنفسی، در دسامبر ۲۰۱۹ در شهر ووهان چین با همه‌گیری در انسان شیوع پیدا کرد. کرونا ویروس پس از مدت کوتاهی تمام جهان را درگیر کرد. واژه «کروناویروس» از کلمه زبان لاتین "corōna" یا کلمه یونانی "κορώνη" به معنی تاج یا هاله گرفته شده‌است. این واژه به مشخصه ظاهری ویروس‌ها شکل عفونی ویروس که در زیر میکروسکوپ الکترونی دیده می‌شود، اشاره دارد که حاشیه‌ای از سطح بزرگ و پیازدار داشته و یادآور تصویری از یک تاج سلطنتی، یا تاج خورشیدی است. از این رو کروناویروس را ویروس تاج‌دار نیز می‌نامند. هرچند کروناویروس‌ها یک ژنوم آر‌ان‌ای معمولی دارند، معمولاً شدت سرماخوردگی که کروناویروس عامل آن باشد بیشتر است. تشخیص اینکه علت بیماری کرونا ویروس باشد یا خیر کمی مشکل است، چرا که برخلاف سایر ویروس‌ها به سختی در آزمایشگاه رشد و نمو می‌کنند. ساختار این ویروس از دو لایه تشکیل شده‌است؛ هسته این ویروس را مواد ژنتیکی و لایه بیرونی آن را تاج‌های پروتئینی تشکیل داده‌اند. پس از ورود به سلول میزبان، ذره ویروس بدون پوشش بوده و ژنوم آن وارد سیتوپلاسم سلول می‌شود. خانواده ویروس کرونا همیشه

از گونه حیوانی به گونه دیگری منتقل شده است. این ویروس برای انتقال آسان تر ممکن است تکامل پیدا کند و موجب بیماری سخت تری شود. (<https://fa.wikipedia.org/wiki/covid19>)

۴- کرونا در ایران

در ایران، در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۹۸، به دنبال فوت ۲ بیمار با عوارض تنفسی در بیمارستان کامکار قم، اخباری غیر موثق درباره مرگ این بیماران به علت کروناویروس منتشر شد. اما دانشگاه علوم پزشکی قم با تکذیب شایعات مربوط به مبتلا بودن این دو بیمار فوت شده به کروناویروس، اعلام کرد که تاکنون هیچ گونه شواهد تشخیصی مبنی بر ابتلا به بیماری کرونا دیده نشده است. در تاریخ ۳۰ بهمن اولین مورد از کرونای جدید در شهر قم از طریق روابط عمومی وزارت بهداشت گزارش شد. رئیس مرکز اطلاع رسانی و روابط عمومی وزارت بهداشت اعلام کرد که نتایج آزمایش اولیه ۲ مورد از موارد مشکوک از نظر ابتلا به کروناویروس، مثبت گزارش شده است. بیمارستان کامکار قم نیز بعنوان محل قرنطینه و مراجعه بیماران و موارد مشکوک به کرونا مشخص شد. در همین روز، رئیس دانشگاه علوم پزشکی قم اعلام کرد که "در چهار روز گذشته شاهد گسترش بیماری های تنفسی در قم بودیم و طی این مدت ۲ نفر در یکی از بیمارستان های قم بر اثر بیماری تنفسی فوت کردند که امروز تست اولیه این دو فرد در مورد بیماری کرونا مثبت اعلام شد". خبرگزاری ایلنا به نقل از منابع آگاه در ۳۰ بهمن ادعا کرد که شش نفر هم در حال حاضر به دلیل ابتلا به ویروس کرونا بستری هستند که خانواده و نزدیکان این افراد در قرنطینه به سر می برند. در ۲ اسفند، با اعلام رسمی فوت شدن چهار نفر، ایران پس از چین بیشترین تلفات ناشی از کروناویروس را در آن موقع داشت. تا روز نهم اسفند، ۱۶ کشور کانادا، لبنان، امارات، بحرین، کویت، افغانستان، عراق، عمان، پاکستان، گرجستان، چین، استونی، نیوزلند، بلاروس، بریتانیا و آذربایجان اعلام کرده اند که افرادی مبتلا به کروناویروس را شناسایی کرده اند که از مبدأ ایران آمده اند در تاریخ چهارم اسفند، وزیر بهداشت اعلام کرد که یکی از فوتی ها در قم بازرگانی بود که سفرهایی به چین داشته است. به گزارش روابط عمومی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ایران تا ۱۹ مهر ۱۳۹۹، تعداد ۴۹۲۳۹۸ هزار بیمار مبتلا به کووید-۱۹ در کشور شناسایی شده که از این تعداد ۲۸۰۹۸ هزار نفر جان باخته اند و همچنین ۴۰۱ هزار نفر از مبتلایان به این ویروس تاکنون بهبود یافته اند.

۵- پیامدهای ویروس کرونا

الف- پیامدهای اجتماعی ویروس کرونا

جهان در انتظار زندگی جدیدی بعد از فهم و کنترل بحران ویروس کرونا است. سوالات زیادی این روزها در ذهن سیاستمداران، روشنفکران و مردم عادی شکل می گیرد که در اینجا به ترتیب چند مورد از آنها طرح می شود:

۱- چرا این ویروس جوامع را غافلگیر کرد و آینده سیاستها برای کنترل آن چگونه باید باشد؟ و زندگی بعد از کرونا چگونه خواهد بود؟

دولتها و مردم در آغاز در مواجهه با ویروس کووید ۱۹ غافلگیر شدند چون شناختی از آن نداشتند. دلیل این عدم شناخت نیز عمدتاً عدم تمرکز برنامه های تحقیقاتی و استراتژیک حوزه سلامت بر موقعیت همه گیری یک بیماری و تمرکز سرمایه گذاری ها بر بیماری های مزمن و برخی بیماری های ناشی از فرایند جهانی شدن می باشد. در دهه اخیر بیماری شبیه به ویروس کرونا، که جهان با آن روبه رو شد، سارس بود و چون عمر کوتاهی داشت جهانی نشد از اینرو تغییر استراتژیکی در برنامه های سلامت و بهداشت جهانی ایجاد نکرد. در این باب، سخنرانی چند سال پیش بیل گیتس بسیار شنیده می شود؛ او می گوید نسبت به سایر بخشها سهم سرمایه گذاری روی بخش هسته ای بیشتر از بخش سلامت بوده است. اما در خود بخش سلامت نیز سرمایه گذاری روی بیماری های همه گیر نبوده است. البته باید اضافه کرد که در این بخش ما با چالش های زیادی روبه رو بوده ایم؛ یکی عدم توازن عرضه و تقاضای بهداشت و سلامت. چون بخش سلامت هم کاربر و هم سرمایه بر است. از هزینه تربیت پزشک و متخصص های مختلف گرفته تا تهیه دستگاه های مختلف، همه هزینه های دولتی را افزایش می دهند. این چالشها نظام های سلامت را از بیماری های همه گیر منحرف کرده است.

یکی دیگر از دلایل غافلگیر شدن، به نوع این ویروس برمی گردد. این ویروس با تعریف کلاسیک «بیماری» همخوانی دارد. با رشد پزشکی مدرن، بیماری حالتی تعریف می شود که ناشی از ورود عامل خارجی به بدن، یعنی میکروب است و باید آن را در آزمایشگاه و به طریق علمی کشف می کردند. با آن وجود سالها است که نه تنها سیاست های بهداشتی بلکه سازمان های جهانی از جمله سازمان جهانی بهداشت، تعریفی علمی و اجتماعی از بیماری دارند. در تعریف جدید، بیماری بر ساخته اجتماعی است و تنها ناشی از عامل خارجی نیست.^۱ در نتیجه درمان های بالینی تنها راه حل کنترل بیماری نیستند، بلکه راه حل های اجتماعی و

اقتصادی را باید برای درمان بیماری، به‌ویژه بیماری‌های مزمن جست‌وجو کرد. به طور مثال، براساس این تعریف جدید، - که مبنای فعلی تقریباً همه سیاست‌های بهداشتی است - فقر عامل اصلی بیشتر بیماری‌ها تشخیص داده شده است. در نتیجه کاهش فقر یکی از راه‌های درمان بیماری است. در حالی که شیوع این ویروس اتفاقاً هیچ ربط مستقیمی به فقر ندارد - اگرچه پیامدهای ناگواری خواهد داشت - اما بیماری‌ای است که کشورها و افراد ثروتمند را هم در بر گرفته است. اتفاقاً کشورهای در حال توسعه به دلیل حجم پایین ارتباطات، با عواقب این بیماری کمتر درگیر شده‌اند. به علاوه، نظام‌های درمانی در این کشورها هنوز اولویت را بر کنترل بیماری‌های همه‌گیر گذاشته‌اند تا میزان مرگ و میر به‌ویژه میان کودکان را کاهش دهند. مسلماً وقوع این بحران، سیاست‌گذاری سلامت و بهداشت را دچار تحول اساسی خواهد کرد. از یک سو دلیل نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی، امکان تمرکز تنها بر سیاست‌های بالینی در نظام سلامت به کنترل بیماری‌ها نمی‌انجامد. اما از سوی دیگر، چاره‌ای بر تمرکز بر سیاست‌های کنترل‌کننده بیماری‌های همه‌گیر نخواهد بود. همین مسئله سیاست‌های سلامت را کاملاً تحت شعاع قرار می‌دهد.

از دیگر پیامدهای اجتماعی این بحران، کاهش ارتباطات واقعی در تمامی حوزه‌های زندگی است. ارتباطات فیزیکی خانوادگی و دوستانه خیلی محدود شده و از فضای واقعی به فضای مجازی منتقل شده، آموزشها در همه مقاطع تحصیلی مجازی شده، ادارات به دور کاری روی آورده‌اند و دولت الکترونیک گسترش یافته است.

گسسته شدن پیوندهای اجتماعی و کاهش ارتباطات رو در رو اجتماعی (که فعلاً شکل غالب روابط در جامعه ماست) منجر به نابه‌هنجارهای اجتماعی و روانی شده است. همچنانکه دورکیم در قرن نوزدهم نشان داد با کاهش یکپارچگی اجتماعی و تنظیمات اجتماعی نرخ خودکشی افزایش می‌یابد (سیدمن ۱۳۸۸، ۶۵-۶۶). در دوران قرنطینه نرخ خشونت خانگی، خودکشی و افسردگی افزایش یافت. علاوه بر این رعایت فاصله اجتماعی به ترس اجتماعی تبدیل شده، افراد زندگی اجتماعی آمیخته با ترس و وسواسی را تجربه می‌کنند که هر روز در مدار خود تقویتی منجر به انواع بیماری‌های روانی و رفتارهای انحرافی اجتماعی خواهد شد. فاصله طبقاتی هرچه بیشتر شده است؛ از انواع ماسک‌های فانتزی و الکل‌های خالص و استفاده از وسایل نقلیه شخصی طبقات برخوردار تا میزان مرگ و میر و شیوع بالا در بین طبقات، همه و همه بیانگر هرچه فقیرتر شدن فقرا و هرچه ثروتمندتر شدن ثروتمندان است.

۲- نحوه برخورد دولت‌ها با این ویروس چگونه است؟

به طور کلی می‌توان واکنش کشورها را به شیوع این ویروس محافظه‌کارانه دانست. چون در آغاز، دولت‌ها درصد بودند تا بین تثبیت اقتصاد و کنترل این بیماری یکی را انتخاب کنند. البته در بعضی از کشورها همانند آلمان، انگلیس و فرانسه، انتخاب بین سیاست و اقتصاد نبود، بلکه بین سیاست و سلامت بود. بعد از این تردید و محافظه‌کاری، واکنش نهایی همه انتخاب سیاست کنترل این بیماری، به هر هزینه‌ای بود. این مسئله مهم است، چون گمان می‌شد کشورهای غربی، بدون تردید و با قاطعیت سیاست کنترل بیماری را در پیش بگیرند، چون فلسفه اومانیسم یا انسان‌محوری، فلسفه غالب در سیاست‌گذاری سلامت در این کشورها است.

۳- چرا سیاست‌های کنترلی نتایج مختلف داشته‌اند؟ به عبارت دیگر، چرا برخی تعداد تلفات بیشتری از دیگران داشته‌اند؟ اگر آمارهای رسمی را ملاک قرار دهیم و همه آنها را صحیح بدانیم، این تفاوت‌ها به طور عام به ساختار نظام رفاهی و به طور خاص به ساختار نظام‌های بهداشتی و درمانی کشورها مربوط است. به طور مثال، در آمریکا که نظام درمانی متکی بر بازارهای بیمه است و تقریباً یک نظام رفاهی گزینشی وجود دارد، در نتیجه دسترسی افراد بدون بیمه به این نظام‌ها سخت‌تر است؛ افرادی که در دهک‌های پایین درآمدی هستند، کمتر از خدمات سلامتی استفاده می‌کنند. در نتیجه، تلفات و میزان مبتلایان به لحاظ مشکلات در دسترسی بیشتر خواهد بود. اما در کشورهای اروپایی که نظام سلامت عمومی است و سابقه یک نظام رفاهی عمومی را در کارنامه خود دارند، مردم با مشکلات کمتری در دسترسی روبه‌رو بودند و آنچه به نظام سلامت فشار آورده است ناشی از فشار تقاضا است تا عدم دسترسی. البته برخی از این تفاوت‌ها ممکن است در کشورهای در حال توسعه جدی نباشد. به عبارت دیگر، در کشورهای در حال توسعه چون نظام‌های بهداشتی عمدتاً اولویت را به بیماری‌های همه‌گیر داده‌اند تا میزان مرگ و میرها را کاهش دهند، آمادگی بیشتری با این بحران دارند.

۴- زندگی اجتماعی بعد از کنترل احتمالی این بحران چگونه خواهد شد؟ یکی از راه کارهای مبارزه با این ویروس فاصله‌گذاری اجتماعی است. عده‌ای معتقدند این واژه به‌جای واژه «قرنطینه» وضع شده تا وحشت از آن در حافظه تاریخی مردم کاهش یابد. قرنطینه محلی برای نگهداری مبتلایان و افراد در حال مرگ بود، اما وقتی قرار باشد از انتقال این ویروس جلوگیری شود باید همه از هم فاصله بگیرند. به علاوه، معنای فاصله‌گذاری با دو توصیه مهم همراه است: «دست‌هایتان را مرتب بشوید» و «در خانه بمانید». هر دوی این توصیه‌ها، که انجام آن انتخابی برای مرگ و زندگی است، پیامدهای مهم اجتماعی خواهد داشت. اگر فاصله‌گذاری اجتماعی ادامه پیدا کند تأثیر مهمی بر نهادهای مختلف اجتماعی از جمله نهاد خانواده خواهد داشت. اما مشخص نیست که میزان تأثیرات منفی یا مثبت آن چگونه باشند. بر اساس برخی گزارش‌ها، به طور مثال در انگلستان، میزان خشونت‌های خانگی در این مدت افزایش یافته است. در ایران نیز، وزارت بهداشت به مردم پیام داده که در صورت بروز هر گونه خشونت خانگی با اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی تماس بگیرند. این پیام تلویحاً نشان می‌دهد خشونت‌های خانگی در ایران نیز رو به گسترش است. به گفته سازمان ملل، آمار خشونت خانگی در دوران قرنطینه ۲۰ درصد افزایش داشته است (همشهری آنلاین ۱۳۹۹/۲/۱۱). نظام‌های رفاهی توسعه‌یافته می‌توانند در زمان بروز خشونت از طریق مددکاران اجتماعی، که واسطه بین خانواده و دولت هستند،

مداخله کنند و قوانین در جهت مداخله دولت است. اما در ایران و سایر کشورهای در حال توسعه، معمولاً مداخله دولت توصیه‌ای است و سرپرست خانواده حرف آخر را می‌زند. پیامدهای این فاصله‌گذاری اجتماعی می‌تواند روابط جدیدی را در بین افراد خانواده شکل دهد. به علاوه، ادامه فاصله‌گذاری اجتماعی، بر اهمیت «خانه» می‌افزاید، به‌ویژه به عنوان محلی برای آسایش و آرامش، و جایی برای مصرف. ممکن است به طور کل، سبک‌های زندگی مبتنی بر حق انتخاب افراد محدودتر شود، اما سبک‌های زندگی مبتنی بر خانه یا «سبک‌های زندگی خانه‌محور»^۱ افزایش چشمگیری پیدا خواهد کرد. ماندن بیشتر در خانه، اهمیت بهداشتی، نور، زیبایی، رنگ، معماری، دکوراسیون و امثالهم آن را بیشتر از گذشته خواهد کرد. در مقابل، زندگی در شهرها، اهمیت خود را از دست می‌دهد. حالا به نظر می‌رسد که یکی از پیامدهای کنترل کرونا افزایش چشمگیر اهمیت معماری و دکوراسیون داخل و استفاده از تمام فضاهای مختلف خانه باشد. به طور مثال، ممکن است آشپزخانه نقش بسیار مهم‌تری پیدا کند و صنعت غذای آماده افت چشمگیر کند، مگر اینکه خود را با موقعیت جدید مطابقت بدهد. اتاق مهمانی اهمیت کمتری پیدا می‌کند. احتمالاً اتاق مهمانی نخواهد ماند که تنها مورد استفاده مهمانی باشد. دستشویی، توالت و حمام از جمله مکان‌هایی در خانه خواهند بود که افراد می‌توانند سبک‌های مختلفی را در آن تجربه کنند، چون بهداشت فردی اهمیتش بالا می‌رود. همچنین می‌توان گفت که در دنیای پسا کرونا تقاضا برای مسکن خصوصی هم افزوده خواهد شد. (sazandeginews.com/News/7094)

ب- پیامدهای اقتصادی ویروس کرونا

دولت رفاه دولتی است که در آن تأمین و بهبود رفاه عمومی، وظیفه قانونی نهادهای قدرت است. در این نظام اقتصادی، دولت به همه کسانی که به هر دلیل نتوانند هزینه‌های خود را تأمین کنند از طریق پرداخت مستمری و یا کمک‌های نقدی کمک می‌کند (حمیدیان ۱۳۹۶، ۳۸). در بحران کرونا نقش دولت در تأمین هزینه‌های خانوارها در زمان قرنطینه و بیکاری بسیار تأثیرگذار است. با این حال دولت ایران علاوه بر بحران کرونا با بحران‌های اقتصادی منتج از روابط بین الملل نیز مواجه بود. با توجه به کاهش صادرات نفت ایران از ۲/۸ میلیون بشکه در روز (۲ سال پیش) به شرایط فعلی با چند صد هزار بشکه در روز، حتی قبل از شیوع ویروس کرونا نیز مقامات کشور به خوبی می‌دانستند که قادر به کاهش صدمات اقتصادی وارده به خانوارها و به‌خصوص اقشار کم‌درآمد جامعه نیستند. صندوق بین‌المللی پول تخمین زده است که بعد از خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای، ارزش ریال بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته است. تورم با شتاب فزاینده به ۴۰ درصد رسید و شرکت‌های بزرگ خارجی کشور را ترک کردند و براساس همین تخمین، اقتصاد ایران در سال گذشته ۹/۵ درصد کوچک‌تر شده است. بنابراین اقتصاد داخلی ایران پیش از شیوع ویروس کرونا نیز شرایط پرتلاطمی را تجربه می‌کرده است. از طرف دیگر بودجه سال ۱۳۹۹ کشور با نرخ ۵۰ دلاری فروش هر بشکه نفت تهیه شده است. در این بین، کاهش قیمت نفت سنگین ایران به زیر ۱۵ دلار در همین ابتدای سال مشاهده می‌شود. براساس پیش‌بینی‌های واقع‌بینانه موجود، نرخ هر بشکه نفت در سال ۲۰۲۰ بین ۱۷ تا ۴۲ دلار در هر بشکه خواهد بود. اتفاقی که باعث می‌شود میانگین قیمت نفت در این سال بین ۲۰ تا ۲۵ دلار باشد. به‌طور کلی به‌نظر می‌رسد کسری بودجه از این محل می‌تواند خود باعث اختلالات قابل توجه در اقتصاد داخلی ایران شود. کسری که بخش عمده‌ای از آن براساس بودجه ۱۳۹۹، باید توسط انتشار اوراق مالی توسط دولت پوشش داده شود. این درحالی است که براساس توصیه نهادهای بین‌المللی، در شرایط بحران دولت‌ها باید برای حمایت از اقتصاد اقدام به بازخرید اوراق خزانه کنند. اقدامی که در کشورهای توسعه یافته شامل ایالات متحده انجام گرفت. در واقع تحلیلگران معتقدند، انزوای اقتصاد ایران و فاصله از بازارهای سرمایه بین‌المللی، ایران را به سمت تأمین مالی داخلی سوق خواهد داد که می‌تواند منجر به افزایش نرخ وام‌دهی و فشار بیشتر بر بودجه به دلیل تورم غیرقابل کنترل شود. براساس گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بر اثر شیوع ویروس کرونا، در حوزه اشتغال هر دو سمت عرضه و تقاضای بازار کار تحت‌تأثیر قرار خواهد گرفت. تعطیلی و کاهش سطح فعالیت‌های اقتصادی منجر به تعدیل نیرو و کاهش تقاضای کار خواهد شد و عرضه کار نیز کاهش خواهد یافت، زیرا برخی افراد که مستقیماً با بیماری درگیر شده‌اند و برخی دیگر که غیرمستقیماً با اقدامات خودمراقبتی و کاهش تعاملات، ساعات کاری خود را کاهش خواهند داد. بنابراین به‌نظر می‌رسد در سال ۱۳۹۹ با کاهش نرخ مشارکت و کاهش اشتغال مواجه خواهیم بود. فعالیت کسب و کارهایی که مستقیماً از بحران کرونا متأثر شده‌اند به‌شدت کاهش خواهد یافت. کاهش فعالیت این کسب‌وکارها می‌تواند منجر به بحران بیکاری شده و رفاه خانوارهای زیادی را تحت‌تأثیر قرار دهد. در این میان بیشترین ضربه اقتصادی را کسانی متحمل خواهند شد که دارای شغل دائم نیستند، مانند دست‌فروشان و کارگران ساختمانی. هرچه فعالیت کسب‌وکارها کاهش یابد، درآمدهای مالیاتی دولت نیز کاهش می‌یابد. بنابراین با توجه به کاهش ظرفیت‌های مالیات‌ستانی از فعالیت‌های اقتصادی و کاهش قیمت نفت و اقدامات مورد نیاز برای حمایت از کسب‌وکارها و افراد آسیب‌دیده و همچنین افزایش مخارج دولت در حوزه بهداشت و درمان، کسری بودجه دولت تشدید

۱- sazandeginews.com/News/7094

۲- اثر کرونا بر اقتصاد ایران محمد هاشم بت شکن /محمدصادق عبدالمهی پور - <https://donya-e-eqtesad.com>

۳- اثر کرونا بر اقتصاد ایران محمد هاشم بت شکن /محمدصادق عبدالمهی پور - <https://donya-e-eqtesad.com>

خواهد شد. با توجه به این موضوع و افزایش نقدینگی، تورم نیز روند صعودی به خود خواهد گرفت. کما اینکه صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی تورم ۳۱ درصدی را برای اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۰ داشته است.^۱

در حوزه بازار مسکن، معاون وزیر راه و شهرسازی با تاکید بر کاهش تعداد معاملات در اسفندماه، خبر از ثبات قیمتی و پایداری در بازار مسکن داد. همچنین براساس گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، با توجه به فرارسیدن فصل نقل‌وانتقالات، به‌نظر نمی‌رسد شیوع ویروس کرونا تاثیر چشمگیری بر کاهش معاملات در ۳ ماه ابتدای سال ۱۳۹۹ بگذارد و شاید تثبیت قیمت مسکن رخ دهد. در بخش دیگر، هرچند شیوع این ویروس با افزایش مصرف برق و آب، چالش‌هایی را برای دولت به‌وجود آورده و به‌ویژه امکان مواجه شدن با بحران تامین آب خانگی در فصول گرم سال را ایجاد کرده است، اما از حیث کاهش مصرف بنزین برای دولت درآمدزا بوده، زیرا میزان یارانه پرداختی دولت بابت بنزین کاهش یافته و دولت می‌تواند از محل مابه‌التفاوت صادرات بنزین صرفه‌جویی شده در طی سه ماه حدود ۳/۶ هزار میلیارد تومان درآمد داشته باشد.

به‌طور کلی برآورد اقتصاددانان آن است که در شرایط بدبینانه، احتمال سقوط تولید داخلی ایران به دوسوم میزان فعلی (کاهش ۳۳ درصدی) و کسری بودجه حدود ۱۰ میلیارد دلاری در سال جاری وجود خواهد داشت. (اثر کرونا بر اقتصاد ایران محمد هاشم بت‌شکن/محمدصادق عبدالهی پور - <https://donya-e-eqtesad.com>)

در بخش تجارت خارجی، براساس گزارش‌های بین‌المللی، شیوع ویروس کرونا، صادرات ایران به کشورهای همسایه را محدود کرده است ولی از آنجاکه اولین شریک تجاری ایران چین است، با وجود گزارش شیوع ویروس کرونا در ووهان چین در ماه دسامبر، ایران نسبت به محدودکردن سفرها به چین و بالعکس بی‌میلی نشان داد چراکه حدود ۲۳ درصد از صادرات غیرنفتی کشور (بیش از ۸ میلیارد دلار) در ۱۱ ماهه ابتدای سال ۱۳۹۸ به چین بوده است. در شرایطی که صادرات نفت ایران به کمترین میزان خود در ۴ دهه گذشته رسیده است، حفظ تجارت با چین دور از انتظار به‌نظر نمی‌رسد. همچنین براساس گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اختلال در صادرات از مرزهای زمینی، کاهش ورود و خروج گردشگر، کاهش قیمت و تقاضای جهانی نفت و کاهش محصولات صادراتی کشور در کنار اختلال در تجارت با چین، از مهم‌ترین پیامدهای شیوع این ویروس در حوزه تجارت خارجی کشور هستند. صندوق بین‌المللی پول تخمین زده است که تجارت خارجی ایران در سال ۲۰۲۰ با کاهش ۱۶ میلیارد دلاری به حدود ۷۰ میلیارد دلار خواهد رسید. همچنین در سال جدید، دو رویداد مهم که می‌تواند شکل‌گیری مجلس با ترکیب جدید و انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات‌متحده باشد بر تجارت خارجی ایران اثرگذار خواهد بود. (اثر کرونا بر اقتصاد ایران - <https://donya-e-eqtesad.com>)

در شرایط بحران زده اقتصادی، دولت ایران درخواست استقراض ۵ میلیارد دلاری از صندوق بین‌المللی پول کرد که از بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ بی‌سابقه است. علاوه بر ابعاد مالی این استقراض از بعد سیاسی نیز پذیرش این درخواست چالش‌برانگیز به‌نظر می‌رسد. درحالی که کشورهای منطقه از جمله افغانستان، کامبوج، هند، پاکستان، مالدیو، سریلانکا، تاجیکستان، مغولستان و یمن موفق به اخذ این کمک‌های مالی شده‌اند. همچنین ویروس کرونا سبب شده است تا مقامات رسمی کشور، در اقدامی تقریباً بی‌سابقه درخواست و فشار رسانه‌ای خود را برای رفع یا تعلیق تحریم‌های ایالات‌متحده از این کشور یا جوامع بین‌المللی اعلام کنند. البته درخواست استقراض ۵ میلیارد دلاری ایران از صندوق بین‌المللی پول و درخواست علنی تعلیق تحریم‌ها درحالی مطرح شد که تخمین زده می‌شود ایران از ماه می ۲۰۱۸ (بازگشت تحریم‌ها) تا به حال حدود ۵۰ میلیارد دلار درآمد نفتی بالقوه را از دست داده است. (اثر کرونا بر اقتصاد ایران محمد هاشم بت‌شکن /محمدصادق عبدالهی پور - <https://donya-e-eqtesad.com>)

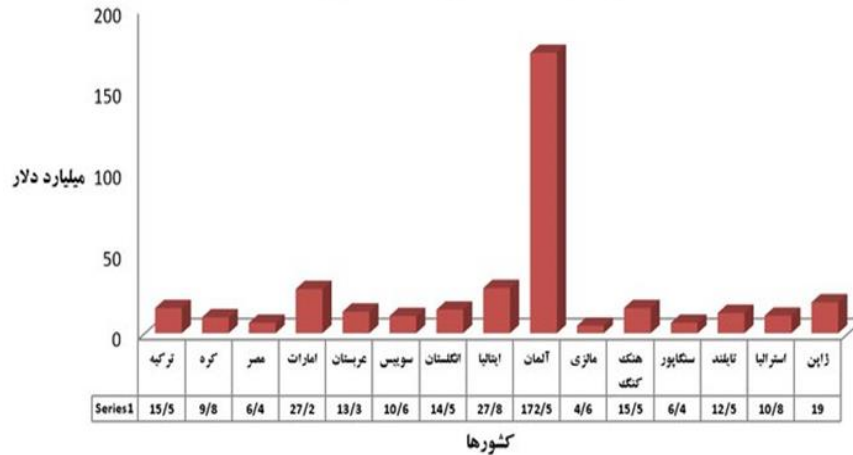
مقایسه تأثیر شیوع ویروس کرونا بر بودجه دولت‌ها در جهان و ایران

اقتصاددانان درباره مداخله دولت در نظام بهداشت و سلامت (همچون نظام آموزش و امنیت) اجماع نظر دارند؛ به همین دلیل، انتظار می‌رود در شرایط بحرانی در نظام سلامت، دولت‌ها بودجه‌های مشخصی پیش‌بینی کنند. شرایط پاندمیک کرونا، در حال حاضر باعث شده تا دولت‌ها بودجه‌های متعددی برای مبارزه با خود پاندمی و آثار اجتناب‌ناپذیر آن در نظر بگیرند دولت‌های چین و ایران بدلیل سرعت شیوع بیماری نتوانسته‌اند بودجه مشخصی از قبل پیش‌بینی کنند. نمودار بودجه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که بیشتر دولت‌ها آمادگی بودجه‌ای لازم برای این کار را یافته‌اند و حتی در برخی کشورها مانند آلمان که شیوع بیماری در آن فراگیر نیست به نظر می‌رسد، بودجه ۱۵۰ میلیارد یورویی دولت باعث شده اثربخشی خود در مهار بیماری را نسبت به دیگر کشورها بیشتر نشان بدهد؛ (<https://www.irna.ir/news/837348>)

۱- اثر کرونا بر اقتصاد ایران محمد هاشم بت‌شکن /محمدصادق عبدالهی پور - <https://donya-e-eqtesad.com>

۲- اثر کرونا بر اقتصاد ایران - <https://donya-e-eqtesad.com>

بودجه دولتهای جهان برای مبارزه با کرونا



نمودار شماره ۱- مقایسه بودجه دولتهای جهان برای مبارزه با کرونا

همه کشورها بودجه های اختصاصی را در قالب بسته های حمایتی ارائه کردند به عنوان نمونه، بسته حمایتی برای مبارزه با کرونا دولتهای ایتالیا، استرالیا و ایران مقایسه می شود:

و یا در استرالیا، بسته حمایتی برای مبارزه با کرونا اختصاص یافته و پنج گروه اصلی را به عنوان جامعه هدف در نظر گرفته است:

جدول شماره ۱-مقایسه بسته های حمایتی برای مبارزه با کرونا

ایران (۱۰۰ هزار میلیارد ریال)	استرالیا (۱۷۶ میلیارد دلاری)	ایتالیا (۲۵ میلیارد یورو)
۱- اعطای ۷۵۰ هزار میلیارد ریال تسهیلات به کسب و کارهای آسیب دیده با نرخ ترجیحی ۱۲ درصد	۱- اختصاص کمک هزینه به مبلغ ۷۵۰ دلار برای افراد واجد شرایط با برآوردی در حدود ۶ میلیون و پانصد هزار نفر در سراسر کشور.	۱- تعویق مهلت ارسال اظهارنامه های مالیاتی تا سه ماه آینده
۲- ۵۰ هزار میلیارد ریال کمک به صندوق بیمه بیکاری، بسته حمایتی نقدی به اقشار کم درآمد	۲- پرداخت مبلغ ۲۱ هزار دلار به صاحبان مشاغل کوچک همراه با کارآموزو تخصیص این مبلغ به صورت یارانه های پرداخت دستمزد.	۲- تعویق مهلت پرداخت قبوض برق، گاز و آب تا ۳۰ آوریل
۳- تعویق سه ماهه پرداخت تسهیلات	۳- پرداخت بین ۲ هزار تا ۲۵ هزار دلار کمک نقدی برای گردش پول به مشاغل کوچک و متوسط.	۳- معافیت از پرداخت اقساط وام مسکن کسانی که برای خرید خانه اول خود وام گرفته اند، تا مدت معین
۴- برداشت احتمالی از صندوق توسعه ملی برای تامین دارو و تجهیزات پزشکی	۴- تخفیف های مالیاتی و همچنین کمک های ۱۵۰ هزار دلاری برای تشویق به سرمایه گذاری برای مشاغل دیگر	۴- پرداخت کم هزینه ماهیانه ۵۰۰ یورو به کسانی که به صورت خود اشتغالی فعالیت می کنند به مدت سه ماه
۵- درخواست استقراض ۵ میلیارد دلاری از صندوق بین المللی پول	۵- ایجاد یک صندوق مالی ۱ میلیارد دلاری برای شرکت های بزرگ.	۵- تسهیل دورکاری کارمندان بخش های دولتی از طریق دریافت تجهیزات لازم همچون لپ تاپ و تبلت
۶- سته حمایتی از مودیان مالیاتی شامل تمدید سررسید پرداخت مالیات بر ارزش افزوده و مهلت سه ماهه جدید برای پرداخت بدهی		۶- در نظر گرفتن دوران قرنطینه کارمندان دولتی معادل طول درمان و بستری در بیمارستان پرداخت حقوق آنان بر همین اساس
		۷- تخصیص وام با سود صفر درصد و بازپرداخت ۱۵ ساله جهت تامین نقدینگی و کمک به بازپرداخت وام های پیشین به صاحبان مشاغل خصوصی
		۸- تعلیق پرداخت هزینه های تامین اجتماعی و عوارض شهرداری از ۲۳ فوریه تا پایان آوریل و امکان پرداخت اقساطی این هزینه ها بعد از این تاریخ توسط شرکتها
		۹- معافیت پرداخت مالیات تا پایان ماه آوریل و همچنین پرداخت کمک های تامین اجتماعی و رفاهی برای کارگران شاغل در هتل ها و اماکن گردشگری

موضوع حائز اهمیت آن است که کسب و کارها و مشاغل در ایران برخلاف عمده کشورها تقریباً ۳ ماه پربازده را که شامل بازار قبل و بعد از عید نوروز می شود، از دست داده اند. به عبارتی صدمات اقتصادی وارده بر خانوارها می تواند در ماه های بعدی و حتی بعد از طرح فاصله گذاری اجتماعی نیز ادامه داشته باشد. بنابراین به نظر می رسد تعویق پرداخت اقساط وام و مالیات برای یک دوره

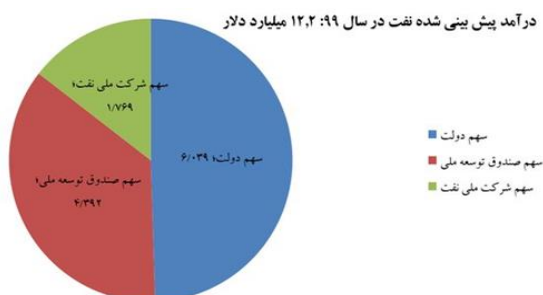
سه ماهه نتواند کسب و کارها را به شرایط قبل بازگرداند. بنابراین پس از پایان بحران، نمی‌توان انتظار بهبود نسبی را در وضعیت اشتغال به کار و به‌طور کلی شرایط رفاه خانواده‌ها، حداقل در برخی از مشاغل خاص درگیر با بحران داشت با نگاهی به بسته محرک اقتصادی سایر کشورهای درگیر، می‌توان پی برد که بسته ۲ تریلیون دلاری ایالات‌متحده، حدود ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور است. همچنین بسته محرک اقتصادی سایر کشورهای توسعه‌یافته مانند ژاپن و آلمان اندکی کمتر از ۱۹ درصد تولید ناخالص داخلی آن کشورها است، برای سنگاپور ۱۳ درصد و برای بریتانیا حدود ۴ درصد است. همچنین این نسبت براساس ادعای موسسه رتبه‌بندی فیچ، در کشورهای حوزه خلیج فارس، برای بحرین و عمان حدود ۳۰ درصد، برای امارات متحده عربی و قطر حدود ۱۰ درصد و برای رقیب منطقه‌ای ایران یعنی عربستان سعودی ۴ درصد است. بر اساس اطلاعات موجود، به‌طور متوسط در حدود ۷۵ درصد اقتصاد دنیا، حجم بسته‌ای به اندازه ۵ درصد کل تولید ناخالص داخلی دنیا توسط دولت‌ها پیشنهاد شده است. این درحالی‌است که بسته محرک اقتصادی پیشنهاد شده در ایران حدود ۰/۲ درصد تولید ناخالص داخلی ایران و ۷ درصد بودجه سال جاری است (جدول ۱).

براساس نظر اقتصاددانان، از آنجاکه تاکنون ایران بسته حمایت مالی نداشته است، این بسته محرک اقتصادی نه یک بسته مالی، که شبیه به یک بسته سیاست پولی است. هرچند براساس تحلیل موسسه فیچ، بسته محرک اقتصادی بزرگ‌تر لزوماً منجر به بهبود نسبی رفاه نخواهد شد. (اثر کرونا بر اقتصاد ایران محمد هاشم بت شکن /محمدصادق عبدالمهی پور - <https://donya-e-ektesad.com>)

ظاهراً در ایران دولت علاوه بر عدم تأمین و پیش بینی هزینه‌های درمانی ناشی از کرونا، احتمالاً برای سیاستگذاری درباره آثار اقتصادی کرونا هنوز پیش بینی مشخصی نداشته و بنابراین نیاز به پیش بینی دقیق منابع و مصارف بودجه خود دارد به همین دلیل تحلیل آثار شیوع کرونا بر بودجه دولت بسیار اهمیت دارد.

مطابق لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ درآمدهای دولت، ۲۶۱ هزار میلیارد تومان لحاظ شده که شامل موارد زیر است:

- درآمدهای مالیاتی: ۱۹۵ هزار میلیارد تومان
- درآمد حاصل از مالکیت دولت: ۳۰۵ هزار میلیارد تومان
- درآمدهای متفرقه: ۱۸۶ هزار میلیارد تومان
- درآمد حاصل از فروش کالا و خدمات: ۱۱۳ هزار میلیارد تومان
- درآمدهای حاصل از جرایم و خسارات: ۵۶ هزار میلیارد تومان



نمودار شماره ۲- درآمدهای پیش بینی شده نفت

پیش بینی می‌شود کرونا در دو بخش درآمدهای مالیاتی و درآمد حاصل از جرایم و خسارات تأثیر داشته باشد با لحاظ شیوع ویروس کرونا تا انتهای فصل بهار، پیش بینی می‌شود هر دو زیربخش‌های یاد شده با کاهش ۲۰ درصدی مواجه شود به طوری که درآمدهای مالیاتی با کاهش ۳۹ هزار میلیارد تومان به ۱۵۶ هزار میلیارد تومان برسد و درآمد حاصل از جرایم و خسارات نیز با کاهش ۲۰ درصدی به ۴۵ هزار میلیارد تومان برسد با لحاظ این دو حالت پیش بینی می‌شود درآمدهای دولت در کل با کاهش ۱۵ درصدی از ۲۶۱ هزار میلیارد تومان به ۲۲۲ هزار میلیارد تومان برسد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، تأثیر شیوع ویروس کرونا بر بودجه دولت‌ها در جهان و ایران. حمید پاداش هیئت علمی دانشگاه تهران و دیگران)

با توجه به اینکه در بودجه سال ۱۳۹۹، بر کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی لحاظ شده است پیش بینی می‌شود کاهش درآمدهای نفتی تأثیر چندانی بر منابع درآمدی از بابت درآمدهای نفتی نداشته باشد از طرفی پیش بینی می‌شود با افزایش قیمت دلار در سال ۱۳۹۹، این کاهش در درآمدهای دلاری در درآمدهای ریالی جبران گردد. برای محاسبه بار مالی کرونا بر منابع و مصارف دولت، بایستی ابتدا مشخص کنیم که دولت تاکنون چه هزینه‌هایی برای نظام سلامت انجام داده و یا در حال انجام است، چه برنامه‌های حمایتی برای کسب و کارها در شرایط کاهش تقاضای مؤثر در نظر گرفته و چه برنامه‌هایی در نظر دارد انجام دهد؛ در حوزه نظام سلامت؛ بر اساس گزارش وزارت بهداشت تا ۲۵ اسفند ۱۳۹۹؛ دولت بالغ بر ۱۶۱۰ میلیارد تومان اعتبار برای نظام سلامت کشور در نظر گرفته است برآورد کارشناسی برای کل هزینه‌های موردنیاز بخش سلامت کشور تا ۱۰ هزار میلیارد تومان نیز انجام شده است.

۱. در حوزه کسب و کارها، برنامه‌ها و سیاستهای زیر تاکنون مصوب و بخشی از آن عملیاتی گردیده است؛
۲. مهلت و فرصت سه ماهه در پرداخت بیمه و مالیات.

۳. معافیت از مالیات برای بخش خصوصی تامین کننده لوازم و تجهیزات بهداشتی و درمانی مورد نیاز
۴. امهال سه ماهه اقساط اسفند، فروردین و اردیبهشت مردم به بانکها.
۵. برداشتن محدودیت استفاده از خدمات بانکی برای صاحبان چک های برگشتی در این دوره ۲ الی سه ماهه در ۱۰ رسته شغلی.
۶. تاخیر پرداخت حق بیمه سهم کارفرما در ماههای اسفند، فروردین و اردیبهشت و پرداخت تدریجی آن در سال ۹۹
۷. تعویق پرداخت بدهکاری سه ماهه مردم در زمینه آب، برق، گاز و عوارض شهرداری
۸. بسته حمایتی از ۲۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان برای ۳ میلیون خانوارهای با درآمد خیلی کم؛
۹. پرداخت وام یک تا ۲ میلیون تومانی بدون درخواست تضمین و با کارمزد ۴ درصد برای ۴ میلیون خانوار. کم درآمد و پرداخت ۸ درصد کارمزد اضافی آن از سوی دولت به بانکها.
۱۰. اختصاص بسته ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی برای ارائه تسهیلات به بنگاه‌های آسیب دیده.
۱۱. تقویت منابع صندوق بیمه بیکاری.
۱۲. پرداخت نقدی به خانوارهای هدف و آسیب دیده.

علاوه بر موارد فوق، بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، پیش بینی می شود هزینه‌هایی متوجه صندوق‌های بازنشستگی بر حسب تعداد افراد فوت شده و تعداد بیکاران گردد در این باره، هرچند سناریوهایی متعددی در نظر گرفته شده است، لیکن به طور متوسط اگر هزینه های ۲ هزار نفر فوتی و ۱۵۰ هزار نفر بیکار را برای صندوق های بازنشستگی در نظر بگیریم بالغ بر ۱۰۳۰ میلیارد تومان هزینه خواهد داشت. بدین ترتیب، اگر بخواهیم بار مالی کرونا بر منابع و مصارف بودجه دولت در سال ۱۳۹۹ را محاسبه کنیم میتوانیم به جدول زیر توجه کنیم؛ (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، تأثیر شیوع ویروس کرونا بر بودجه دولت‌ها در جهان و ایران، حمید پاداش هیئت علمی دانشگاه تهران و دیگران)

جدول شماره ۲- مصارف بودجه ای کرونا

مصارف بودجه‌ای ناشی از شیوع کرونا		
کمک به بخش بهداشت	غیر از ردیف های معمول (در اسفند ماه)	۱۶۱۰ میلیارد تومان
کمک نقدی به مردم	واریز ۲۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان به حساب ۳ میلیون نفر	۱۲۰۰ میلیارد تومان
اعطای وام به مشاغل آسیب پذیر	وام ۱ تا ۲ میلیونی ۴ درصدی بدون ضامن به ۴ میلیون نفر	۶ هزار میلیارد تومان
تعویق سه ماهه در پرداخت حق بیمه کارفرما به سازمان تأمین اجتماعی	پرداخت ۲۰ درصد حق بیمه کارفرما با ۳ ماه تعویق	۶ هزار میلیارد تومان
صندوق های بازنشستگی	با فرض ۲ هزار نفر فوتی و ۱۵۰ هزار نفر بیکار (مطابق برآوردهای موجود کارشناسی)	۱۰۳۰ میلیارد تومان
ارائه تسهیلات به بنگاه‌های آسیب دیده	بسته شامل تسهیلات به بنگاه‌های آسیب دیده، تقویت منابع صندوق بیمه بیکاری و پرداخت نقدی به خانوارهای هدف و آسیب دیده	۱۰۰ هزار میلیارد تومانی
جمع		۱۱۵.۸۵۰ میلیارد تومان

ج) پیامدهای سیاسی ویروس کرونا

دولت‌های امروزی به واسطه داشتن قوه قهریه، کنترل دانش و تکنولوژی و سلطه فرهنگی بیشترین قدرت انضباطی را در جامعه سازی می‌کنند. فوکو حکومت‌پذیری را شکل مدرن قدرت تلقی می‌کند (Nash 2001:45). هرچند سبک زندگی مدرن مبتنی بر حق انتخاب و کثرت طلبی و تنوع‌جویی است اما تا اندازه زیادی توسط دولت محدود خواهد شد. در حالی که پیامدهایی که این بیماری بر نحوه حکمرانی خواهد گذاشت، ممکن است کاملاً متفاوت از تأثیر آن بر سبک زندگی و اجتماعی باشد. در حال حاضر میزان مداخلات دولت بر اساس خواست مردم افزایش چشمگیری داشته است. هیچ اعتراضی در مورد دخالت در زندگی شخصی از هر طریقی که دولت تشخیص دهد وجود ندارد.

کسانی که در گذشته صدایشان بلند بود که چرا دولت در اقتصاد زیاد دخالت می‌کند، حالا در صف اول هستند تا از دولت انتقاد کنند چرا دیر وارد عمل شده‌ای. چون دولت‌ها باید بزرگ شوند تا با این بیماری مبارزه کنند. در گذشته بیشتر اقدام‌های دولت در محدود کردن زندگی یا نظارت بر رفتار افراد با مخالفت روبه‌رو می‌شد. الان با دستور دولت بسیاری از کسب‌وکارها تعطیل شده‌اند، بسیاری بیکار شده‌اند و مردم هم دستور دارند در خانه بمانند. دولت‌ها قول داده‌اند هزینه این بیکاری‌ها را بدهند. در برخی کشورها

مثل کره جنوبی و سنگاپور تمامی اطلاعات شخصی، الکترونیکی و پزشکی مردم در اختیار دولت قرار گرفته. در بسیاری کشورها کارهایی که روزی عادی به نظر می‌رسید، مثلاً رفتن به خانه اقوام، با جریمه ماموران دولتی روبه‌روست. این مسئله عده‌ای را نگران کرده است که ممکن است بعد از این دوران، دولت‌ها تمایلی به کاهش نظارت و مداخله خود در امور شخصی مردم نداشته باشند. ویروس کرونا اگرچه با خود تلفات انسانی به همراه داشته و باعث چالش در اقتصاد جهان و رکود در بخش تولید و سخت شدن معیشت مردم شده است، اما این همه ماجرا نیست و چنانچه واقع‌بینانه به موضوع نگریسته شود، این ویروس منحوس، باعث شده اتفاقات خوبی هم رخ بدهد. همان اتفاقاتی که سال‌هاست رهبر معظم انقلاب تلاش می‌کنند تا اثبات کنند که اگر اراده کنیم و بخواهیم، شدنی است.

به‌عنوان مثال؛ تمرین عملی و افزایش آمادگی بخش بهداشت و درمان و به‌خصوص نیروهای مسلح برای مقابله با جنگ‌های بیولوژیکی احتمالی در آینده و نیز تقویت اصل وحدت و همدلی در عملکرد مردم و مسئولین و اثبات کارایی راهبرد عملکرد جهادی و روحیه انقلابی، برخی از پیامدهای مثبت شیوع و مقابله با ویروس کرونا در کشور محسوب می‌شوند، که البته برخی از آنها کم یا زیاد طی عمر با برکت انقلاب اسلامی، محقق شده است. همچنین اثبات مجدد قدرت جمهوری اسلامی ایران در بسیج عمومی و استفاده از مشارکت مردمی برای مدیریت بحران‌های گوناگون، دستاورد دیگری بود که به آشکال مختلف از جمله؛ با استفاده بهینه از ظرفیت بهداشتی و درمانی نیروهای مسلح و با حضور گسترده بسیج، مساجد و هیأت مذهبی، صنوف و اقشار مختلف مردم و حتی استفاده از سمپاش‌های بخش کشاورزی برای ضدعفونی کردن معابر در این کارزار به تصویر کشیده شد. در این نمایش عمومی، برتری فرهنگ ایرانی - اسلامی اثبات شد و مردم جهان فهمیدند که مدینه فاضله غرب بیشتر از یک سراب و رؤیای کودکانه نیست و نظام سلطه نه‌فقط از نظر فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی مشکل اساسی دارد، بلکه در مواجهه با بحران‌ها به لحاظ تأمین امکانات حیاتی مورد نیاز جامعه خود نیز ناتوان است.

متقابلاً مردم دریافتند که از کان مختلف جمهوری اسلامی از جمله بخش سلامت نه‌فقط از کشورهای اروپایی و آمریکا عقبتر نیست، بلکه به مراتب کارآمدتر و دارای توان و امکانات بیشتری است و سیاه‌نمایی و اتهامات وارده به آن کذب محض است. مردم فهیم ایران اسلامی در جریان این مبارزه ثابت کردند که بر خلاف مردم غارتگر اروپا و آمریکا، از پشتوانه فرهنگی و اخلاقی مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلامی و اجتماعی بسیار غنی و ارزشمند برخوردارند و همچون گذشته در سختی‌ها یار و غمخوار یکدیگر و حامی نظام اسلامی هستند. در جریان این کارزار، ماهیت پلید و عملکرد خصمانه رسانه‌های معاند که در اقداماتی سخیف و متناقض تلاش داشتند تا با دروغ‌پراکنی و سیاه‌نمایی، هر نوع اقدام جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با بحران پیش‌آمده را ضعیف و غیر استاندارد و حتی غیراخلاقی و غیرانسانی جلوه دهند، نیز افشاء شد و اهداف و نیت شیطانی آنها بیش از پیش برای مردم آشکار شد. به‌عنوان مثال؛ با این‌که دستگاه تبلیغاتی غرب و رسانه‌های همسو با آن، در ابتدای کار تمام توان خود را بر ناتوان جلوه دادن سیستم بهداشت و درمان ایران متمرکز نموده و هر مشکل درمانی را به این موضوع ارتباط می‌دادند، در ادامه و پس از رسوایی‌های متعدد سیستم درمانی ناکارآمد اروپا و آمریکا، تا مدت‌ها سکوت کامل اختیار نمودند و حتی از ذکر آمار مبتلایان خود اجتناب نمودند. یا در حالی که این رسانه‌ها پیشنهاد نیروهای مسلح ایران برای قرنطینه شهرها را نوعی حکومت نظامی و دیکتاتوری از سوی نظام اسلامی معرفی می‌کردند، همین اقدام توسط دولت‌های غربی را مدیریت علمی تلقی نموده و به مردم غرب چنین القاء می‌کردند که همه چیز تحت کنترل است، اما در نهایت این ویروس ناچیز ثابت کرد که مدعیان قدرت در جهان تا چه حد ضعیف و آسیب‌پذیرند.

علاوه بر این؛ در جریان مبارزه با ویروس کرونا ثابت شد که اگر بخش تولید با روحیه انقلابی و عملکرد جهادی وارد کار شود و دولت به طور جدی و عملی از تولیدکنندگان حمایت کند، نه‌تنها رونق تولید محقق خواهد شد، بلکه جهش تولید نیز صورت خواهد گرفت.

طی چند ماه گذشته برخی از تولیدکنندگان محصولات موردنیاز بخش بهداشت و درمان توانستند با اتکاء به حمایت دولت، ظرف مدت چند هفته و بلکه چند روز، با دو یا سه شیفته کردن زمان فعالیت و حتی با تغییر کاربری خطوط تولید، متناسب با نیاز کشور به فرآیند کار سرعت بخشیده و میزان تولید خود را به شکل جهشی افزایش دهند.

تولید امکانات و دستگاه‌های موردنیاز کشور در این عرصه و طراحی و تولید برخی از اقلام مانند؛ کیت تشخیص کرونا، سامانه تشخیص پونومی کووید ۱۹ و برنامه و نرم‌افزار آموزشی کرونا و نیز بهسازی و افزایش کارایی دستگاه تنفس مصنوعی یا ونتیلاتور که برای اولین بار صورت گرفت، از جمله این موارد هستند. مطالعه و دستیابی اولیه به انواع روش‌های درمانی مثل؛ استفاده از روش سلول درمانی و داروهای مقابله با کرونا مانند؛ داروهای گیاهی و نوترکیب و اقدام برای ساخت واکسن نیز حرکت در همین مسیر و بیانگر توان علمی دانشمندان و نخبگان ایران اسلامی است. افزایش چشمگیر تولید محصولات بهداشتی مورد نیاز بازار داخلی کشور (همان نکته‌ای که رهبر معظم انقلاب هم در پیام نوروزی به آن اشاره کردند) مانند؛ مواد شوینده، الکل و مواد ضدعفونی کننده نیز، بار دیگر توان نیروهای داخلی و ظرفیت بخش تولید را به نمایش گذاشت. این رخداد پیامدهای مطلوب جانبی دیگری هم داشته که مهمترین آنها عبارتند از: تمرین قرنطینه و درمان خانگی و شهری، ظهور و بروز خلاقیت‌ها و ابتکارات برای ضدعفونی کردن وسایل و امکانات خانگی، روش‌های ابتکاری برای پیشگیری و درمان، تولید ماسک خانگی، تولید دستکش ابتکاری، کاهش و حذف هزینه‌های نوروزی خانواده‌ها، اثبات امکان حذف هزینه‌های غیرضروری مراسم ترحیم و حتی تبدیل موضوع به دستمایه‌ای برای شکوفایی طبع طنزپرداز و لطیفه‌گویی ایرانیان برای پرکردن اوقات فراغت در خانه که مسبوق به

سابقه است. کاهش محسوس میزان مصرف بنزین و مواجه شدن پالایشگاه‌ها با مازاد تولید، کاهش تردهای درون شهری و در نتیجه کاهش آلودگی هوا، کاهش مسافرت‌های برون‌شهری و در نتیجه بهبود شرایط محیط زیست و طبیعت، جلب توجه جامعه به ضرورت رعایت بهداشت و بهبود شرایط بهداشتی را هم می‌شود در ردیف سایر پیامدهای جانبی قرار داد. با این حال باید از جلب توجه بشر به عجز و ناتوانی خویش در برابر قدرت بیکران الهی و نیز سوق یافتن مجدد دل‌ها و قلب‌ها به سوی دین و معنویت، به عنوان بزرگترین دستاورد این رخداد نام برد. (پیامدهای مثبت ویروس کرونا - <https://www.mashreghnews.ir/news/۱۰۶۲۰۶۲>)

د) پیامدهای فرهنگی مذهبی کرونا

دین یکی از مهمترین مجموعه عناصر فرهنگی است که اشاره به گروه‌های وسیع سازمان یافته‌ای دارد که وجه اشتراکشان ماوراء الطبیعه و مفاهیمی چون خدا، فرشته و شیطان است (Cragun2001). دین به عنوان یک نهاد و یک امر مقدس ممکن است کارکردهای مثبت یا منفی در جامعه داشته باشد. به عقیده دورکیم جامعه شناس کارکرد گرا، مناسک دینی با حفظ همبستگی و انسجام اجتماعی، حفظ نظم و ثبات و از این رو ایجاد منافع جمعی، کارکرد اساسی برای جامعه دارد (Inglehart2008:26). توماس لاکمن نیز مذهب را یکی از مخازن معنایی می‌داند و معتقد است مذهب بودن یکی از خصوصیات انسان‌شناختی حیات انسانی است و فرایند انسانی شدن در ارتباط با خصوصیت بنیادی مذهبی بودن انسان، به منزله متعالی شدن طبیعت زیستی اش قرار دارد (کسلر ۱۳۹۴، ۱۸۲). در نقطه مقابل، مارکس نظریه پرداز تضادی، مذهب را افیون مردم و شکل مقدس از خود بیگانگی افراد می‌داند و معتقد است نقد مذهب، نقد جهان پر دردی است که مذهب هاله مقدس آن است (مارکس ۱۳۸۱، ۵۴).

از دیرباز همواره یکی از میدان‌های حضور دین نقاط ضعف بشری مانند بیماری و مرگ بوده است و ادیان یکی از کارکردهای خود را حل این معضلات برای بشر تعریف کرده‌اند. نوعی تعامل و تبادل دوسویه میان دین دار و دین (دین‌گذار) برقرار بوده است که در ازای باور و ایمان دین‌دار، دین به او آرامش و اطمینان می‌داده است، به‌ویژه هنگام مواجهه با بلا یا مصائب. از این معامله دوطرف بهره‌مند می‌شدند؛ دین بر شمار باورمندان و در نتیجه قدرت خود می‌افزود و دین‌دار صاحب مرهمی برای ترس‌ها و دردهایش می‌شد. با ظهور علم مدرن، اما این رابطه برهم خورد. حالا سروکله یک مدعی جدید پیدا شده بود که نه برای همه ترس‌ها و دردها (مثل مرگ) بلکه برای بسیاری‌شان (مثل بیماری) پاسخ‌های متفاوتی داشت، پاسخ‌هایی زمینی، معقول و سنجش‌پذیر. چالش علم و دین یکی از پدیده‌ترین چالش‌های الاهیاتی است که در دوره مدرن، دامن‌گیر همه ادیان شده است. ایران نیز دست‌کم از دوره مشروطه یکی از محورهای فعالیت جریان روشن‌فکری (دینی و غیردینی) همین موضوع بوده است. فراگیری این بحث در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ گروهی از روشن‌فکران دین‌دار را بر آن داشت که به دفاع «علمی» از اسلام بپردازند و به زبان‌های مختلف اثبات کنند که نه تنها معارضه‌ای بین قرآن و آموزه‌های اسلامی با دانش و دستاوردهای دانش مدرن از قبیل ترمودینامیک و تکامل زیستی داروین نیست، بلکه بسیاری از کشفیات علوم تجربی در نجوم، پزشکی، زیست‌شناسی، فیزیک و شیمی را می‌توان با تفسیر آیات قرآن دریافت. آن جنس دفاع علمی از دین حالا دیگر کمتر خریدار دارد و طبیعی است، چون حالا صورت‌بندی نسبت علم و دین، متأثر از تحولات شتابان جامعه بشری تغییر کرده است. این روزها شیوع یک بیماری ناشناخته و مرگ‌آور به نام کرونا زمینه‌ای فراهم ساخته است که مسئله علم و دین دوباره در جامعه طرح شود. با این تفاوت مهم که این بار میدان طرح این مسئله نه حوزه اندیشه نخبگانی، بلکه رفتار و عمل همگانی است. این بار چالش علم و دین دیگر یک موضوع نظری نیست که نخبگان در محافل علمی به آن بپردازند، بلکه حالا همه توده و عامه دین‌داران با این چالش مواجه‌اند، مواجهه‌ای مستقیم و نزدیک، بر سر بزنگاهی که یک‌سویش مرگ است.

سخت‌ترین آزمون دین‌داران همین‌جاست، محک ایمانشان به دین و سطح و کیفیت ایمانشان. این روزها در محافل مذهبی بر سر نوع مواجهه با بیماری کرونا اختلاف‌نظرهایی جدی مطرح است. یک گروه معتقد است باتوجه به ویژگی‌هایی که این بیماری ناشناخته دارد و طبق هشدار پزشکان مجامع و محافل دینی مثل دیگر مجامع عمومی باید ایمن شود و حتی در صورت لزوم باید اماکن زیارتی تعطیل شوند و برگزاری مجالس و مناسک مذهبی به صورت موقت متوقف شود. در مقابل، گروه دیگر معتقد است باید با تکیه بر باور دینی (توکل و توسل) و در نهایت عمل به دستورات طبی احادیث و البته نکات بهداشتی، با کرونا مقابله کرد و نباید قدرت دین را فراموش کرد و در برابر کرونا، این دشمن تازه ایمان، ترس و انفعال نشان داد. بر همین مبنای این گروه به شدت مخالف اختلال در برگزاری مناسک مذهبی و محدودسازی اماکن زیارتی‌اند.

گروه نخست، در عین باور به دین مبنای تصمیم‌گیری در قبال مناسک را نسخه تجویزی دانش مدرن می‌داند و گروه دوم، به‌جای آن، بر نسخه ایمان پافشاری می‌کند. برخی هم (مانند آتش‌زنده کتاب طب هاریسون) مجال مناسبی پیدا کرده‌اند برای عرضه نسخه‌های غریب خود به نام نسخه‌های شفابخش دینی. در این میان، شماری از مراجع (آقایان مکارم، وحید و شبیری) در پاسخ به استفتای مقلدان خود راه میانه را برگزیده‌اند؛ ضمن تأکید بر رعایت بهداشت و توجه به هشدارهای پزشکی (از جمله پرهیز از حضور غیرضروری در اماکن دینی) دین‌داران را به سازوکارهای مذهبی مانند خواندن دعا و توسل (زیارت عاشورا، آیت‌الکرسی و...) دعوت کرده‌اند. دیگر مراجع نیز تاکنون سکوت کرده‌اند. طبیعی است، میدان خطیری است و هرگونه موضع‌گیری در آن تبعاتی خواهد داشت. این تکرر آرا سبب بروز تکرر رفتار در بدنه دین‌داران شده است. در چند ماه گذشته، برخی هیئت‌های مذهبی با صدور اعلامیه‌هایی از تعلیق برنامه‌ها و مجالس خود خبر دادند. در مقابل برخی منبریان با انتقاد از تعطیلی هیئت‌ها و سرزنش

تعطیل‌کنندگان، بر حفظ روال برپایی مناسک تأکید دارند. در بین متولیان اماکن مذهبی نیز این اختلاف نظر مشهود است. اثرات بیولوژیکی کرونا دیر یا زود مرتفع خواهد شد، اما پیامدهای الاهیاتی آن ادامه خواهد داشت. به نظر می‌رسد روزهایی که در حال سپری‌کردنشان هستیم، روزهای مهمی در تاریخ تحولات دین‌داری و تشیع ایرانی باشند. چه کسی فکرش را می‌کرد که یک بیماری نوظهور بتواند چنین چالش الاهیاتی بی‌نظیری را پدید آورد؟ (کرونا پنجه در پنجه ایمان مذهبی / <https://shahrarnews.ir/fa/news/25388/>)

دیدگاه ۱۰ تن از مراجع عظام تقلید درباره مقابله با ویروس کرونا: مراجع عظام تقلید نیز از ابتدا بر عمل به توصیه‌های پزشکان و کادر درمانی برای مقابله با کرونا تأکید داشتند، در ادامه دیدگاه‌های ده تن از مراجع جهت اطلاع بهتر و بیشتر مردم برای جلوگیری از شیوع این ویروس را می‌خوانید:

جدول شماره ۳- نظر مراجع عظام در باب عمل در دوران کرونا

مرجع	نظر
آیت الله سیستانی	ممنوعیت تجمعات، وظیفه دولت در امر برآوردن نیازهای اساسی گروههای آسیب دیده، حمایت طبقات مرفه، کسبه و بازاریون از گروههای آسیب پذیر، کمکهای داوطلبانه جوانان در مناطق محروم
آیت الله وحید خراسانی	هر روز دست بر روی قلب و هفت مرتبه سوره حمد قرائت شود، هر روز صبح و شب هفت مرتبه آیت الکرسی را تا «وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» قرائت شود، خواندن سوره یس
آیت الله مکارم شیرازی	ماندن در خانه و خواندن زیارت عاشورا و حدیث کساء، پرهیز از سفر غیر ضروری، حفظ آرامش و پرهیز از ترس، عمل به توصیه‌های پزشکان
آیت الله صانعی	ضرورت عقلی و شرعی خودداری از حضور در اماکن و مجامع عمومی و مذهبی، رعایت موازین بهداشتی، حرام دانستن عدم رعایت موازین بهداشتی،
آیت الله سبحانی	پیروی از توصیه‌های پزشکی و تبعیت از دولت، حضور کمتر در اجتماعات، قدر دانی از کادر درمان
آیت الله نوری همدانی	پیروی از توصیه‌های پزشکی، حضور کمتر در مراکز عمومی، پرهیز از سفر و ملاقات حضوری، خواندن قرآن و ذکر دعا، قدر دانی از کادر درمان
آیت الله محمد سعیدحکیم	رعایت پروتکل‌های بهداشتی، خودداری از حضور در اجتماعات، مراجعه به پزشک و فاصله‌گیری اجتماعی، قدر دانی از کادر درمان، دعوت به حفظ همبستگی
آیت الله شیخ بشیر نجفی	رعایت پروتکل‌های بهداشتی، قدر دانی از کادر درمان
آیت الله اجوادى آملی	توصیه به خواندن قرآن و ذکر دعا

(کرونا پنجه در پنجه ایمان مذهبی / <https://shahrarnews.ir/fa/news/25388/>)

در مجموع و برابر نظرات اکثر علمای شیعی، رعایت موارد بهداشتی و دستور العمل‌های صادره از سوی حاکمیت، بر همه مردم و اقشار جامعه لازم و واجب بوده و عدم رعایت اینگونه موارد به نوعی حق الناس محسوب می‌گردد. همه مراجع عالی‌شان تأکید بر رعایت موازین بهداشتی و پیروی از دستورات پزشکان داشتند و سعی کردند در جهت حفظ همبستگی مردم و مردم-دولت، بین علم و دین پیوند برقرار سازند. هماهنگی و اتفاق نظر علما در این خصوص، بیانگر مکمل بودن دین و دولت و دینی بودن دولت و دین دولتی در کشور ایران است. از نظر علمای دینی، مشروعیت دولت بسیار با اهمیت است زیرا با توجه به بافت مذهبی و اعتقادی جامعه، دین کمک‌کننده دولت و حاکمیت در اداره بهتر بحران‌ها است.

با مرور ادبیات مرتبط با پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی دوران کرونا، می‌توان از دوران پسا کرونا نام برد، دورانی که رکود اقتصادی حاکم است و دولت درگیر بحران مشروعیت و ضعف ساختار اقتصادی و سیاسی است، دورانی که در آن دین باید به چالش‌های پیش رو پاسخ دهد و جامعه ناامید و منزوی در جستجوی امیدی برای روابط اجتماعی صمیمانه به دور از تبعیضهای اجتماعی، فقر و تورم است. یقیناً بازسازی اقتصادی و سیاسی به مراتب آسانتر و سریعتر از بازسازی فرهنگی و اجتماعی خواهد بود. همچنانکه تغییرات فرهنگی در مدت زمان طولانی و آهسته شکل می‌گیرند نیازمند زمان طولانی برای بازسازی هستند. و شاید مهمترین پیامد منفی بحران کرونا اول مسئله فرهنگ و سپس اجتماع باشد.

۶- نتیجه‌گیری

شکی نیست که بحران ویروس کرونا اقتصاد ایران را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد و منجر به کاهش تولید ناخالص داخلی خواهد شد. دولت ایران اعلام کرده است که ابزارهای حمایتی را برای پشتیبانی از اقشار آسیب‌پذیر جامعه مانند کسب‌وکارهایی که از رکود اقتصاد فعلی متضرر شده‌اند، در نظر گرفته است. این درحالی است که دولت خود با مشکلاتی از قبیل کسری بودجه، تحریم‌های خارجی و کاهش قیمت جهانی نفت روبه‌رو است که اثرات این تسهیلات را درهاله‌ای از ابهام قرار داده است. براساس شواهد، اولین

چالش در طراحی و اجرای مشوق‌های صحیح برای کسب‌وکارهای ایرانی این حقیقت است که دولت خود بزرگ‌ترین بازیگر اقتصادی در کشور است؛ درحالی که انتظار می‌رود سیاست‌گذار و ناظر بخش‌های اقتصادی باشد. این به آن معناست که مشوق‌های مستقیم مانند کمک‌های مالی عمدتاً به شرکت‌های دولتی یا نیمه دولتی اختصاص خواهد یافت که هدف اصلی این ابزارهای حمایتی را برآورده نمی‌سازد. علاوه بر این به دلیل غلبه ساختار بازار کار بیرونی (که در آن استخدام بی ثبات و پرداخت‌ها پایین است و اتحادیه‌ها اهمیت چندانی ندارند) بر بازار کار درونی (استخدام باثبات و پرداخت‌ها مناسب است و اتحادیه‌ها قوی هستند) متأسفانه طبقات پایین جامعه بیشتر آسیب می‌بینند.

براساس اطلاعات ارائه شده توسط بانک مرکزی ایران، همه بانک‌های تجاری موظف هستند وام‌های کم‌بهره را برای ۱۰ طبقه‌بندی شغلی که بیشترین آسیب را از شیوع ویروس کرونا دیده‌اند، تمدید کنند. این مشاغل عبارتند از: رستوران‌ها، فروشگاه‌هایی که آجیل، شیرینی و محصولات مشابه را به فروش می‌رسانند، آژانس‌های سفر و گردشگری، هتل‌ها و شرکت‌های اقامتی، شرکت‌های حمل‌ونقل، خطوط هوایی، شرکت‌های نساجی، تولیدکنندگان محصولات چرم، مراکز ورزشی و سرگرمی و برگزارکنندگان مراسم مختلف.

در عین حال رئیس اتاق اصناف، معتقد است که دولت صرفاً نباید بر بخش‌های خاصی از اقتصاد متمرکز شود، بلکه مشوق‌های اقتصادی باید به تمام کسب‌وکارها اعطا شود؛ چراکه به نظر می‌رسد تبعات مخرب اقتصادی این بحران، در سه ماه آینده نمایان شود. اگرچه تسهیلاتی مانند تعویق پرداخت اقساط وام و پرداخت مالیات بر ارزش افزوده و مشوق بیمه کارفرما در نظر گرفته شده است، اما به نظر می‌رسد تمرکز دولت بیشتر بر اقشار کم‌درآمد است تا کم کردن فشار بر کسب‌وکارها. برای مثال بیانیه دولت که ۲۶ اسفندماه سال گذشته منتشر شد بر پرداخت نقدی به اقشار کم‌درآمد براساس شناسایی معاون اول رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه، وام با بهره صفر ۲۰ میلیون ریالی و بازپرداخت ۳۰ ماهه به کارگران و دست‌فروشان که شغل خود را در اثر این بحران از دست داده‌اند (تخمین زده می‌شود ۴ میلیون نفر این تسهیلات را دریافت خواهند کرد) و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار برای کسب یا ایجاد شغل‌های ثابت تمرکز دارد. بنابراین واضح است که برنامه‌های مذکور بیشتر بر جلوگیری از شیوع ویروس متمرکز است تا تثبیت اقتصاد کشور. به عبارت دیگر، رفتار دولت در قبال ویروس کرونا (کووید-۱۹) بیشتر نشان‌دهنده تمرکز بر بعد بحران سلامت عمومی آن است تا تمرکز بر بعد بحران اقتصادی آن. مهم نیست دولت کدام بعد این بحران را در اولویت قرار می‌دهد، در هر حال مساله اصلی تامین مالی دولت خواهد بود. در واقع همان طور که تشریح شد، هرچه فعالیت کسب‌وکارها کاهش یابد، درآمدهای مالیاتی دولت نیز کاهش می‌یابد که منجر به افزایش کسری بودجه دولت می‌شود. همچنین اثرات تورمی فشار بیشتری بر وضعیت مالی دولت و به‌طور کلی بر اقتصاد وارد خواهد کرد. (اثر کرونا بر اقتصاد ایران محمد هاشم بت شکن / محمدصادق عبدالمهدی پور - <https://donya-e-eqtasad.com>)

یکی دیگر از پیامدهای این بحران ممکن است تغییرات در ساختار جمعیتی باشد. البته در میان‌مدت، تغییرات در نحوه حمایت از سالمندان و در بلندمدت، ساختار جمعیتی. همین طور در کوتاه‌مدت هزینه‌ای که روی دست دولت می‌گذارد. مثلاً در ایران چون نظام بازنشستگی اساساً تنها بر حمایت از فرد بازنشسته شده نیست و بیشتر بر پایه حمایت از خانواده قرار دارد، صندوق‌های بازنشستگی باید هزینه زیادی به بازماندگان بیمه‌شده‌ها پرداخت کنند و میزان مستمری‌بگیران افزایش خواهد داشت. تأثیرات اجتماعی، تغییرات حاصل از بحران کرونا هنوز چندان شناخته شده نیست. می‌دانیم که به سبب اجرای سیاست فاصله اجتماعی، بسیاری از فعالیت‌های معمول جامعه در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تعطیل شده و یا به حالت تلیق درآمده است. در نتیجه افراد زیادی در حوزه‌هایی چون کسب و کار، روابط خانوادگی و آموزش متحمل تغییرات و تأثیرات حاصل از این سیاست شده‌اند.

برخی از بنگاه‌های اقتصادی ناچار شده‌اند تا برای کاهش هزینه‌ها، نیروهای خود را تعدیل کرده، بر خیل بیکاران اضافه کنند. درآمد کسانی چون رانندگان تاکسی به شدت کم شده و تامین هزینه‌های زندگی برای آنها دشوار گشته است. فعالان کسب و کارهای خدماتی چون آرایشگری، کافه داری، رستوران داری، باشگاه‌های ورزشی، مدت زیادی است که کرکره مغازه‌ها و مراکز کسب خود را پایین کشیده و هنوز هم به آنها اجازه بازگشایی داده نشده است و آنها کم‌کم به سبب قطع درآمد با مشکلات گوناگونی چون سررسید اقساط و پرداخت اجاره بها درگیر هستند. در تدوین و اجرای سیاست فاصله‌گذاری اجتماعی به وضعیت و شرایط گروه‌های اجتماعی خاص مانند مهاجران، پناهندگان و معتادان بی توجهی شده است و مشکلات این دسته از افراد تشدید شده است.

پیگیری راهبرد انسجام اجتماعی در کنار فاصله اجتماعی، در حالی که همزمان توصیه به انفعال اجتماعی می‌شود، کار آسانی نیست. قرار نیست برای مقابله با یک بیماری، جامعه را قربانی آن کرد و لزومی هم به این کار نیست. ما در عصری زندگی می‌کنیم که فهمیده ایم توان و امکانات جامعه محدود به دولت و بخش خصوصی نمی‌شود. جامعه مدنی و گروه‌های داوطلبانه مردمی سرشار از ابتکارات، نوآوری‌ها و منابعی هستند که می‌توانند در شرایط بحران به کار گرفته شوند. از سوی دیگر، زیر ساخت‌های اینترنتی و ابزار مدرن ارتباطی از محدودیت‌های ارتباطی فیزیکی عبور کرده و امکان تعاملات اجتماعی مجازی را فراهم ساخته‌اند و می‌توان از آنها برای تدام پیوندها استفاده کرد.

در حال حاضر با توجه به مجموعه امکانات می‌توان به راه‌کارهایی برای جبران یا تعدیل بخشی از تأثیرات برای گروه‌های اجتماعی خاص یا تغییراتی در سیاست‌ها و برنامه‌ها اندیشید. برخی از این راه‌کارها می‌تواند توجه بیشتر به سطح محلی یا

کمونال جامعه باشد. این سطح، امکان تشکیل گروه‌های داوطلب امداد رسان و یارگیر را می‌دهد. از همین رو باید به فکر بازنگری در روش‌های برنامه‌ریزی شهری هم بود و پیوند‌های میان آن و سلامت عمومی را درک و بیشتر کرد. تمرکز زدایی و ارائه خدمات غیر متمرکز از جمله اقدامات است که باید به اجرای آن به طور جدی فکر کرد. آن چه تاکنون در تصمیم‌گیری‌های تعیین‌کاربری‌ها و تخصیص زمین‌های عمومی برای فعالیت‌های تجاری به جای ساخت بیمارستان‌ها و مراکز درمانی محلی، آنچه در سطح بین‌المللی از آن صحبت می‌شود این است که رویدادهایی چون ویروس کرونا حاوی این آدرس است که سلامت عمومی، اهمیت بیشتری از ملاحظات اقتصادی صرف دارد و دولت‌ها نمی‌توانند زیر بار هزینه‌های زیرساخت‌های بهداشت و تامین سلامت شانه خالی کنند. حتی طراحی و معماری خانه‌ها هم نقش خود را در سلامت اجتماعی و امکان تعامل در شرایط قرنطینه نشان داد. برای مثال بالکن، حیاط و ... بهره‌گیری از کمک‌های مدنی در جهت افزایش همبستگی اجتماعی نیازمند سیاست‌ها تسهیل‌گر و حمایت‌گرا است. باید به جامعه مدنی اعتماد داشت، برای مثال با کاهش سیاست‌های فیلترینگ برای بسط روابط اجتماعی کوشید.

می‌دانیم که سیاست فاصله‌گذاری اجتماعی با وجود مسائلی که دارد تاثیر مهمی در کاهش تلفات ناشی از بیماری و کاستن از پیامدهای منفی آن دارد. اما در نهایت این میزان اعتماد عمومی به دولت است که توفیق سیاست‌ها و اقدامات در زمینه حل بحران را تضمین می‌کند. یکی از عوامل مهم در ایجاد اعتماد میان مردم و مقامات دولتی، شفافیت و اطلاع‌رسانی دقیق، شفاف و صحیح در این زمینه است. توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته کشور بایستی به شکل جدی در دستور کار باشد. اقدامات لازم برای تجهیز دانش‌آموزان و دانشجویان نیازمند به ابزار کمک آموزشی مانند تبلت انجام گیرد. اولویت توسعه زیرساخت‌های ارتباطی برای کاهش شکاف دیجیتال میان مناطق مختلف کشور اهمیت زیادی دارد.

باید مراقب تبعات اجتماعی بیماری کرونا برای گروه‌هایی خاص بود. بی‌توجهی به این مسئله می‌تواند موجب شود تا بیماری‌های کرونایی تبدیل به عامل تشدید وضعیت نامساعد این گروه‌ها شود. گروه‌هایی مانند معتادان در شرایط بحران باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند و سیاست و برنامه‌هایی روشن و دقیق همچون مشخص بودن مسئول رسیدگی و تامین منابع مالی لازم تدوین شود. گروه‌هایی چون مهاجران و پناهندگان هم شرایط خاص خود را دارند و نمی‌توان نسبت به سرنوشت آنها در شرایط بحران بی‌توجه بود.

انجام همه اقدامات پیش‌گفته که بخش کوچکی از مسائل اجتماعی به وجود آمده به سبب بحران کروناست، نیازمند ظرفیت‌های اعتماد، همکاری میان بخشی، هماهنگی، شفافیت و اقدامات مشترک است. ظرفیت‌هایی که شاید بسیاری از آنها هم در شرایط عادی از وضع خوبی برخوردار نبودند.

۷- پیشنهاد‌های پژوهشی و اجرایی

تجربه کشورهای درگیر بیماری نشان می‌دهد تمامی سیاست‌ها و اقدامات در راستای کمک به قطع زنجیره انتقال و کاهش انتشار ویروس از طریق کاهش تماس و افزایش فاصله فیزیکی بین افراد مشکوک و سالم می‌باشد. از طرف دیگر با در نظر گرفتن این مسأله که عمده انتقال در جامعه و مکان‌های عمومی صورت می‌گیرد راهبردهای ارائه شده بر مدیریت مکان‌های عمومی، کاهش تماس انسان با انسان، افزایش فاصله فیزیکی اجتماعی، محدودیت مسافرت‌های درون و برون شهری و تاکید بر قرنطینه مبتنی بر خانه می‌باشد.

اولین و اساسی‌ترین اقدام، تشکیل مرکز فرماندهی مدیریت کنترل و پیشگیری با هدایت مستقیم بالاترین مقام رسمی کشور از جمله رئیس‌جمهور یا معاون اول ایشان با تاکید بر همراهی فعال همه دستگاه‌های ذیربط می‌باشد. فرهنگ‌سازی و ارائه آموزش‌های لازم به‌طور گسترده به عموم مردم در خصوص روند فعلی همه‌گیری و روش‌های پیشگیری از ابتلا به بیماری شامل: رعایت بهداشت فردی، ماندن در خانه و احتراز از برگزاری تجمعات فامیلی و مراسم‌های مختلف صورت پذیرد. همزمان دولت مقررات و مشوق‌های لازم در این زمینه را فراهم و اجرایی کند. در گام بعدی بایستی کلیه مکان‌های عمومی و محل‌های تجمع علمی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و ورزشی، کافه‌ها و رستوران‌ها و موارد مشابه تعطیل شوند و مقررات و مشوق‌های لازم برای کسب و کارها، تدوین و اجرا شود. در خصوص حمل و نقل بین شهری و درون شهری با در نظر گرفتن سطح بندی مناطق آلوده (وضعیت قرمز) و کمتر آلوده (وضعیت نارنجی) طیفی از محدودیت‌های رفت و آمد به طور مثال توقف کامل تا محدودیت در رفت و آمدها و انجام غربالگری در ایستگاه‌های جابجایی مسافر و مبادی ورود و خروج شهر و بیمارایی استاندارد و فعال اقدام نمود. لازم است تمامی پروتکل‌های تشخیصی و درمانی، به روزرسانی شده و هم‌زمان اهتمام وزارت بهداشت بر فراهم آوردن تمام امکانات برای ایستگاه‌های غربالگری، آزمایشگاه‌های تشخیصی و مراکز درمانی باشد. مراکز ارائه دهنده خدمات دولتی مانند بانک‌ها به صورت محدود و شیفت بندی شده به ارائه خدمت پرداخته و ارائه خدمات الکترونیک و دور کاری به سرعت تسهیل گردد. در خصوص افراد آسیب پذیر و سالمندان، بیمارایی به صورت فعال و از طریق ظرفیت مراکز بهداشتی و درمانی و خانه‌های بهداشت صورت پذیرد و آموزش‌های اختصاصی برای این افراد در جهت پیشگیری از ابتلا به‌طور گسترده‌تری ارائه گردد. کلیه این اقدامات به صورت فعال و با دادن اختیارات لازم باید در سطح استان‌ها و با هدایت استانداران صورت پذیرد. هم‌زمان با این اقدامات، تقویت کمپین‌های اطلاع‌رسانی و آموزشی و آرایه مشوق‌ها و حمایت‌های لازم به افراد، خانواده‌ها و کسب و کارها در راستای حمایت از

ماندن در خانه و استفاده از ظرفیت سیستم پزشکی از راه دور موجب خواهد شد دولت در کوتاه‌ترین زمان مدیریت همه گیری را انجام داده و روند ابتلا و مرگ و میر را نزولی کند.

همچنین با توجه به بحران پیش آمده در حوزه اقتصادی، کسب و کارهای خدماتی کوچک بیش تر از سایر بخش ها دچار آسیب شده اند، ضمن اینکه بنگاه های فعال در حوزه تجارت و بسیاری از بانک ها و ... نیز تا حدودی دچار آسیب شده اند که همه این عوامل، متغیرهای اقتصاد کلان مانند رشد، اشتغال و تورم را دچار بحران نموده است بنابراین در این حوزه پیشنهادات زیر ارائه می گردد:

- ۱- دیپلماسی توامان اقتصادی - بهداشتی با مقاصد صادراتی برای اجرایی کردن پرتکل های مشترک بهداشتی و امنیت زیستی به منظور استمرار صادرات و واردات ضروری است.
- ۲- تسهیل فرایند ثبت سفارش، اعطای موقت فرصت واردات بدون انتقال ارز و اعطای فوری تسهیلات مالی ارزی و ریالی برای تامین موارد اولیه تولیدی ها.
- ۳- اولویت دادن به بازپرداخت بدهکاری و دیون دولت به بخش خصوصی در لایحه بودجه و نظام مدیریت مالی دولت به منظور بهبود تامین مالی این بخش.
- ۴- تمدید شش ماهه کلیه مزایا و معافیت های که موعدها تا پایان سال ۹۸ بوده است برای کسب و کارهای تولیدی و خدماتی خرد.
- ۵- امهال و تنفس شش ماهه وصول کلیه مطالبات بانک ها، دوایر دولتی و عمومی نظیر مالیات، حق بیمه تامین اجتماعی و سایر عوارض نظیر شهرداری ها و دهیاری ها برای کسب و کارهای خرد.
- ۶- تدوین برنامه جامع بهبود فضای کسب و کار و بهبود سرمایه پذیری کسب و کارهای خدماتی کوچک و متوسط که اتاق ایران پیشنهاد کرده است.
- ۷- گسترش روحیه فداکاری همکاری از خود گذشتگی و همگامی به منظور کمک عمومی به کنترل ویروس و فعالیت اقتصادی
- ۸- کمک گسترده به خانواده های آسیب دیده.
- ۹- حمایت از کسب و کارهای نوآورانه به منظور خروج از بحران و برای زمان پسا کرونا.
- ۱۰- حمایت از کسب و کارهای خرید آنلاین.
- ۱۱- گسترش آموزش عمومی مردم در استفاده از بازارهای آنلاین و دولت الکترونیک.
- ۱۲- بازرنگری و تغییر مشوق های صادراتی / واردتی در جهت تراز تجاری و درآمد زایی ارزی.

در حوزه فرهنگی و دینی نیز پیشنهادات زیر ارائه می گردد:

- ۱- استفاده بیشتر از رسانه های جمعی همانند تلویزیون رادیو و خصوصاً اینترنت.
- ۲- اجرای مراسمات مذهبی و اعتقادی به صورت آنلاین و در فضای مجازی. (هیئت مجازی) -۳ برگزاری مراسمات در فضای باز و با رعایت تمامی پروتکل های بهداشتی. -۴ زیارت مجازی. -۵ برگزاری مراسم ترحیم به صورت مجازی.

منابع

۱. ایمانی جاجرمی حسین (۱۳۹۹) پیامدهای اجتماعی شیوع ویروس کرونا در جامعه ایران . گروه مطالعات توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
۲. اینگلهارت رونالد، ولزل کریستین (۱۳۸۹) نوسازی تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران، انتشارات کویر
۳. چیت سازقمی محمدجواد (۱۳۹۹) کرونا و دینداری: چالش ها و تحلیل ها. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی
۴. حمیدیان اکرم (۱۳۹۶) نابرابری، فقر، طرد اجتماعی، تهران، انتشارات جامعه شناسان
۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۹). تأثیر شیوع ویروس کرونا بر بودجه دولت ها در جهان و ایران. حمید پاداش هیئت علمی دانشگاه تهران. مرتضی اکبری هیئت علمی دانشگاه تهران. سعید قربانی دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس. ۱۳۹۹/۰۱/۱۲ . قابل دسترسی در: <https://www.wimair/news/83734809>
۶. سایت ویکی پدیا، ویروس کرونا در ایران و در جهان. ۹۹/۰۵/۱۰
۷. سیدمن استیون (۱۳۸۸) کشاکش آرا در جامعه شناسی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی
۸. کسلر دیرک (۱۳۹۴) نظریه های روز جامعه شناسی از ایزنشتات تا پسامدرن ها، ترجمه کرامت الله راسخ، تهران، انتشارات آگه
۹. مارکس کارل (۱۳۸۱) درباره مسئله بهبود گامی در نقد فلسفه حق هگل، ترجمه مرتضی محیط، تهران، نشر اختران
۱۰. نش کیت (۱۳۸۰) جامعه شناسی سیاسی معاصر؛ جهانی شدن، سیاست، قدرت. ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، انتشارات کبیر

۱۱. وبسایت شهرآرا نیوز، (۱۳۹۹). کرونا پنجه در پنجه ایمان مذهبی. محسن حسام مظاهری - نویسنده و پژوهشگر علوم اجتماعی، ۹۹/۰۲/۱۱. قابل دسترسی در: <https://shahraraneews.ir/0006bU>
۱۲. وبسایت سازندگی نیوز، (۱۳۹۹) جامعه‌شناسی کرونا علی اصغر سعیدی جامعه‌شناس و استاد دانشگاه تهران. سوم اردیبهشت ۱۳۹۹. قابل دسترسی در: <http://sazandeginews.com/News/7094>
۱۳. وبسایت روزنامه دنیای اقتصاد، (۱۳۹۹). اثر کرونا بر اقتصاد ایران. محمد هاشم ت شکن و محمد صادق عبدالهی پور. ۱۳۹۹/۰۱/۲۰. قابل دسترسی در: <https://donya-e-eqtasad.com/>
۱۴. وبسایت مشرق نیوز، (۱۳۹۹). پیامد های مثبت ویروس کرونا. احمدرضا هدایتی کارشناس ارشد مدیریت. ۱۳۹۹/۰۱/۲۷. قابل دسترسی در: <https://www.mashreghnews.ir/news/1062062>
۱۵. وبسایت شفقنا، (۱۳۹۹). دیدگاه ۱۰ تن از مراجع عظام تقلید درباره مقابله با ویروس کرونا، ۹۹/۰۱/۰۴ قابل دسترسی در: [https:// fa.shafaqna.com/news/911708/](https://fa.shafaqna.com/news/911708/)
۱۶. همشهری آنلاین ۱۳۹۹/۲/۱۱
17. Cragun .T. Ryan (2015) Science and Religion, International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, 2nd edition, Volume 21 ,Elsevier Ltd.

Corona, Religious, Government

Abstract

Corona disease is a phenomenon that has caused a crisis in the world due to its rapid spread and uncontrollable nature. Although this crisis is apparently of a purely medical nature and related to the health system, but it is a multidimensional crisis whose effects and consequences , in various fields of economy, society, culture and politics , can be observed and traced.

This article attempts to assess the consequences of the Corona crisis on the economy, government, religion and culture in Iran.

The research method is a documentary and uses library-Internet resources and reviews the findings and results of studies conducted after the outbreak of Covid 19 virus in the country. Here is trying to answer the main question of what effects Corona has on the economy, culture and government.

The findings of this study show that the coronary heart disease crisis has had positive and negative consequences for society. The Corona crisis and its result have caused changes in the economy and culture; The people and the government were under more economic pressure. Despite the provision of positive opportunities, religiously and ideologically, it has also had negative effects on the organization and manner of holding ceremonies, the diminishing of gatherings and the presence of people in public religious arenas, and so on.

Keywords: Corona virus, Corona budget, religious rites, social cohesion

اقدام پژوهی در زمینه استفاده از ورزش و فراغت برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی

تاریخ دریافت: ۱۳/۱۲/۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۰۲/۰۲/۱۴۰۱

کد مقاله: ۱۹۱۷۴

نیلوفر آقائی^۱

چکیده

یکی از راههای مقابله با آسیب‌های اجتماعی از جمله خشونت و اعتیاد، پرورش جوانان ورزشکار یا فعال در حوزه ی فکری و جسمی ورزش است. این مقاله با هدف انجام یک اقدام و چگونگی فرایند مشارکت اجتماعی و افزایش نشاط اجتماعی با روش اجتماع محور (مشارکت مردم) در محله جوی آباد شهرستان خمینی شهر اصفهان صورت گرفته است. این پژوهش در ابتدا به روش پیمایش، ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه و شیوه نمونه گیری، خوشه ای چند مرحله ای اطلاعاتی بدست آورد. تعداد جامعه آماری ۱۴۱۸۲ نفر و تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۴۱۳ نفر بدست آمد. همچنین با هدف دستیابی به جامعه آماری و اطلاع از ویژگی‌های جمعیتی و زمینه‌ای محله، طرح تمام شماری در محله با ابزار پرسشنامه انجام گردید و داده‌های یافت شده با نرم افزار SPSS تحلیل شد. در نهایت اقدام پژوهی اوقات فراغت با رویکرد اجتماع محور در ۵ مرحله حساس‌سازی، بسیج اجتماعی، تیم سازی و گروه‌سازی، جلسه با درگیران و جلسه با تصمیم گیران انجام شد. از نتایج این اقدام میتوان به تشکیل تیم دوچرخه سواری، تیم شطرنج محلی و ساخت یک پروژه عمرانی در راستای اوقات فراغت اشاره کرد.

واژگان کلیدی: ورزش؛ آسیب‌های اجتماعی؛ اوقات فراغت؛ اقدام پژوهی

ساکنین محله‌های کم برخوردار در بسیاری از مناطق جهان همچنان رشد بی‌سابقه‌ای در اندازه جمعیت را تجربه می‌کنند. مطابق پیش‌بینی‌ها، در سال ۲۰۱۲ رشد فقرای شهری در کشورهای در حال توسعه هر ساله رو به افزون خواهد بود (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۳: ۲۱۵). بدون شک این روند اثرات زیادی بر مسائل اجتماعی و مسائل سلامت، که زندگی افراد در این مناطق و سکونتگاه‌های غیررسمی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، خواهد داشت. به طور کلی، مناطق کم برخوردار به واسطه عوامل اجتماعی و اقتصادی، به عنوان مناطقی با ازدحام جمعیت و سطوح بالای فقر گرفته تا جرم و خشونت، توصیف می‌شوند. فقر بالا، سرمایه اجتماعی اندک، و میزان بالای بیکاری زمینه را برای شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی مثل اعتیاد، بیکاری و خشونت بالا برده است. در نتیجه، عمدتاً فعالیت‌های فراغتی در این محله‌ها حول آسیب‌های اجتماعی و درگیری و خشونت‌های جمعی مثل مواد مخدر شکل می‌گیرد. افراد جوان در این محلات، همانند سایر محلات حاشیه‌نشین، به طور قابل توجهی تحت تأثیر رشد مناطق کم برخوردار قرار گرفته‌اند.

در بسیاری از موارد، از مناطق فقیرنشین و حاشیه‌نشین به عنوان سکونتگاه‌های غیر رسمی، برچسبی به معنای عدم ارائه خدمات عمومی و اجتماعی، از جمله امکانات فراغتی و ورزشی توسط دولت یاد می‌شود (دودوو و همکاران، ۲۰۰۲). معمولاً سکونتگاه‌های غیررسمی نه تنها فاقد ارتباط رسمی با خدمات شهری که ارائه دهنده امکانات فراغتی و ورزشی هستند، بلکه جمعیت بسیار زیاد نیز دارند. برای مثال یک مرکز یا باشگاه ورزشی به تنهایی می‌تواند به ۱۰۰ نفر خدمات ارائه دهد، در حالی که میزان نیاز به چنین باشگاه‌هایی معمولاً چند برابر این رقم خواهد بود. همچنین نرخ بالای هزینه‌های فراغتی در حوزه‌های فرهنگی و ورزشی، منجر شده تا امروزه توان خانوارها در زمینه تامین این اقلام بسیار افت داشته باشد. در بسیاری از بخش‌های مناطق فقیرنشین این محلات، ساکنین هیچ گونه دسترسی به برنامه‌های فرهنگی، فراغتی، ورزشی و تفریحی مناسب و رسمی نداشته و عمده برنامه‌های فراغتی در حوزه غیر رسمی بوده و عمدتاً به سمت برخی جرائم و آسیب‌های اجتماعی گرایش دارد. اغلب افراد جوان در این محله یا بیکارند یا اینکه به خوداشتغالی در بخش غیررسمی مشغول هستند.

ساماندهی اوقات فراغت و ورزش جوانان و نوجوانان از اهمیت زیادی برخوردار است، چرا که جوانان قشر آینده ساز کشورند و سرنوشت آنها با سرنوشت جامعه گره خورده است و استفاده صحیح از اوقات فراغت موجب رشد و شکوفایی فرد در زندگی فردی و اجتماعی و استفاده نادرست از این فرصت طلایی عامل بروز مشکلات و خسارت‌های جبران ناپذیری در بخش فردی و اجتماعی می‌شود. غنی‌سازی اوقات فراغت جوانان و نوجوان به منظور تقویت نشاط و شادابی، پویایی و جلوگیری از آسیب اجتماعی نقش به سزایی دارد و مطالعات نشان داده اند که اوقات فراغت اهمیت و رابطه معناداری با نشاط دارد (اندرو و یتی، ۱۹۷۶؛ استون، ۲۰۰۰؛ ساکتبول، ۲۰۱۲). افراد با گذران اوقات فراغت به عنوان زمانی که در اختیار آنها است و آزادانه و به میل خود می‌توانند از آن استفاده کنند به شیوه دلخواه درصد افزایش میزان رضایتمندی و نشاط خود هستند. در واقع رضایت از اوقات فراغت و نشاط شاید مهم‌ترین معرف‌های مستقیم اثرات و اهداف اوقات فراغت باشند (تمیزی‌فر و عزیز میسر، ۱۳۹۶). توجه بیش از پیش در برنامه‌ریزی‌ها برای برنامه‌های ورزشی و فرهنگی زمینه‌ای برای کنترل و هدایت هیجانات جوانان و نوجوان است و نتیجه این کنترل و هدایت هیجانات، داشتن جامعه سالم و پویا است. بنابراین لزوم توجه به برنامه‌ریزی اوقات فراغت به خصوص در محلات کم برخوردار علاوه بر اینکه به رشد فردی و اجتماعی افراد کمک می‌کند می‌تواند در کاهش آسیب‌های اجتماعی به ویژه خشونت، اعتیاد و افزایش مشارکت اجتماعی نقش به سزایی داشته باشد.

در این نوشتار سعی کرده‌ایم به طور خاص بر ساماندهی اوقات فراغت جوانان در حوزه ورزش تاکید کرده و نقش آن در کاهش آسیب‌های اجتماعی در میان این قشر را ارزیابی کنیم. این مقاله، به طور ویژه‌ای بر چگونگی استفاده این محلات از ورزش به عنوان یک نقطه آغازین و همچنین یک روش پایدار در کاهش آسیب‌ها در میان جوانان محله جوی آباد شهرستان خمینی شهر اصفهان تاکید می‌کند. اگرچه بسیاری از تلاش‌ها برای ارتقاء سلامت اجتماعی از روش‌های جدید، از جمله استفاده از رسانه جمعی، ارتباطات بین فردی و آموزش سرگرمی و فراغت برای سلامت اجتماعی استفاده کرده‌اند، اما برخی از مطالعات تجربی بر نقش احتمالی ورزش بر ایجاد یا بالا بردن درک مسائل مربوط به سلامت اجتماعی متمرکز شده‌اند. این نوشتار سعی می‌کند، با ارائه شرح کاربرد ورزش و فراغت در ترویج سلامت اجتماعی در مناطق فقیرنشین، به بررسی این شکاف بپردازد.

۲- پیشینه تحقیق

منصوری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با هدف تدوین مدل اوقات فراغت دانشجویان کشور و با روش کمی و کیفی نشان داد که استفاده از اینترنت تأثیر منفی بر رضایت از اوقات فراغت دارد همچنین دسترس بودن امکانات تفریحی، افزایش پرداختن به فعالیت‌های ورزشی و بالا بودن سطح رفاه با افزایش میزان رضایت مندی از اوقات فراغت همراه است در نهایت مدل اوقات فراغت با شش عامل تأثیر گذار بر انتخاب فعالیت‌های فراغتی شامل پیش‌برانه‌ها، عوامل فردی، عوامل اجتماعی و محیطی، عوامل مدیریتی، عوامل دولتی و چالش‌ها و پیامدهای ناشی از اوقات فراغت تدین شد.

عابدینی و طالبی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی در خلخال پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد بین متغیرهای حمایت خانواده، تصور خویش از بدن، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی شهروندان و میزان گرایش آنها به ورزش های همگانی رابطه مثبت وجود دارد. قربانی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با هدف تبیین اوقات فراغت جوانان به عنوان عاملی مهم در زمینه کاهش گرایش آنان به اعتیاد مواد مخدر بین جوانان معتاد تحت پوشش مراکز اعتیاد بهزیستی خراسان شمالی و سایر جوانان غیر معتاد صورت گرفت و نتایج حاکی از آن است که به طور معناداری افراد غیر معتاد زمان بیشتری را به اوقات فراغت خود اختصاص داده اند همچنین افراد معتاد تنوع کمتری در اوقات فراغت خود برخوردارند و از کل وقت آزاد جوانان معتاد درصد کمی از آن به اوقات فراغت سپری می‌گردد. مهرداد (۱۳۹۰) در پژوهشی با بررسی آسیب شناسی اوقات فراغت نوجوانان ۱۲ تا ۱۷ ساله استان لرستان نشان داد که این افراد اوقات فراغت خود را به فعالیت های فرهنگی، تفریح، مطالعه آزاد و فعالیتهای مذهبی و مهارتی و ورزش می‌گذرانند و عده ترین آسیب های اوقات فراغت این نوجوانان عامل ساختاری و سازمانی، عوامل فرهنگی، عدم مشارکت مردمی، شرایط نامطلوب اقتصادی و عدم اطلاع رسانی درست و نبود انگیزه میباشد.

زوماروا^۱ (۲۰۱۵) در تحقیقی بر روند فعالیت‌های اوقات فراغت کودکان و توجه بر تأثیر رو به رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات دارد. این نظرسنجی در هفت دوره‌ی متوسطه در منطقه‌ی هاردیک کرالو در ماه نوامبر و دسامبر بین ۴۳۲ دختر انجام شد. نتایج حاصل از تحقیق کمی انجام شده در این مطالعه نشان می‌دهد که کودکان وقت زیادی را صرف رایانه می‌کنند که تا حد زیادی بر شیوه‌ی زندگی آنان تأثیر می‌گذارد. نتایج حاکی از آن است که ۸۳/۲۷٪ از دانش آموزان در خانه‌ی خود کامپیوتر دارند و بیش از نیمی از والدین ۶۷/۳۲٪ در خانه از کامپیوتر استفاده می‌کنند و یک وسیله‌ای برای صرف وقت فراغت است و ۶۳/۸۱٪ کودکان هرروز از آن استفاده می‌کنند و همچنین شایع‌ترین فعالیت‌های اوقات فراغت دختران گوش دادن به موسیقی (۲۰٪)، صرف وقت خود با دوستان (۱۶٪)، ورزش و تلویزیون (۱۳٪) و فعالیتهایی مانند خواندن کتاب، کارهای هنری و فرهنگی و فعالیت‌های دیگر کمتر از ۱۰٪ بود و داده‌ها به وضوح نشان می‌دهند که رایانه‌ها یکی از محبوب‌ترین وسیله‌ها برای صرف وقت آزاد است. وایت^۲ نیز درباره اوقات فراغت و تمایز طبقاتی به این نتیجه رسید که تفاوت معناداری بین مردان و زنان در شیوه‌ی استفاده از اوقات فراغت وجود دارد به علاوه طبقات متوسط رو به بالا ساعات بیشتری را صرف گذران اوقات فراغت می‌کنند. از طرفی الگوی انجام اوقات فراغت نیز با تجزیه و تحلیل نحوه‌ی گذران اوقات فراغت افرادو جابجایی در پایگاه طبقاتی تغییر می‌کند (شعاعی، ۱۳۷۷).

استرسین^۳ و همکاران (۲۰۰۸) نشان دادند که جوانان ۲۰ تا ۲۵ ساله تحت تاثیر وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده و محیط خود به سمت انواع فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی سوق پیدا می‌کنند. افرادی که متعلق به سطوح متوسط و پایین هستند بیشتر جذب فعالیت‌های ساده‌تری مانند تئاترهای خیابانی یا بازدید از نمایشگاه‌ها که هزینه‌ی کمتری دارند می‌روند و جوانان مرفه‌تر وقت بیشتری را به گالری‌های خصوصی و سالن‌های نمایشی اختصاص می‌دهند. فورلانک^۴، کمبل^۵ در تحقیقی که در سال ۱۹۹۰ انجام دادند به این نتیجه رسیدند که وضعیت اجتماعی- اقتصادی در علایق جوانان هم به طور مستقیم و هم به طور غیر مستقیم در شکل‌گیری گذراندن اوقات فراغت تأثیر دارد (فرج‌اللهی، ۱۳۷۳).

۳- چارچوب نظری

۳-۱- مشارکت اجتماعی به مثابه راهبردی استراتژیک برای توسعه ورزش همگانی در محلات

حاشیه‌نشین

متخصصین و دانشمندان اجتماعی فعال در حوزه توسعه، از طریق ترویج تکنولوژی، تنظیم برنامه‌های مرتبط با مسائل مبتلابه و افزایش مشارکت اجتماعی سعی در بهبود کیفیت زندگی محلات حاشیه‌نشین داشته‌اند (سینگال و راجرز، ۱۹۹۹). با وجود برنامه استراتژیک مربوط به فن‌آوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، بسیاری از برنامه‌های توسعه‌ای در رسیدن به اهداف خود با شکست مواجه شده‌اند (ویلیکینز، ۲۰۰۰). پیوترو و کیمکید، (۲۰۰۱) شکست دیدگاه‌های مربوط به توسعه و به ویژه مقابله با آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین را به تعدادی از عوامل از جمله عدم طراحی استراتژیک یا ابتکارهایی که قادر به ایجاد ارتباط بین ارتقاء سلامت اجتماعی و برنامه‌های ارائه خدمات نیستند، نسبت می‌دهند. در سطح برنامه‌ریزی‌های محله‌ای، پیام‌های توسعه‌ای برای تغییرات اجتماعی در این محلات، این فرضیه وجود داشته است که یک بار مواجهه با پیام‌های مربوط به توسعه، بدون هیچ گونه تقویت اضافی، کفایت می‌کند. علاوه بر این، استراتژیست‌های توسعه، اغلب بدون در نظر گرفتن پیچیدگی تنوع گروه‌ها و قشرهای مختلف اجتماعی مورد نظر، برنامه‌هایی کلی و از بالا به پایین ارائه می‌دهند. نهایتاً، غالب برنامه‌ها و اقدامات توسعه‌ای از یک برنامه

1. zumarova
2. White
3. Ester Cerin
4. Furlong
5. Rebert cambell

پژوهشی منسجم استخراج نشده و عمدتاً مبتنی بر دیدگاه‌های نظری کلان و کلی تهیه و طراحی می‌شوند که نمی‌تواند برای هر زمینه اجتماعی منحصر به فردی کاربرد داشته باشد.

در این مقاله، طراحی و اجرای فرآیندهای توسعه ورزش و ارتقاء فعالیت‌های فراغتی به عنوان شیوه‌ای برای کاهش آسیب‌های اجتماعی در میان جوانان ارائه می‌شوند. از لحاظ نظری، این مباحث به اصول کلیدی از جمله بسیج و مشارکت اجتماعی تأکید دارد، می‌پردازد. در مورد این محله، بحث، مکان را با زمینه‌های ورزشی و دیگر مکان‌ها از جمله مدارس و مراکز فراغتی مرتبط می‌کند. مفهوم محصول مرتبط با پیام‌های سلامت اجتماعی در پیشگیری از اعتیاد، سوء مصرف مواد، و مسائل مربوط به آگاهی‌های شهروندی و سلامت است. هزینه، با تأکید بر درآمدهای مثبت احتمالی برای جوانان جوی‌آباد و همچنین اجتماع، مورد بررسی قرار می‌گیرد، و این در صورتی امکان‌پذیر است که جوانان خود را با اطلاعات ارائه شده در جهت توسعه اجتماع و از طریق تغییر رفتاری سازگار سازند. در نهایت ارتقاء استراتژی‌های محله، که شامل آموزش همسالان، مسابقات ورزشی، پاکسازی اجتماع، با استفاده از لباس فرم، تجهیزات و وسایل مورد برای انتشار پیام‌های سلامت اجتماعی می‌شوند، شکل می‌گیرد. از بسیاری جهات، این نوشتار بر آن است تا به اطلاعاتی که در نتیجه تجربه یک اقدام اجتماع محور حاصل شده، پیشنهادها مفیدی برای ترویج سلامت استراتژیک کل اجتماع با تأکید بر ورزش و غنی‌سازی اوقات فراغت برای جوانان ارائه دهد.

این مقاله تلاش دارد بر رویکردهای ترویج سلامت اجتماعی که بر مشارکت تأکید دارند، اشاره دارد. در مقایسه با اشکال سنتی تغییرات اجتماعی که به صورت سلسله مراتبی و با مرکزیت پیام بودند، در استراتژی‌های جدیدتر، مردم در محور قرار دارند. بسیاری از طرح‌های سلامت اجتماعی استراتژیک کنونی نیز بر اهمیت و نقش اثرگذار مشارکت و بسیج اجتماعی به عنوان اثربخش‌ترین و کم هزینه‌ترین شیوه برای تغییرات اجتماعی تأکید داشته‌اند. در همین رابطه در برنامه‌ریزی و ارزیابی اقدامات سلامت اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی، فرهنگ به عنوان امری محوری دیده می‌شود.

در قلب رویکردهای مشارکتی استراتژیک، تمایلی برای پرورش گفتگو میان اعضاء جامعه وجود دارد. گفتگو برای عدم تمرکز قدرت، که به طور کلی برای پیشرفت و ارتقاء سلامت اجتماعی تأکید دارد، مفید است. همان طور که ملکوت (۲۰۰۰) معتقد است "تغییر واقعی ممکن نیست مگر اینکه ما مستقیماً با فقدان قدرت میان افراد و گروه‌ها بخصوص در سطح توده مردم روبرو باشیم". به طور خلاصه، راهبردهای مشارکتی به دنبال ارتقاء مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و مالکیت پروژه‌ها است. همچنین برنامه‌های ترویج سلامت اجتماعی مبتنی بر دیدگاه‌های رایج، اهداف و روش‌های است که به خوبی برای ارزیابی پروژه‌ها تعریف شده‌اند. بخش بعدی بر ورزش به عنوان یکی از ابزارهای نوین در برنامه‌های مشارکتی برای سلامت اجتماعی تأکید می‌کند.

۳-۲- ورزش به عنوان یک ابزار استراتژیک در ارتقاء سلامت اجتماعی

کاربرد ورزش و فراغت در سال‌های اخیر، به عنوان وسیله‌ای مناسب برای ایجاد تغییرات اجتماعی، به ویژه در سطح توده مردم، به محبوبیت خاصی دست یافته است. به عنوان مثال، آژانس‌های توسعه سازمان ملل متحد با اشاره به قابلیت کاربرد ورزش در زمینه‌های مختلف در جهان از ورزش به عنوان "زبان جهانی" یاد می‌کنند. در واقع، سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۵ را "سال بین‌المللی ورزش و تربیت بدنی نام‌گذاری کرده و بر نقش ورزش در جامعه و قابلیت ورزش در مشارکت و پیشرفت کیفیت زندگی تأکید کرد (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۵). به شیوه‌ای مرتبط، ورزش و فراغت به عنوان یک روش مؤثر برای دستیابی به اهداف توسعه‌های هزاره ترویج داده شده است.

سهم قابل توجهی از اسناد و مدارک در سازمان‌های ورزشی و توسعه بر قابلیت ورزش در دسترسی توده بزرگی از مردم متمرکز شده‌اند. برای مثال، کاسینگ و همکاران (۲۰۰۴) نشان دادند که تماشاگران ورزشی از جمله بیشترین جمعیت در جهان را تشکیل می‌دهند. این پدیده از چند جهت قابل توضیح است. اول اینکه، ورزش در مقایسه با سایر اشکال فرهنگی بیان، دارای مزایای بیشتری است زیرا بیشتر برای عموم مردم قابل درک است (مک کلانسی، ۱۹۹۶). دوم، ورزش نقش اجتماعات تولید گروهی را بر عهده دارد، زیرا می‌تواند ایجاد حس تعلق و ارتباط میان شرکت کنندگان را تسهیل کرده و فاصله بین مردم را کاهش دهد. ورزش اغلب بخش‌های وسیعی از جمعیت را با فراتر رفتن از اختلافات ملی، جنسی، موقعیت اجتماعی، موقعیت جغرافیایی و نگرش‌های سیاسی با هم متحد می‌کنند. بنابراین دسترسی به ورزشی همچون فوتبال، به عنوان مکانیسمی برای ساختن اجتماع و وسیله‌ای برای تغییر اجتماعی، بخصوص در جایی مانند مناطق حاشیه نشین که در آن فوتبال برای بسیاری از مردم قابل دسترسی و مقرون به صرفه است، را آشکار می‌کند.

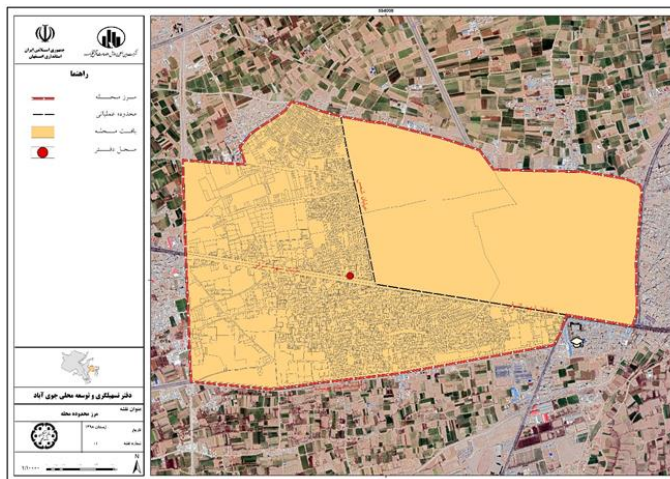
موارد بیشتر نشان می‌دهد که ورزش به طور فزاینده‌ای در پیشرفت کودکان و جوانان به کار برده می‌شوند. بسیاری از سازمان‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که ورزش و بازی نقش مهمی در پیشرفت جوانان دارند و می‌توانند برای آموزش ارزش‌های ضروری و مهارت‌های زندگی مانند کار گروهی، همکاری و احترام به آنان به کار برده شوند. برای مثال، ادبیات موجود نشان می‌دهد که ورزش به طور گسترده‌ای در عرصه بهداشت و درمان برای مبارزی با رفتارهای ناسالم، انحرافی و ضد اجتماعی مانند اعتیاد، بزهکاری و فحشا به کار برده شده است. همچنین ورزش در فعالیت‌های ملی و محله‌ای، برای مثال در "فعالیت مربوط به ریشه کن کردن فلج اطفال در آفریقا" که توسط نلسون ماندلا و دیگر رهبران آفریقایی انجام شد، منجر به کاهش قابل توجهی در فلج اطفال، یعنی کاهش از ۲۰۵ نفر در هر روز به ۳۰۸ نفر برای کل سال شد، به کار برده شده است (مطبوعات مشترک، سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۴).

۴- روش تحقیق

به منظور شناخت دقیق محله جوی آباد و آسیب‌هایی که در این محله وجود دارد ابتدا طرح آسیب‌شناسی اجرا شد. روش انجام پژوهش پیمایش، ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه و شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. تعداد جامعه آماری ۱۴۱۸۲ نفر و تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۴۱۳ نفر بدست آمد. همچنین با هدف دستیابی به جامعه آماری و اطلاع از ویژگی‌های جمعیتی و زمینه‌ای محله، طرح تمام شماری در محله با ابزار پرسشنامه انجام گردید و داده‌های یافت شده با نرم افزار SPSS تحلیل شد. در نهایت اقدام پژوهی اوقات فراغت با رویکرد اجتماع محور در ۵ مرحله حساس‌سازی، بسیج اجتماعی، تیم‌سازی و گروه‌سازی، جلسه با درگیران و جلسه با تصمیم‌گیران انجام شد به نحوی که هدف توانمندسازی جوانان و نوجوانان محله و استقلال آنها برای برنامه‌ریزی اوقات فراغت به صورت محلی و بدون وابستگی به نهاد است. در مرحله حساس‌سازی جهت داشتن اوقات فراغت نوجوانان و جوانان و نقش آن در کاهش آسیب‌ها، از پخش بروشور و برگزاری غرفه و رویداد استفاده شد همچنین به منظور استعدادیابی جوانان و نوجوانان و برای کشف استعداد آنها پرسشنامه ساخت یافته تنظیم گردید و ۵ کوچه به طور تصادفی انتخاب شدند و تعداد ۱۱۷ پرسشنامه توسط نوجوانان و جوانان تکمیل شد. در مرحله بسیج اجتماعی و جلسات با درگیران و تصمیم‌گیران از روش مصاحبه‌های ساخت یافته و گروه کانونی استفاده شد. همچنین دو نشست با اثرگذاران محله به منظور اولویت‌بندی آسیب‌های محله برگزار شد که با روش بارش افکار، اظهارات اثرگذاران به ثبت رسید. برای اجرای فرآیند از روش تیم‌سازی و گروه‌سازی و در برگزاری کارگاه‌ها نیز از روش بارش فکری، رسم نقاشی و درخت مساله و درخت هدف استفاده شد. در تمام فرآیند کار، مردم محله به صورت مشارکتی و محوری فعالیت داشتند.

۵- محدوده شناسی

محله جوی آباد واقع در غرب اصفهان و در شهرستان خمینی شهر قرار دارد. بافت محله از دو بخش جوی آباد قدیم و جوی آباد جدید تشکیل شده است که جوی آباد قدیم شامل بومیان محله و جوی آباد جدید را مهاجران محله تشکیل می‌دهند. در تصویر ۱، محله جوی آباد با رنگ زرد و محدوده عملیاتی آن مشخص شده است.



تصویر ۱: محدوده عملیاتی اقدام

این محله بین شهر اصفهان و شهرستان خمینی شهر قرار گرفته است و آسیب‌های این دو بخش را به دوش می‌کشد به همین دلیل محله جوی آباد برای اجرای اقدام اوقات فراغت مناسب شناخته شد زیرا محلات کم برخوردار با وجود آسیب‌های فراوان، مستعد به دام انداختن جوانان و نوجوانان است و برای انجام پروژه‌های کاهش آسیب‌های اجتماعی ضروری است که جمعیت جوان و در معرض آسیب در اولویت قرار بگیرند. همچنین این محله از ورزشکاران بسیاری در زمینه کشتی، شطرنج، فوتبال، دوچرخه سواری و کیک بوکسینگ برخوردار است که در مسابقات نیز مقام قهرمانی را کسب نموده‌اند و سرمایه‌های انسانی و پتانسیل‌های انسانی محله به شمار می‌روند. چنانچه پتانسیل نهفته در زمینه ورزشی در این محله به کارگرفته شود و الگوی مناسبی برای آن تعریف گردد، جوانان به ورزش روی می‌آورند و موجبات کاهش خشونت و اعتیاد را به همراه می‌آورد. فرصت‌های توان افزا و دارایی‌های شهری محله زمینه را برای اجرای اقدام آسان‌تر می‌کند. در این محله، با اینکه میزان دسترسی محله به پارک، سالن ورزشی و کتابخانه از حد متوسط بالاتر است اما برنامه ساماندهی شده‌ای در این محله وجود ندارد. این در حالی است که فرصت‌های توان افزای محله از وضعیت مناسبی برخوردار است و می‌توان از آن برای کاهش مشکلات اجتماعی استفاده کرد. موزه مردم‌شناسی جوی آباد، برج کبوترخانه، کلبه تاریخی حجت از جمله مکان‌های تاریخی محله به شمار می‌روند. زمین‌های بایر و مخروبه می‌توانند فرصت ساخت و سازهای فرهنگی و ورزشی را بوجود آورند. لذا این اقدام در محله جوی آباد اجرا گردید.

۶- یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از تمام شماری محله جوی آباد حاکی از آن است که جوی آباد قدیم شامل اقوام فارس ۳۱,۵ درصد از جمعیت و جوی آباد جدید شامل اقوام بختیاری ۵۹,۱ درصد از جمعیت، آذری‌زبان‌ها ۵,۶ درصد از جمعیت و سایر قومیت‌ها ۳,۶ درصد از

جمعیت را به خود اختصاص داده اند. به دلیل اینکه اولویت اقدام برای جوانان و جوانان در نظر گرفته شده است، جمعیت آماری آنان به این صورت است که افراد ۱۰-۲۰ سال زن ۲۲،۴۵ درصد و ۲۱-۳۰ سال ۲۸،۹۸ درصد از جمعیت را شامل می‌شوند همچنین افراد مرد ۱۰-۲۰ سال ۲۱،۵۵ درصد و ۲۱-۳۰ سال ۲۷،۷۱ درصد از جمعیت را تشکیل می‌دهند. همانطور که مشخص است درصد قابل توجهی را زنان و مردان نوجوان و جوان به خود اختصاص داده‌اند.

همچنین طبق نتایج طرح آسیب‌شناسی، نکته حائز اهمیت سرمایه فرهنگی پایین در محله است. سرمایه فرهنگی متشکل از میزان کتاب‌خوانی، رفتن به سینما، انجام فعالیت‌های هنری و ورزشی و ... است که نوجوانان و جوانان محله به دلیل مشکلات مالی یا عدم آگاهی و درک نامناسب از اوقات فراغت و همچنین نداشتن امکانات تفریحی مثل فرهنگ سرا و سینما از سرمایه فرهنگی پایینی برخوردارند.

علاوه بر پژوهش‌های آسیب‌شناسی و تمام شماری، نشست‌هایی در محله برگزار گردید. بر اساس جلسات و نشست‌های محلی با اثرگذاران در جهت اولویت‌بندی مسائل، مشکلات اصلی محله به ترتیب بیکاری جمعیت فعال محله، عدم وجود الگوی اوقات فراغت مناسب در محله، اعتیاد، خشونت و درگیری، اختلافات قومی و قبیله‌ای و زمین‌های بایر و نامنی حاصل از آن شناخته شد که همانطور که مشاهده می‌کنیم عدم وجود الگوی اوقات فراغت مناسب در محله اولویت دوم را به خود اختصاص داده است که نوجوانان و جوانان بسیار در معرض آسیب قرار گرفته‌اند.

در این اقدام پیش‌بینی شده است که با تشکیل گروه دوچرخه‌سواری و شطرنج در محله بتوان به اهدافی از جمله ایجاد آشتی محلی بین جوی آباد قدیم و جدید، فراهم نمودن فضا برای اقدام و همکاری مشترک جهت رفع تقابل جوی آباد قدیم و جدید، استفاده از فرصت‌های توان افزای محله، افزایش مشارکت اجتماعی، کشف استعدادها و ذائقه‌های فراغتی و ایجاد هویت اجتماعی و خود باوری دست یافت. گام‌های اساسی اقدام به شرح زیر است:

گام اول: حساس‌سازی: در ابتدای اجرای اقدام، به منظور حساس‌سازی در رابطه با مسئله عدم وجود الگوی اوقات فراغت در محله و وجود فرصت‌های توان افزا، غرفه‌ها و رویدادهایی برگزار گردید. غرفه کاردستی کودکان، رویداد کتابخوانی، رویداد ورزش و تربیت بدنی و برگزاری مسابقات ورزشی از جمله برنامه‌هایی بود که در محله اجرا شد. آموزش بهره مندی از اوقات فراغت هدفمند نیز به صورت کارگاه برگزار گردید. کارگاه‌های اوقات فراغت در دوران پیش از کرونا در مدارس و در دوران کرونا در فضای باز محله با حضور کودکان، نوجوانان و والدین برگزار شد. یکی از روش‌هایی که در مدارس برای برگزاری کارگاه استفاده شد، کشیدن نقاشی از اوقات فراغتی است که کودکان و نوجوانان انتظار دارند در محله وجود داشته باشد که با استقبال مدیران مدارس و دانش آموزان همراه شد و در تمام مدارس برگزار گردید. زمانی که کودکی یک فرد معتاد را در کنار پارک محله به تصویر می‌کشد، در واقع به شیوه کودکانه خود، خبر از امکانات کم و نامناسب در حوزه اوقات فراغت در محله می‌دهد. حتی اینکه در مبحث اوقات فراغت یک کودک ۸ ساله توانسته است اعتیاد را به عدم داشتن اوقات فراغت خود مرتبط کند، نشانه وجود آسیب‌های اجتماعی در محله است. یکی دیگر از روش‌های اصلی که در حساس‌سازی تأثیر بسیاری داشت تکمیل فرم‌های نیاز سنجی اوقات فراغت بود به این صورت که در هر کوچه همیاران اجتماعی، اوقات فراغت مورد علاقه کودکان و نوجوانان و ورزش‌هایی که تمایل به انجام آن در محله هستند را ثبت کردند و ۱۱۷ پرسشنامه در مورد ورزش مورد علاقه در محله تکمیل شد.

گام دوم: بسیج اجتماعی: خروجی حاصل از حساس‌سازی، ۳۰ نفر از افراد علاقه‌مند به شرکت در طرح اوقات فراغت بود که در سه جلسه طرح برای این افراد توضیح داده شد و پیشنهادات آنها با تکنیک بارش افکار در جهت نوع و شیوه برگزاری اوقات فراغت در محله ثبت شد. به همین ترتیب هسته ۳۰ نفره گسترده‌تر شدند و از میان این افراد تیم‌ها و گروه‌ها تشکیل شد و ورزش‌هایی که متقاضی بیشتری داشت انتخاب شدند.

گام سوم: سازماندهی و تیم‌سازی: تیم‌هایی که برای فعالیت در محله انتخاب شدند تیم شطرنج با هدف اوقات فراغت فکری و با هسته ۵ نفره تشکیل شد. و در تیرماه ۹۹ این تیم برنامه‌ریزی‌های خود را آغاز کرد. تیم دوم دوچرخه سواری بود که با هدف اوقات فراغت جسمانی و با ۱۰ نفر هسته اصلی تیم در تیرماه ۹۹ کار خود را آغاز کرد. تیم سوم تیم ساخت خانه شطرنج با هدف بسترسازی دائمی برای بازی شطرنج شروع به فعالیت کرد و هسته اصلی ۱۰ نفره این تیم از مهرماه ۹۹ فعالیت خود را آغاز کرد.

جدول شماره ۱: مشخصات تیم‌ها

تیم	اهداف	تعداد اعضای تیم	روش‌های جذب اعضا
تیم شطرنج	اوقات فراغت فکری	۵ نفر	فراخوان و همیاران اجتماعی و برگزاری غرفه و رویدادهای اطلاع‌رسانی
تیم دوچرخه سواری	اوقات فراغت جسمانی	۱۰ نفر	اطلاع‌رسانی از طریق اثرگذاران محلی و استفاده از تیم دوچرخه سواری سابق
تیم ساخت خانه شطرنج	بستر سازی برای بازی شطرنج	۱۰ نفر	فراخوان و همیاران

گام چهارم: جلسه با درگیران: این تیم‌ها جلساتی را برگزار کردند برای مثال تیم ساخت خانه شطرنج با هدف تقسیم وظایف و پیگیری وظایف اعضای گروه تشکیل شد زیرا برای گرفتن مجوز و تامین ملزومات ساخت و ساز، مراجعه به نهادهایی مانند شهرداری، اداره ورزش و جوانان و دیگر ارگان‌ها و همچنین تامین نیروی انسانی کارگر نیاز است به همین ترتیب جمع داوطلبین برای ساخت خانه شطرنج به ۸۰ نفر رسید.

گروه دوچرخه سواری هم‌کابان با تعداد ۱۳۰ نفر جلسات خود را با هدف زمانبندی رکاب زنی با دوچرخه و انتخاب مکان برگزار کردند. از مصوبات جلسه، گشت دوچرخه سواران در مکان‌های تاریخی اصفهان و خمینی شهر و همینطور گشت در اطراف آثار باستانی بود. این مکان‌ها برای نوجوانان و جوانان علاوه بر جنبه تفریحی، جنبه آموزشی نیز دارد. از مصوبات دیگر جلسات، گشت دوچرخه سواران هر ۱۵ روز یکبار بود. جاده سلامت نازوان، میدان نقش جهان، چشمه لادر خمینی شهر، سی و سه پل، پل خواجو، آرامگاه صائب، دردشت، بام سبز خمینی شهر و پارک نازوان از جمله مکان‌هایی بود که دوچرخه سواران در آن رکاب زدند. تیم شطرنج نیز با هدف انتخاب داور برای مسابقات و زمان برگزاری جلسات خود را تشکیل دادند و از مصوبات جلسه برگزاری مسابقات هر ماه یکبار بود و ۲۰ نفر تمایل خود را به برگزاری مسابقات شطرنج به صورت حرفه‌ای و نیمه حرفه‌ای نشان دادند و مسابقات در ۵ مرحله برگزار شده است.

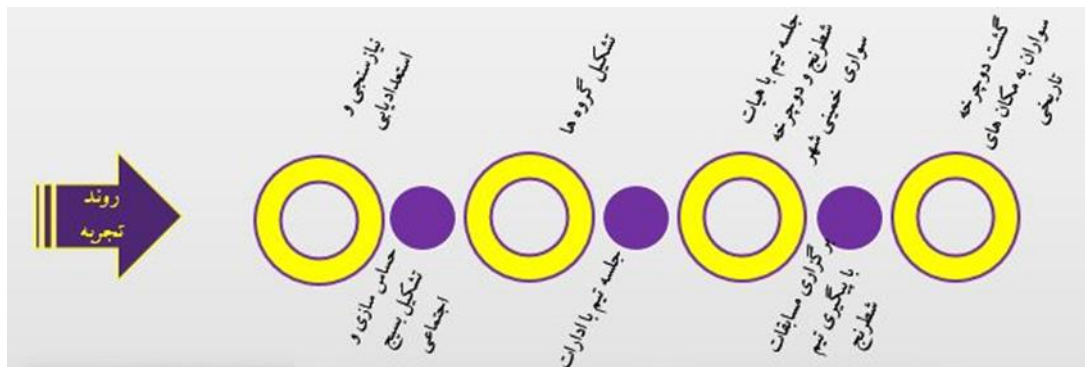
جدول شماره ۲: فعالیت درگیران مسئله

تیم	اهداف	خروجی جلسات تیم	تعداد جذب شده در گروه
تیم ساخت خانه شطرنج	تقسیم وظایف و تشکیل گروه	پیگیری و تقسیم وظایف جهت مراجعه به شهرداری و خرید مصالح	۸۰ نفر
تیم دوچرخه سواری	زمانبندی گشت با دوچرخه و تشکیل گروه	گشت به مکان‌های تاریخی اصفهان و خمینی شهر ۱۵ روز یکبار	۱۳۰ نفر
تیم شطرنج	انتخاب داور و زمان برگزاری مسابقات	برگزاری مسابقات ۱ بار در همراه	۳۰ نفر

گام پنجم: جلسه با تصمیم گیران: علاوه بر جلسات با تیم‌ها، جلساتی با تصمیم‌گیران نیز برگزار گردید. تصمیم‌گیران همان نهادهایی هستند که در برنامه‌های اجتماع محور نیز نقش اساسی و حمایت کننده دارند. آموزش و پرورش از جمله ارگان‌هایی بود که برای ساخت خانه شطرنج اعضای تیم به آن مراجعه کردند زیرا زمین مخروبه متعلق به مدرسه فلسطین است و برای استفاده از آن یک تفاهم نامه منعقد شد که طی آن زمین به مدت ۵ سال به صورت رایگان به اعضای تیم واگذار شد. با اداره ورزش و جوانان در خصوص ارتباط گیری با هیات دوچرخه سواری و هیات شطرنج خمینی شهر جلسه‌ای برگزار شد. در جلسه‌ای که با رییس هیات دوچرخه سواری برگزار شد درخواست تامین بیمه و کلاه ایمنی دوچرخه سواران مطرح شد اما متأسفانه به دلیل عدم وجود ردیف بودجه‌ای به سرانجام نرسید.

در جلسه‌ای که با رییس هیات شطرنج خمینی شهر برگزار شد، درخواست حضور داور از سوی تیم مطرح شد اما داور فقط یک جلسه در مسابقات حضور داشت و داوران مسابقات بعد از برندگان مسابقات قبلی انتخاب شدند؛ در واقع از سرمایه‌های انسانی محله برای برگزاری مسابقات استفاده شد.

در جلساتی که اعضای تیم با شهرداری برگزار کردند توانستند اعتباراتی از جمله تخلیه نخاله‌های ساختمانی و تخصیص مصالح ساختمانی از جمله آجر به زمین شطرنج و ورزشگاه بانوان در محله اختصاص دهند. در این طرح همکاری و مشارکت مردم محله بسیار افزایش یافت.



تصویر ۲: فرآیند طرح

اثرگذاری اقدامات: از نتایج این اقدام می‌توان به تشکیل گروه دوچرخه سواری و شطرنج اشاره کرد همچنین مشارکت برای ساخت خانه شطرنج از نتایج دیگر این اقدام بود. به عبارت دیگر از نتایج این اقدام جلب مشارکت‌های مردمی برای ساخت‌های عمرانی محله، استفاده از فرصت‌های توان‌افزا مانند زمین بایر در محله، استفاده از سرمایه‌های انسانی با استعداد در محله، افزایش خودباوری و به‌کارگیری استعدادهای جوانان و نوجوانان، افزایش روابط جوانان و نوجوانان بین جوی آباد قدیم و جدید، افزایش مشارکت اجتماعی در محله، افزایش نشاط اجتماعی، بازدید از مکان‌های تاریخی محل است که امیدواریم در آینده شاهد کاهش خشونت و تقویت بعد ورزشی در محله باشیم. در تامین اعتبارات نیز مردم محلی با مشارکت‌های خود سهم بیشتری نسبت به نهادها داشتند و این نشانه روحیه مشارکتی مردم محله جوی آباد و همچنین انگیزه ورزشی مردم محله می‌باشد. پروژه‌های اجتماع محور حس تعلق مردم محلی را نیز افزایش می‌دهد زیرا نتایج بوجود آمده حاصل تلاش‌های مردمی است. فرآیند انجام کار با چالش‌هایی همراه بود. برای ساخت خانه شطرنج، رضایت همسایگان به دلیل آلودگی‌های صوتی از چالش‌هایی بود که اعضای تیم با آن مواجه بودند و با واسطه‌گری اثرگذاران و معتمدین محله، جلب رضایت صورت گرفت. چالش دوم عدم وجود مکان استاندارد برای برگزاری مسابقات شطرنج بود که ساخت خانه شطرنج راه حل این مشکل بود. چالش سوم عدم تامین بیمه دوچرخه سواران بود که سرانجام اعضای تیم همکاران با ورزشگاه محلی ستارگان برای تامین بیمه قراردادی منعقد کردند زیرا بیمه دوچرخه سواران باید از سوی یک باشگاه ثبت گردد. لازم به ذکر است که وجود بیمه ورزشی برای یک تیم، می‌تواند تیم را مستحکم کند و اعضا خودشان را ملزم به مشارکت می‌داند. در چالش و عدم همکاری ارگان‌ها نیز اعضای تیم توانستند با رایزنی‌ها و حساس‌سازی‌های خود، ادارات را در هدف مشترک خود سهیم کنند. همچنین فرمانداری خمینی شهر اصفهان نیز توانست در رابطه بین اعضای تیم و ارگان‌ها تسهیلگر موثری باشد.

۷- نتیجه گیری

تأثیرپذیری اجتماعات محلی در محلات حاشیه‌نشین به واسطه بهره‌برداری آنها از استراتژی‌های اجتماع محور مانند ورزش و برنامه‌های تقویت کننده فراغت باعث بالا رفتن مشارکت شده و ظرفیت‌هایی که در فرهنگ محلی نهفته هستند را افزایش می‌دهد. پژوهشگر برای بسط چنین رویکردی استراتژی‌های را به کار گرفته است که برای مردم حاشیه قابل دسترسی و مقرون به صرفه هستند. این استراتژی‌ها دائمی هستند و نه تنها توان بالقوه برای پرورش تغییر سیستماتیک را دارند، بلکه باعث بهبود کیفیت زندگی می‌شود و می‌تواند با سیاست‌هایی که با منابع محدود ارائه می‌شوند نیز همکاری کند. چنین اقدامی که نقش تقویت کننده نهادهای مدنی را ایفا می‌کند، نقش مهمی در ایجاد رویکردهای سلامت اجتماعی، که قابل استفاده برای محله‌های فقیرنشین شهری هستند، ایفا می‌کند. چنین رویکردهایی، روش جدیدی برای تفکر ارائه می‌دهد که این روش به ارتقاء استفاده از ورزش به عنوان یک ابزار آموزشی، یا فضایی که در آن مردم می‌توانند مهارت‌های لازم را کسب کنند و به تولید دانش در زمینه مسائل محلی مربوط به سلامت اجتماعی بپردازند، کمک می‌کند. این اقدامات باید در سایر مناطق نیز ارائه شوند و باعث پیشرفت و تقویت آن‌ها شوند. یک گام مهم برای دولت حمایت از چنین طرح‌هایی از طریق تخصیص بودجه است که باعث می‌شود برنامه‌های ورزشی علاوه بر فعالیت‌های خود، فعالیت‌های خدماتی دیگر را نیز در برگیرند. این تحولات، سودمندی خود را برای جوانان و جوامع، هم در مناطق شهری مرفه و هم حاشیه‌نشین، تضمین می‌کند. این اقدام بر دو رویکرد استوار شد:

رویکرد جامع نسبت به تغییرات اجتماعی: توسعه ورزش همگانی و غنی‌سازی فراغت در محلات حاشیه‌نشین همچون جوی آباد نیازمند رویکردی جامع با توجه به مسائل محیطی و حساس نسبت به مسائل و آسیب‌های اجتماعی است. اگرچه بسیاری از فعالیت‌های دفتر تسهیلگری در این محله در راستای ایجاد آگاهی و حساس‌سازی در مورد مسائل و آسیب‌های اجتماعی مثل اعتیاد، خشونت و مسائل مربوط به سلامت است، اما توجه به سایر عواملی که رفاه و اشتغال جوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بایستی اولویت‌بندی شوند. برای مثال، پژوهشگر از طریق شناسایی بسیاری از نوجوانانی که به دلیل عدم توانایی در پرداخت هزینه‌های فراغتی و دسترسی به امکانات ورزشی، از ظرفیت‌های و پتانسیل‌های موجود و همچنین مشارکت اجتماعی برای بهبود آن استفاده کرده است، اما نباید از نقش و مسئولیت بخش‌های دولتی و عمومی غافل شد. بنابراین حساسیت‌زایی نسبت به مسائل تنها به مردم و اجتماعات محلی محدود نشده و نیازمند همکاری و بسیج اجتماعی نهادهای دولتی و همچنین سازمان‌های مردم‌نهاد برای ریشه کن کردن این مشکلات است.

رویکرد تأکید بر تلاش جمعی: پژوهشگر بر رویکرد اجتماع محور نسبت به مسائل اجتماعی تأکید می‌کند. او با تشویق همکاری، کنترل‌های اجتماعی از طریق مشارکت اجتماعی مبتنی بر ظرفیت‌های بومی را تقویت می‌کند. تأکید بر همکاری درون اجتماع محلی را می‌توان در روابط بین فردی، که در اجتماع شکل می‌گیرد، نیز مشاهده کرد. بنابراین پژوهشگر جوانان را مجهز به شبکه‌های اجتماعی کرده است که از پیش وجود داشته که این امر به آن‌ها کمک کرد بهتر از عهده فقدان برخی ناکارآمدی‌های پیشین و انباشت شده درون اجتماع محلی فایز آیند.

در همین زمینه نهادهای متولی مثل ادارات ورزش و جوانان و حتی فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز می‌تواند فعالیت‌های مشابهی را در برنامه‌های استراتژیک خود به وجود آورد تا از دسترسی وسیع به این برنامه‌ها مطمئن شود. تبلیغات سلامت اجتماعی باید به

عنوان رویکردهای چند وجهی توصیف شوند، که علاوه بر رفاه جسمانی، بر دیگر زمینه‌ها مانند آموزش و توانمندسازی اقتصادی و جامعه‌سازی تمرکز می‌کنند.

نهادهای آموزشی و فرهنگی نیز می‌تواند از تجربیات این اقدام، بخصوص اینکه یادگیری مؤثر از طریق ورزش و فعالیت‌های فراغتی تسهیل می‌یابد، بهره ببرند. استفاده از فوتبال، بازی‌های حرکتی، نمایش و موسیقی از جمله راه‌های مؤثر ایجاد دانش هستند. مدارس نیز می‌توانند با تکمیل اطلاعات سلامت به روش‌های خلاقانه در برنامه‌های درسی خود از الگوی این دفاتر بهره بگیرند.

نهایتاً و مهم‌تر از همه اینکه لازم است تحقیقات بیشتری در زمینه ورزش، جوانان و فراغت با هدف توسعه ابزارهای اندازه‌گیری، که قابل استفاده در ارزیابی اثربخشی برنامه هستند، انجام گیرد.

منابع

1. تمیزی فر، ریحانه و عزیزی مهر، خیام(۱۳۹۶)، « بررسی رابطه بین اوقات فراغت و نشاط اجتماعی در شهر اصفهان»، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال دوم، شماره ۶: ۲۱۰-۲۳۱.
2. شعاعی، فرانک (۱۳۷۷)، « بررسی ارتباط چگونگی گذران اوقات فراغت تابستانی و میزان علاقه‌مندی نوجوانان دختر با مشخصات فردی آن‌ها در دبیرستان‌های دخترانه منطقه ۱۱ شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی تهران.
3. عابدینی، صمد؛ طالبی، شیدا. (۱۳۹۶)، «عوامل اجتماعی - فرهنگی مرتبط با میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی در خلخال»، نشریه جامعه‌شناسی کاربردی، مقاله ۹، دوره ۲۸، ش ۱، شماره پیاپی ۶۵، بهار: ۱۴۴-۱۳۱.
4. فرج‌اللهی، نصرت‌الله (۱۳۷۳)، « بررسی جایگاه تربیت بدنی در گذران اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
5. قربانی، اسماعیل؛ شعاعی، مریم و فیض‌آبادی، حسین (۱۳۹۴)، « تبیین اوقات فراغت جوانان به عنوان مکانیزمی برای کاهش مصرف مواد مخدر»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال ششم، شماره ۱۹: ۱۲۱-۱۳۶.
6. منصور، مریم؛ فرزام، فرزانه و حمیدی، مهرزاد (۱۳۹۹)، « تدوین مدل اوقات فراغت دانشجویان کشور»، رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی، دوره ۸، شماره ۲۸: ۱۳۱-۱۴۵.
7. مهرداد، حسین (۱۳۹۰)، « چگونگی و آسیب‌شناسی اوقات فراغت نوجوانان ۱۲ تا ۱۷ ساله استان لرستان»، نوآوری‌های مدیریت آموزشی، دوره ۷، شماره ۱: ۱۲۳-۱۴۰.
8. Andrew, F.M. & S.B. Withey. (1976). Social Indicators of WellBeing: Americans Perceptions of Life Quality. New York, Plenum Press.
9. Dodoo, F. N., Sloan, M., & Zulu, E. M. (2002). Space, context, and hardship: Socializing children into social activity in Kenyan Slums. In S. Agyei-Mensah & J. Casterline (Eds.), Reproduction and social context in Sub-Saharan Africa. A collection fomicro-demographic studies (pp. 01-14). Westport: Greenwood.
10. Ester Cerin, Eva Lesli. (2008).” How cimonocoicoS Status Contributes to Participate in Leisure – time”, Journal of Social Science and Medicine,
11. Melkote, S. (2000). Reinventing development support communication to account for power and control in development. In K. G. Wilkins (Ed.), Redeveloping communication for social change: Theory, practice, and power (pp. 8- 0). Lanham: Rowman and Littlefield.
12. Piotrow, P. T., & Kincaid, D. L. (2001). Strategic Communication for International Health Programs. In R. E. Rice and C. K. Atkin (Ed.), Public Communication Campaigns (rd ed., pp.). Sage
13. Sakkthivel, AM. (2012). Empirical Investigation of Determining Monetary and Non-Monetary Styles of Leisure Behavior Deriving Happiness. Journal of Services Research, Volume 11, Number 2.
14. Singhal, A., & Rogers, E. (1999). Entertainment-education: A communication strategy for social change. Mahwah: Lawrence Erlbaum. United Nations. (2005). A year of sports. http://www.un.org/sport2007/a_year/ayeart_for.html. Accessed yaM 2007.
15. Steven, Philipp. (2000). Race and the Pursuit of Happiness. Journal of Leisure Research, 32:1, pp. 121-124
16. Wilkins, K. G. (2000). Accounting for power in development communication. In K. G. Wilkins (Ed.), Redeveloping communication for social change: Theory, practice, and power (pp. 81- 4). Lanham: Rowman and Littlefield.
17. Zumarova, Monika(2015) ”Computers and s'herdlih leisure time” Procedia-Social and Behavioral Sciences176:779-786.

ISSN: 2645-4475

فصلنامه مطالعات کارپردی در
علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی: ۱۹)، بهار ۱۴۰۱، جلد دو

بررسی عوامل مؤثر بر ناسازگاری زوجین در زندگی مشترک در خانواده‌های شهر کاشان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

کد مقاله: ۱۰۰۹۸

اسداله بابایی فرد^{۱*}، احسان صنعتکار^۲، عطیه رحمانی پور^۳

فاطمه راهب^۳، محبوبه ثابت جعفری^۳، منیره شفیعی^۳،

فریبا چایدوست^۳

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر ناسازگاری زوجین در زندگی مشترک در خانواده‌های شهر کاشان پرداخته است. در این پژوهش از نظریات همسان همسری، مبادله، شبکه، منزلت اجتماعی و کنش متقابل استفاده شده است. در این پژوهش از روش پیمایش اجتماعی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه زوجین ناسازگار شهر کاشان بوده است. حجم نمونه‌ی پژوهش، با استفاده از فرمول کوکران، برابر با ۳۰۰ نفر تعیین شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بین متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، مسائل اقتصادی، میزان اختلاف و تفاوت‌ها، عوامل مؤثر بر نارضایتی از زندگی و میزان دخالت اطرافیان (به عنوان متغیرهای مستقل پژوهش) با رضایت از زندگی زناشویی (به عنوان متغیر وابسته‌ی پژوهش) رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. اما بین متغیر مقایسه دوران تأهل و مجرد با رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و معکوس است. همچنین، تحلیل رگرسیونی نشان داد که، از میان متغیرهای وارد شده در معادله‌ی رگرسیونی، متغیرهای میزان اختلاف و تفاوت‌ها، متغیر میزان دخالت اطرافیان، متغیر عوامل مؤثر در نارضایتی و متغیر مقایسه دوران تأهل و مجرد تأثیرگذارترین متغیرها بر متغیر وابسته بوده است.

واژگان کلیدی: ناسازگاری زوجین، طلاق عاطفی، رضایت از زندگی، مسائل اقتصادی.

۱- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) babaiefardm@gmail.com

۲- کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه کاشا

۳- کارشناس جامعه‌شناسی

خانواده نوعی نظام اجتماعی و عاطفی است که کانون رشد و آرامش اعضای آن است. نهاد خانواده عامل همبستگی، شرط تعادل اجتماعی و نخستین نهاد جامعه است که با تغییرات در فضای خانواده، فضای اجتماعی جامعه نیز می تواند تغییر یابد. ازدواج با ایجاد تغییراتی در دیدگاه فرد نسبت به خود، همسر و جهان مرتبط می باشد. ازدواج در همه جوامع یک نهاد مهم شمرده می شود و داشتن زندگی زناشویی موفق تقریباً برای هر فردی یک هدف عمده و آرمانی به شمار می رود (میرز و همکاران، ۲۰۰۵)، به طوری که در پژوهش وایت و گالگر (۲۰۰۰) نشان داده شد که ۹۳ درصد افراد مورد مطالعه، داشتن ازدواج شاد را یکی از اصلی ترین اولویت های زندگی خویش می دانستند و بر این باور بودند که ازدواج یک تعهد مادام العمر است که جز در حالت های اضطراری نباید به آن پایان داد. فردی که ازدواج می کند در زمینه های روانی، بین فردی و اجتماعی تحت تأثیر تغییراتی قرار می گیرد. بنابراین اگر اختلال مهمی در ازدواج فرد رخ دهد، سایر ساحت ها نیز تحت تأثیر قرار می گیرد. تحولات اجتماعی دهه های گذشته در سطح جهانی، نظام خانواده را با تغییرات، چالش ها، مسائل و نیازهای جدید و متنوعی روبرو کرده است. طی این مدت خانواده به شکلی فزاینده به علل و عوامل متعدد و پیچیده ای در معرض تهدید قرار گرفته است. وقتی کارکردهای خانواده، از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می بیند، اعضای آن به تدریج احساس رضایتمندی خود را از دست می دهند. کاهش تدریجی رضایتمندی اعضای خانواده، ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت این گسستگی می تواند به طلاق منجر شود. اگرچه طلاق از نظر اجتماعی یک آسیب به حساب می آید و از عوامل گسستگی و از هم پاشیدگی کانون خانواده است، ولی به علل مختلفی همه ازدواج ها دوام ندارند و برخی به طلاق ختم می شوند. اما طلاق امری ناگهانی و آنی نیست که زوجین بتوانند به سرعت به این تصمیم برسند بلکه معمولاً طی یک دوره و فرایند مدت دار به این نتیجه می رسند که در مدت این فرایند دچار ناسازگاری های متعددی می شوند.

تعارضات زناشویی و طلاق، تهدیدهایی جدی برای واحد زناشویی هستند که ثبات و کیفیت ازدواج را به چالش کشیده و باعث بروز پیامدهای منفی روانی، جسمانی، اجتماعی و اقتصادی می شوند. تأثیر منفی بر سلامت جسمانی، افسردگی و بهره وری پایین در کار (مارکمن و همکاران، ۱۹۹۴) از جمله این پیامدها برای بزرگسالان به شمار می آید. علاوه بر آن تعارضات زناشویی برای فرزندان نیز عواقب منفی شدیدی دارند. رضایت از ازدواج و سازگاری زناشویی در تداوم آن نقش مهمی دارد. زیرا وجود ناسازگاری در روابط همسران به دشوار شدن وظایف والدینی، کاهش میزان سلامت جسمانی و بهداشت روانی همسران، کم شدن میزان رضایت از زندگی، احساس تنهایی بیش تر و اشکال در روابط اجتماعی می انجامد. ناسازگاری سبب می شود تا روابط صحیح میان اعضای خانواده به صورت عمومی از بین برود و نتیجه عدم روابط صحیح میان افراد، ایجاد اختلال در فرایند زندگی است به گونه ای که فرد در بلندمدت دچار آسیب های روانی می شود. ناسازگاری زوجین همواره در میان تمامی خانواده ها بوده است اما در اینجا منظور از ناسازگاری زوجین آن دسته از ناسازگاری است که بلندمدت بوده و باعث ایجاد گسستگی زوجین از یکدیگر می شود و می تواند به طلاق عاطفی ختم شود. امروزه ناسازگاری زوجین، یکی از مسائل مهم و آشکار در فضای عمومی جامعه است. ناسازگاری زوجین، در واقع زمینه ساز طلاق عاطفی و طلاق رسمی است. ناسازگاری زوجین جلوه ها و علت های متعدد و متفاوتی دارد. ناسازگاری زوجین مفهومی متغیر است که معیار یکسان در تعریف آن ارائه نشده است (ایشلمن، ۱۹۸۸: ۴۱۹). به طور عمومی سازگاری فرد با جنس مخالف در روابط میان زوجین به شدت تحت تأثیر عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و روانی است که ناهماهنگی این عوامل می تواند ناسازگاری زوجین را ایجاد نماید (ناک، ۱۹۸۷: ۱۳۴). خانواده های امروزی به دنبال تغییر در الگوهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و ... دچار چالش های متعددی از جمله ناسازگاری زوجین شده اند. به گونه ای که روابط میان خانواده، میان والدین، میزان رشد جمعیت، نقش های اجتماعی و فرهنگی درون خانواده و نظایر آن، منجر به ایجاد بحران در خانواده شده است. از طرفی نیز تغییر الگوها بالا رفتن میزان مصرف در خانواده، ناهماهنگی میان درآمدها و هزینه های جاری خانواده، تأثیر تکنولوژی های نوین همچون شبکه اینترنت، تلویزیون های ماهواره ای، فضای مجازی و ... باعث بروز نسبی ناسازگاری میان زوجین شده است. این در حالی است که امروزه و به خصوص در نسل جدید ازدواج ها از روی علاقه و عشق و محبت صورت می گیرد و برخلاف نسل های پیشین دو طرف شناخت نسبی از یکدیگر دارند اما در طول زندگی مسائلی رخ می دهد که منجر به ناسازگاری میان آنان می شود. در واقع علی رغم تلاش زوجین بیشتر به دلیل وجود فرزندان، برای رسیدن به مرحله طلاق رسمی، تقریباً نیمی از کل پیوندهای زناشویی به ناسازگاری و درصد بالایی از مابقی نیز به طلاق عاطفی منجر می شود (باباسالاری، ۱۳۹۱: ۴). از این رو، برای پیشگیری از وقوع ناسازگاری میان زوجین و کاهش آن در نهاد خانواده، باید عوامل مؤثر در گرایش به ناسازگاری را شناسایی و برای حذف یا کم رنگ کردن این عوامل تلاش نمود. بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر شناخت و بررسی عوامل مؤثر بر ناسازگاری زوجین در زندگی مشترک خانواده ها در شهر کاشان است.

۲- پیشینه تجربی تحقیق

عباسی و ارشاد (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و روانی مؤثر بر ناسازگاری زناشویی در شوشتر» انجام دادند. این پژوهش که با روش پیمایش و پرسشنامه محقق ساخته صورت پذیرفت، دارای جامعه آماری ۴۵۳ نفری بوده است. از تحقیق شامل ۹ فرضیه اساسی بوده است. نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که میان متغیرهای رضایت‌مندی شغلی و برون‌گرایی با ناسازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین میزان نوگرایی، شیوه جامعه‌پذیری دموکراتیک، میزان تقدیرگرایی، میزان عام‌گرایی، بهزیستی روانی و میزان تعلق دینی با ناسازگاری زناشویی رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. ابراهیم پور و همکاران (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان «عوامل اجتماعی مرتبط با ناسازگاری زناشویی در بین زوج‌های مراجعه کننده به دادگاه خانواده مشکین شهر» انجام داده‌اند. این مقاله که با روش پیمایش و با جامعه نمونه ۲۸۰ نفری صورت پذیرفته است از نظریات کارکردگرایی، همسان همسری، ناهمسان همسری، شبکه و مبادله بهره گرفته است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که میان ناکامی‌های زوج‌ها از زندگی مشترک، دخالت دیگران در زندگی زوج‌ها، میزان دینداری و اختلاف سنی زوج‌ها با ناسازگاری زناشویی ارتباط معناداری دارد. میزان ناسازگاری زوجین بر حسب درآمد خانواده، سطح تحصیلات و نوه شغل زوج‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد. میزان ناسازگاری زوجین در بین زوج‌های دارای اعتیاد بیش از زوج‌های غیرمعتاد است.

مسعودی اصل و راد (۱۳۹۵) مطالعه‌ای با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با ناسازگاری زناشویی در شهر تبریز» انجام داده‌اند. این مطالعه با روش پیمایش و با جامعه آماری ۲۰۰ زن ناسازگار ۱۵ تا ۵۰ ساله صورت پذیرفته است. بر اساس یافته‌های به دست آمده از این مطالعه ناکامی جنسی بیشترین ارتباط را با ناسازگاری زوجین داشت و در مجموع میزان ناسازگاری زوجین توسط متغیرهای ناکامی جنسی، پایبندی‌های مذهبی و پایگاه اجتماعی پایین تبیین می‌شود. همچنین ناکامی جنسی با ناسازگاری زوجین رابطه‌ای مستقیم و از طرف دیگر پایبندی مذهبی با ناسازگاری زوجین رابطه‌ای معکوس دارد.

ایکبو و رایت (۱۹۹۰) پژوهشی با عنوان «ازدواج‌های عاشقانه و تحمیلی» انجام داده‌اند. نمونه این تحقیق ۵۸۶ نفر از زنان ۲۲ تا ۷۰ ساله برده و هدف آن بررسی تغییرات ازدواج تحمیلی به ازدواج با انتخاب آزادانه بوده است. نتایج نشان داد، مادامی که جوانان هر چه بیشتر به فرایند انتخاب همسر فائق آیند و خود تصمیم گیرنده باشند، نقش والدین در انتخاب همسر به سرعت رو به کاهش خواهد گذاشت. پاسخگویان به قدرت رسیدن کمونیست‌های چین در سال ۱۹۹۹ را عامل مهمی در تغییر ازدواج سنتی به مدرن تلقی می‌کنند. این حزب، سیستم ازدواج اجباری را که در آن خواست و تمایل فرزندان در امر ازدواج نادیده گرفته می‌شد را به شدت مورد انتقاد قرار داده و اعلام کردند که ازدواج باید بر مبنای خواست کامل دو طرف باشد. ایکبو و رایت در قسمت دیگری از تحقیقی خود به عدم گسترش فرهنگ معاشرت اشاره می‌کنند. آن‌ها در این مورد به این نتیجه رسیدند که علیرغم تغییرات در شیوه انتخاب همسر در چین، در بین جوانان چینی، گرایش کمی به فرهنگ معاشرت در رابطه عاشقانه قبل از ازدواج با شریک‌های مختلف دیده می‌شود.

آلن بوث و همکاران (۱۹۹۵) پژوهشی با نام «آیا مذهب در ازدواج امروزی تأثیر دارد» انجام داده‌اند. در این تحقیق تأثیر تغییرات مذهبی بر کیفیت زندگی و بر عکس انجام شده است. نمونه ۱۰۰۸ نفر از افراد متأهل بودند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که افزایش فعالیت مذهبی روابط ازدواج را بهبود نمی‌بخشد و دیگر اینکه اعتقادات مذهبی، شادی ازدواج و یا روابط متقابل را افزایش نمی‌دهد. همچنین کشمکش و مشکلات معمول را که باعث طلاق می‌شود را کاهش نداده بود. از سوی دیگر افزایش در شادی ازدواج تا حدی دو تا از پنج بعد مورد نظر مذهبی بودن را افزایش می‌دهد. و در آخر شرکت در کلیسا که بوسیله افزایش در تعاملات ازدواجی تأثیر می‌پذیرد و به طور معمول رابطه بین مذهب و کیفیت زندگی به طور دو طرفه ضعیف می‌باشد.

دوگرف (۲۰۰۰) در پژوهشی با عنوان «نقش تربیت اجتماعی افراد (پیشینه خانوادگی افراد در خانواده و تأثیر آن بر اختلافات والدین و فرزندان» انجام داده است. جامعه نمونه ۱۲۷۰ نفری در ایالت ویرجینا نشان داد که کودکانی که در خانواده بسیار مورد حرمت و پذیرش قرار گرفته‌اند به نوعی لوس بار می‌آیند و در آینده به افرادی پرخاشگر تبدیل می‌شوند. همچنین تربیت صحیح و منطقی بر اساس تحصیلات و سواد علمی در کاهش اختلافات زناشویی مؤثر است.

کرادوک (۲۰۰۲) پژوهشی با عنوان «بررسی مقوله‌های مؤثر بر رضایت زناشویی» انجام داده است. نتایج نشان داد که بین رضایت زناشویی با مؤلفه‌های هم‌سوئی در اعتقادات مذهبی، مسائل شخصیتی، توانایی حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، نگرش درباره نقش‌های زناشویی، و هم‌گرایی در مسائل مربوط به فرزندان، ازدواج، خانواده و دوستان همبستگی مثبت وجود دارد. همچنین او به این نتیجه رسید که همسرانی که رضایت زناشویی بالاتری داشتند، از انعطاف‌پذیری متعادل و همبستگی بالایی برخوردار بودند.

۳- مبانی نظری تحقیق

۳-۱- نظریه همسان همسری

همسانی میان دو فرد، نه تنها آنان را به سوی یکدیگر جذب می‌کند بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوار می‌سازد. به سخن دیگر، ناهمسانی میان دو همسر سرچشمه کشمکش‌های خانوادگی است. به عقیده هیل، افراد مایلند همسری برگزینند که بیشتر همسانشان باشد تا ناهمسانشان و چنانچه این قاعده به دلایلی رعایت نگردد، احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری و در نهایت جدایی می‌شوند. باورمن می‌گوید انسان دانسته یا ندانسته در پی گزینش همسری است که صفاتی همگون با او داشته باشد. افراد، در تمامی سنین در میدانی فراخ تر از آن که تصادف بتواند بر آن کارگر باشد، با کسانی وصلت می‌کنند که از نظر موقعیت زناشویی همانند خودشان باشد. به گمان لاک و برگس بخت هر فرد بیشتر در راستای ازدواجی همسان‌گزینه‌ها عمل می‌کند تا ناهمسان‌گزین. وود در اثرش، ازدواج از دیدگاه مذهبی، می‌گوید؛ هر قدر همگونی میان دو همسر از نظر مذهب و نژاد کمتر باشد، اختلاف و کشمکش ایشان بیشتر است. شنگ و یامورا بر این باورند که هر قدر پیوندهای قومی و فرهنگی میان زن و شوهر محکم تر باشد، خطر جدایی به مراتب در میان ایشان کم تر است. به طور کلی، هر قدر درجه همگونی همسران بیشتر باشد، زناشویی آنان استوارتر و پایدارتر است (ساروخانی، ۱۳۸۶: ۴۰). در مجموع، می‌توان گفت که تقریباً تمامی نظام‌های همسرگزینی، متمایل به ازدواج همسان هستند که این خود می‌تواند نتیجه تمایل به معامله‌گری و مبادله ارزش‌های معنوی و دارایی‌های مادی باشد. نظریه همسان همسری، استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگی‌های همسان میان زن و شوهر می‌داند. این درحالی است که براساس ناهمسان همسری که ازدواج نماید احتمال تشدید اختلافات و ناسازگاری میان آنان بیشتر است.

۳-۲- نظریه مبادله

انسان‌ها همواره در زندگی خود با دیگران در ارتباط متقابل هستند و سعی می‌کنند که در این ارتباط، برای خود نفعی به دست آورند. هر گونه ارتباط با دیگران در حکم نوعی مبادله است. نظریه مبادله، سعی دارد نشان دهد که رفتار بر حسب پاداش‌هایی که دریافت کرده و هزینه‌هایی که به همراه می‌آورد، تغییر می‌کند. رفتارهای مورد نظر در این جا، رفتارهایی هستند که بین دو شخص تعامل ایجاد می‌کنند، یعنی رفتارهایی که در آن‌ها بین دو شخص تبادل وجود دارد و هر دو نفر پاداش‌ها و هزینه‌های ناشی از تبادل را محاسبه می‌کنند. طبق اصل عدالت، تعامل زمانی حفظ می‌شود که رابطه پاداش‌ها و هزینه‌های طرفین، برابر باشد. در واقع، فرد آنچه را که برای یک رابطه هزینه می‌کند و آنچه را که از آن به دست می‌آورد، با یکدیگر مقایسه می‌کند؛ سپس نتیجه را با آنچه از نظر او طرف مقابل به دست می‌آورد، مقایسه می‌کند. اگر احساس نابرابری کند، احتمالاً این رابطه با خطر مواجه خواهد شد. برای تبیین روابط بین زن و شوهرها و نیز روابط بین گروه‌هایی که باید برای رسیدن به توافق مذاکره کنند، از دیدگاه مبادله اجتماعی استفاده می‌شود (بدر و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۶). بدین ترتیب از دیدگاه این نظریه، روابط بین زن و شوهر هم یک نوع مبادله محسوب می‌شود که از ابتدای زندگی شروع می‌شود اگر حقوق متقابل آنان را به عنوان پاداش و هزینه تلقی کنیم، زندگی آن‌ها بر مدار مبادله متقابل جریان می‌یابد. از طرف دیگر، عدم برابری هزینه و پاداش برای زوجین، منجر به احساس بی‌عدالتی و نابرابری در مبادله می‌گردد و در نهایت، منجر به گسست روابط متقابل و ناسازگاری زوجین می‌شود. برای مثال، زمانی که هر یک از زوجین هزینه‌های یک رابطه را بیشتر از منافع آن ارزیابی کنند، این نظریه پیش‌بینی می‌کند که این شخص به رابطه مذکور خاتمه خواهد داد. در واقع، پنداشت فرد از سود یا زیانی که در زندگی زناشویی بدین ترتیب، هرچه خود به دست می‌آورد، اهمیت پیدا می‌کند (جلیلیان، ۱۳۸۷: ۴۴). پاداش‌هایی که یکی از زوجین از زوج دیگر دریافت می‌کند، از پاداش‌هایی که پرداخت می‌کند کمتر باشد (به طور واقعی یا خیالی)، و یا هزینه‌های پرداختی یکی از زوجین به زوج دیگر، یا حتی کل خانواده بیشتر از حد واقعی یا مورد انتظار باشد، حالت زیان‌دیدگی به فرد دست می‌دهد. در این وضعیت، او خود را در مقام یک فرد زیان‌دیده می‌بیند که پایان دادن به رابطه زناشویی، به عنوان یکی از راه‌حل‌های اساسی برای دستیابی به پاداش یا حداقل فرار از پرداخت هزینه‌های بیشتر، برایش ارزشمند می‌گردد. بنابراین در جامعه‌ای که قانون زناشویی سود اندکی را برای فرد به همراه می‌آورد، به ویژه وقتی فرد می‌تواند نیازهای خود را با هزینه‌ی کمتری از طرق دیگر به دست آورد، نگرش نسبت به طلاق مساعدتر می‌گردد. جامعه‌ای که قانون خانواده را صرفاً ابزاری برای ارضای غرایز و عواطف جنسی می‌داند، و از طرف دیگر راه را برای ارضای این نیازها از طرق دیگر و با هزینه‌ی کمتر باز می‌گذارد، باید منتظر نگرش سهل‌گیرانه‌تر افراد آن جامعه به طلاق و به تبع آن، افزایش روز افزون آمار طلاق باشد. در واقع این شرایط در ابتدا منجر به ایجاد ناسازگاری میان زوجین شده و سپس هنگامی که فرد برای ضرردهی رابطه اثبات شد در میان مدت به دنبال راهکار طلاق می‌اندیشد.

۳-۳- نظریه شبکه

این نظریه، هر نظریه غیرساختاری را که فرایندهای اجتماعی را ناشی از جمعی از کنشگران فردی، گرایش های شخصی و هنجارهای درونی شده می داند، رد می کند. یکی از چهره های مشهور نظریه شبکه، الیزابت بات، درجه تفکیک نقش های زن و شوهر را با میزان تراکم شبکه ای که زوجین، بیرون از خانه برای خود حفظ می کنند، همبسته می داند. هرچه ارتباط ایشان با شبکه های خویشاوندان، دوستان و همسایگان نزدیک تر و هرچه این شبکه ها متراکم تر باشند، رابطه زن و شوهر به عنوان زوج زناشویی تفکیک شده تر بوده و بیشتر تابع سلسله مراتب است. عکس قضیه نیز صادق است، هرچه شبکه ها پراکنده تر باشند، نقش های مردانه و زنانه نشانگر جدایی و تفکیک هستند. وی این نکته را در قالب فشارهای فرهنگی طرح می کند که اگر زن و شوهر، هر دو به شبکه ای متراکم تعلق داشته باشند و این شبکه ها حفظ شوند، ازدواج صرفاً به همین روابط موجود تحمیل می گردد، به نحوی که زوجین فقط به سوی فعالیت هایی که شبکه، مجاز می داند کشانده می شوند. در این حالت، تفکیک خشک و انعطاف ناپذیر نقش ها امکان پذیر می گردد، زیرا زوجین هر دو قادر به کسب حمایت از خارج از حیطه خانواده خواهند شد. بنابراین، نظریه شبکه بر روابط زوجین و شبکه خویشاوندی تأکید دارد و بیان می کند که هر چه روابط بین شبکه کمتر و سست تر باشد، زوجین وظایف خود را بهتر انجام می دهند. پس اگر شبکه قوی باشد، زوجین خود نمی توانند تصمیمات لازم را اتخاذ کنند، چرا که باید بر اساس شرایط و روابط شبکه عمل کنند و دخالت دیگران را در زندگی خود قبول کنند. این مسئله، می تواند زمینه بروز اختلافات و ناسازگاری در میان خانواده را به وجود آورد و در نتیجه دخالت دیگران، خانواده دچار انحلال شود. زن و شوهری که در یک شبکه اجتماعی پراکنده زندگی می کنند، از محیط و دوستان خارج از خانه کمک و حمایتی نمی شوند بنابراین مجبور هستند که به کمک های متقابل یکدیگر و حتی قبول نقش های سنتی یکدیگر فکر کرده و آن را قبول نمایند. پس به طول کلی روابط زوجین با دیگران و تأثیر آن بر زندگی آنان دارای آثار و پیامدهای مثبت و منفی می تواند باشد. در برخی موارد این نوع روابط می توانند در کنار عدم مدیریت صحیح، به نهاد خانواده صدمه زده و منجر به دخالت دیگران در زندگی فرد و در نهایت ایجاد نوعی اختلاف و ناسازگاری میان زوجین شود.

۳-۴- نظریه منزلت اجتماعی (قشر بندی اجتماعی)

ژان ژاک روسو یکی از پیش قراولان تفکر جامعه شناسی معتقد است که میان انسان ها دو گونه نابرابری وجود دارد: نابرابری های جسمی که از طبیعت مایه می گیرند و تفاوت در سن، سلامت، نیروی بدنی و کیفیت ذهنی یا روحی را شامل می شود و دیگری، که می توان آن را نابرابری اخلاقی و سیاسی نامید، مبتنی بر نوعی قرارداد است که در نتیجه توافق و تراضی انسان ها ایجاد و یا دست کم مجاز می شود و شامل امتیازهای متفاوتی است که برخی افراد از آن بهره می برند. بنابراین هر جامعه ای از تعدادی سلسله مراتب عمودی ساخته شده است که مبنای هر یک از آن ها مبتنی بر ارزش های خاصی است. کسانی که در رده بالای این سلسله مراتب قرار دارند دارای منزلت اجتماعی بیشتر از کسانی هستند که در پایین سلسله مراتب قرار گرفته اند (محسنی، ۱۳۶۶: ص ۵۴۸). جامعه شناسان تاکنون دریافته اند که تقریباً هر جنبه ای از زندگی ما انسان ها از جمله بهره هوشی، موفقیت تحصیلی، بعد خانوار، معیارهای تغذیه، عقاید سیاسی، بیماری هایی که از آن رنج می بریم و حتی نوع عادت های ما در روابط جنسی، با پایگاه ما در سلسله مراتب اجتماعی مرتبط است (رابرتسون، ۱۳۹۲: ۲۰۴).

بر اساس این نظریه، افراد با منزلت اجتماعی متفاوت، انتظارات متفاوتی از رفتار دیگران دارند. همچنین خانواده ها با منزلت های متفاوت اجتماعی، به دلیل نابرابری های اقتصادی - اجتماعی، توان همنوایی و سازگاری با تغییرات و دگرگونی سریع را نداشته و دچار بی هنجاری های اجتماعی می شوند (روشه، ۱۳۸۵). در چنین شرایطی ناسازگاری های زناشویی شکل گرفته و طلاق رخ می دهد. علاوه بر این عواملی که موجب از هم پاشیده شدن خانواده ها می شود، با تغییر پایگاه های اجتماعی تغییر می یابد، زیرا هر طبقه و پایگاهی دارای منزلتی خاص و از نظر قدرت، و شیوه زندگی شرایط خاص خودش را دارد (توسلی، ۱۳۷۱). بنابراین منزلت اجتماعی با تحت تأثیر قرار دادن جنبه های مختلف زندگی، بر پدیده طلاق نیز تأثیر می گذراند.

۳-۵- دیدگاه کنش متقابل

یکی دیگر از دیدگاه های مهم در مطالعه خانواده و روابط بین فردی دیدگاه کنش متقابل نمادی است که به دو مسئله مهم توجه دارد که هر دو در مرکز توجه جامعه شناسان خانواده می باشد: الف) اجتماعی شدن (به این که موجودات بشر چگونه الگوی رفتاری و روش تفکر و احساس اجتماعی را یاد می گیرند و درونی می کنند توجه می کند). ب) شخصیت (به روشی که این نگرش ها، ارزش ها در رفتارها سازمان داده می شوند توجه می کند) (ایشلمان، ۱۹۸۸: ۶۰). کنش متقابل بین انسان اجتماعی شده به وسیله استفاده از نمادها، تفسیر یا معین کردن معانی، ارتباط کلامی یا غیر کلامی برای کنش های دیگران صورت می گیرد. کنش متقابل نماد کنشی عینی و ذهنی فرض می شود که در آن کنشگر فعال در نظر گرفته می شود.

کریستن^۱ معتقد است زوج‌های سازگار از توانایی بالاتری برای پیش‌بینی رفتار طرف مقابل خود برخوردار هستند و لذا در روابط زناشویی نیز موفق‌تر هستند. جان وگاتمن^۲ نیز بر اساس یافته‌های تحقیقاتی خود متذکر می‌شوند که زوج‌های سازگار در برداشت خود از منظور و هدف طرف مقابل (یکی از زوجین) به صورت منفی عمل می‌کنند. در حالی که برای زوج‌های سازگار بین فرستنده و برداشت گیرنده پیام، تفاوت اندکی وجود دارد. به باور آن‌ها این تفاوت ممکن است ناشی از آن باشد که رمز خوانی پیام-ها توسط زوج‌های ناراضی تحت تأثیر تعریف شناختی منفی قرار گیرد. بدین ترتیب صرف نظر از این که اهداف و منظور فرستنده پیام چه بوده زوج‌های سازگار بیشتر اهداف طرف مقابل را منفی تفسیر می‌کنند.

بلومر که از دیگر نظریه پردازان کنش متقابل نمادی است معتقد است که جامعه از ساختارهای کلان و وسیع ساخته نشده است بلکه ماهیت جامعه را باید در کنشگران و کنش آنها جستجو کرد. جامعه انسانی را باید یک نظامی از کنش‌های انسانی دید و زندگی جامعه را باید در همین کنش‌ها جستجو کرد (ریتزر، ۱۳۹۰: ۳۴۷). جیپینگ^۳ و رابطه بین کنش متقابل زوجین و خوشبختی زناشویی را در یک مطالعه سه بعدی در آمریکا مورد بررسی قرار داد. برای این منظور نمونه‌ای از اشخاص متأهل را انتخاب می‌نماید. یافته‌های این تحقیق نشان می‌داد که یک رابطه متقابل مثبت بین کنش متقابل زناشویی و خوشبختی زناشویی وجود دارد (باباسالاری، ۱۳۹۱: ۴۳).

۴- فرضیات پژوهش

در این پژوهش فرض ما بر این است که بین متغیرهای پایگاه اقتصادی - اجتماعی زوجین و والدین آن‌ها، مشکلات اقتصادی، اختلافات و تفاوت‌ها میان زوجین، عدم صمیمیت و علاقه زن و شوهر، عدم تعادل در شرایط و امکانات دوران تجرد و تأهل و میزان دخالت اطرافیان (به عنوان متغیرهای مستقل پژوهش) و ناسازگاری میان زوجین (به عنوان متغیر وابسته‌ی پژوهش) رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

۵- روش پژوهش

در این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق مردان و زنان دارای اختلافات زناشویی در خانواده‌های شهر کاشان است. حجم نمونه‌ی پژوهش، باتوجه به عدم داشتن آمار معتبر، برابر با ۳۰۰ تعیین شده است. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته بوده است. در این پژوهش جهت سنجش روایی و پایایی پرسشنامه از پیش‌آزمون (با تعداد نمونه‌ی ۳۵ نفر) و سنجش اولیه‌ی ابزار پژوهش استفاده شد. در این زمینه ما از آلفای کرونباخ استفاده کردیم. مقادیر آلفای کرونباخ برای همه‌ی متغیرهای پژوهش بالای ۰/۷ بودند و این بدین معناست که گویه‌های استفاده شده برای سنجش متغیرهای پژوهش دارای اعتبار و قابلیت اعتماد بوده‌اند.

۶- یافته‌های پژوهش

مشخصات عمومی پاسخگویان

از لحاظ جنس (۱۲۳ نفر، ۴۱/۰٪) پاسخ‌گویان مرد و (۱۷۷ نفر، ۵۹/۰٪) پاسخ‌گویان زن می‌باشد. در نتیجه بیشتر پاسخ‌گویان را مردان تشکیل می‌دهند. از نظر متغیر سن، بیشترین میزان فراوانی مربوط به (۱۸-۳۲ سال) می‌باشد با تعداد (۲۰۲ نفر، ۶۷/۳٪) و کمترین میزان فراوانی مربوط به (۴۶-۶۰ سال) می‌باشد با تعداد (۲۷ نفر، ۹/۰٪) را به خود اختصاص داده است. بر اساس محل سکونت، بیشترین تعداد نفرات را افرادی تشکیل می‌دهد که در شهر زندگی می‌کنند، شامل (۲۸۳ نفر، ۹۴/۳٪)، و کمترین تعداد نفرات افرادی هستند که در روستا زندگی می‌کنند، شامل (۱۷ نفر، ۵/۷٪) می‌باشند. از نظر متغیر شغل، بیشترین تعداد نفرات را افرادی تشکیل می‌دهد که شاغل بوده، شامل (۱۵۹ نفر، ۵۳/۰٪) و کمترین تعداد نفرات افرادی هستند که غیرشاغل بوده و تعداد آنها (۱۳۵ نفر، ۴۵/۰٪) می‌باشند. در این زمینه (۶ نفر، ۲/۰٪) وضعیت اشتغال خود را بیان نکرده‌اند. از نظر تعداد اعضای خانواده، بیشترین تعداد به گروه (۳-۶ نفر) با تعداد (۱۶۹ نفر، ۳۵/۰٪) اختصاص داده شده است و کمترین تعداد به گروه (۶-۹ نفر) با تعداد (۲۳ نفر، ۷/۷٪) اختصاص داده شده است. در این زمینه (۳ نفر، ۱/۰٪) تعداد اعضای خانواده خود را بیان نکرده‌اند. از لحاظ متغیر تحصیلات، بیشترین تعداد نفرات را افرادی تشکیل می‌دهد که در مقطع دیپلم هستند، شامل (۱۰۵ نفر، ۳۵/۰٪) می‌باشد و کمترین تعداد نفرات افرادی هستند که در مقطع فوق لیسانس بودند، شامل (۴ نفر، ۱/۳٪) می‌باشند.

1 Christine
2 Jahn & Gatman
3 Jipingzuo

براساس متغیر تحصیلات پدر، بیشترین تعداد نفرات را افرادی تشکیل می دهد که میزان تحصیلات پدر آنها ابتدایی است و شامل (۱۲۸ نفر، ۴۲/۷٪) می باشد و کمترین تعداد نفرات افرادی هستند که تحصیلات پدر آنها فوق لیسانس می باشد و تعداد آنها (۱ نفر، ۳٪) می باشد. از نظر تحصیلات مادر، بیشترین تعداد نفرات را افرادی تشکیل می دهد که میزان تحصیلات مادر آنها ابتدایی است، شامل (۱۳۳ نفر، ۴۴/۳٪) و کمترین تعداد نفرات را افرادی تشکیل می دهد که میزان تحصیلات مادر آنها فوق دیپلم است، شامل (۲ نفر، ۷٪) می باشد. بر اساس متغیر میزان درآمد ماهیانه خانواده، کمتر از ۲۰۰ هزار تومان با تعداد (۴۱ نفر، ۱۳/۷٪)، ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان با تعداد (۱۶ نفر، ۵/۳٪)، ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان با تعداد (۸۰ نفر، ۲۶/۷٪)، ۶۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان با تعداد (۵۸ نفر، ۱۹/۳٪)، بالاتر از ۸۰۰ هزار تومان با تعداد (۱۰۵ نفر، ۳۵/۰٪) را به خود اختصاص داده است. از نظر متغیر میزان درآمد پدر، کمتر از ۲۰۰ هزار تومان با تعداد (۲۶ نفر، ۸/۷٪)، ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان با تعداد (۴۱ نفر، ۱۳/۷٪)، ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان با تعداد (۵۱ نفر، ۱۷/۰٪)، ۶۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان (۹۲ نفر، ۳۰/۷٪)، بالاتر از ۸۰۰ هزار تومان (۹۰ نفر، ۳۰/۰٪) را به خود اختصاص داده است. از نظر متغیر میزان درآمد مادر، بدون درآمد با تعداد (۲۶۹ نفر، ۸۹/۷٪)، کمتر از ۲۰۰ هزار تومان با تعداد (۸ نفر، ۲/۷٪)، ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان با تعداد (۳ نفر، ۱/۰٪)، ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان با تعداد (۱۰ نفر، ۳/۳٪)، ۶۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان با تعداد (۳ نفر، ۱/۰٪)، بالاتر از ۸۰۰ هزار (۷ نفر، ۲/۳٪) را به خود اختصاص داده است. براساس متغیر شغل، فرهنگی (۲ نفر، ۷٪)، کارمند (۴۰ نفر، ۱۳/۳٪)، کارگر (۴۵ نفر، ۱۵/۰٪)، مکانیک (۱۳ نفر، ۴/۳٪)، کشاورز (۲ نفر، ۷٪)، راننده (۷ نفر، ۲/۳٪)، حسابدار (۵ نفر، ۱/۷٪)، خیاط (۱ نفر، ۳٪)، مهندس (۱۶ نفر، ۵/۳٪)، شغل آزاد (۱۴۹ نفر، ۴۹/۷٪)، بازنشسته (۱۵ نفر، ۵/۰٪)، بیکار (۱ نفر، ۳٪) و (۴ نفر، ۱/۳٪) شغل خود را بیان نکرده اند. برحسب متغیر شغل همسر، خانه دار (۲۵۱ نفر، ۸۳/۷٪)، پرستار (۱ نفر، ۳٪)، فرهنگی (۹ نفر، ۳/۰٪)، قالیباف (۲ نفر، ۷٪)، خیاط (۹ نفر، ۳/۰٪)، شغل آزاد (۲۲ نفر، ۷/۳٪) می باشد. در این زمینه (۶ نفر، ۲/۰٪) شغل همسر خود را بیان نکرده اند. از نظر متغیر مدت ازدواج، بیشترین مقدار به (۱-۵ سال) با تعداد (۱۲۷، ۴۲/۳٪)، کمترین مقدار به گروه (۱۵-۲۰ سال) با تعداد (۱۸ نفر، ۶/۰٪) می باشد.

جدول ۱: شاخص‌های اصلی پژوهش و گویه‌های شاخص‌ها

شاخص‌های پژوهش	گویه‌های شاخص‌ها
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	۱. تحصیلات پدر؛ ۲. تحصیلات مادر؛ ۳. درآمد ماهیانه پدر؛ ۴. درآمد ماهیانه مادر؛ ۵. وضعیت شغلی پدر؛ ۶. وضعیت شغلی مادر.
رضایت از زندگی مشترک (آلفای کرونباخ: ۰/۰۷۸۲)	۱. به طور کلی چقدر از ازدواج خود راضی هستید؟ ۲. فکر می کنید به چه میزان با ازدواج تان به آرزوهای و اهداف خود در زندگی مشترک تان رسیده اید؟ ۳. از میزان عشق و محبتی که همسرتان به شما دارد چقدر رضایت دارید؟ ۴. از روابط جنسی تان چقدر رضایت دارید؟ ۵. از مقدار توجهی که همسرتان به شما دارد چقدر رضایت دارید؟ ۶. تا چه حد یکدیگر را درک می کنید؟ ۷. تا چه میزان همسرتان به فرد ایده آل تان نزدیک است؟ ۸. به چه میزان شغل همسرتان را دوست دارید؟ ۹. به چه میزان از درآمد همسرتان راضی هستید؟ ۱۰. چقدر از قیافه ظاهری همسرتان راضی هستید؟ ۱۱. به چه میزان از اوقاتی که با همسرتان هستید احساس خوشحالی و شادمانی می کنید؟ ۱۲. به چه میزان در مورد مسائل و موضوعات مربوط به امور خانه با همسرتان تفاهم دارید؟ ۱۳. به چه میزان در مورد مسائل و موضوعات مربوط به تعداد فرزندان یا نحوه تربیت آن‌ها با همسرتان تفاهم دارید؟ ۱۴. به چه میزان به همسر خود اعتماد و اطمینان دارید؟
مقایسه دوران مجرد با تأهل (آلفای کرونباخ: ۰/۰۶۵۳)	۱. من قبل از ازدواج آزادی عمل بیشتری داشتم. ۲. من در دوران مجرد از رفاه مالی بیشتری برخوردار بودم. ۳. من قبل از ازدواج زمان استراحت بیشتری داشتم. ۴. من در دوران تأهل اوقات فراغت کمتری دارم و از این مورد ناراضی هستم. ۵. من قبل از ازدواج زمان بیشتری را با دوستانم می گذراندم. ۶. نیازهای من قبل از ازدواج بهتر تأمین می شد. ۷. من قبل از ازدواج امکان ارتقاء و پیشرفت بیشتری داشتم. ۸. من قبل از ازدواج آرامش روحی بیشتری داشتم.
مشکلات اقتصادی (آلفای کرونباخ: ۰/۰۹۰۳)	۱. خرج تراشی‌های بی‌مورد از طرف همسر من یا فرزندانم. ۲. ناکامی خانواده در دستیابی به زندگی همراه با رفاه. ۳. مشکلات مالی خانواده. ۴. نامناسب یا بی‌رویه خرج کردن درآمد خانواده از سوی اعضای خانواده. ۵. مشکلاتی همچون داشتن قرض و بدهی به دیگران یا بانک‌ها. ۶. مشکلات مسکن، مثل نداشتن مسکن یا نامناسب بودن آن. ۷. نداشتن اتومبیل، یا نامناسب بودن آن.
تفاوت‌ها بین زوجین (آلفای کرونباخ: ۰/۰۸۷۹)	۱. من و همسر من در مورد نحوه ارتباط با همسایگان یا خویشاوندان اختلاف نظر داریم. ۲. من و همسر من دارای اختلاف تحصیلی هستیم. ۳. سطح مالی خانواده‌ی من و همسر من خیلی متفاوت است. ۴. توقعات من و همسر من از زندگی کاملاً متفاوت است. ۵. من و همسر من در مورد نحوه خرج کردن درآمد خانواده دارای اختلاف هستیم. ۶. من و همسر من اختلاف عقیده‌ی زیادی داریم. ۷. من و همسر من در مورد نحوه تربیت فرزندان خود دارای اختلاف نظر هستیم. ۸. من و همسر من در مورد آینده‌ی فرزندان خود دارای اختلاف نظر هستیم. ۹. من و همسر من در مورد نحوه گذران اوقات فراغت اختلاف نظر داریم. ۱۰. من و همسر من دارای اختلاف سلیقه هستیم.
عدم صمیمیت و علاقه زوجین	۱. عدم توجه همسر من به سلیقه‌ی من. ۲. عدم توجه همسر من به علایق من. ۳. عدم حمایت همسر من از من در زمینه‌های مختلف. ۴. عدم همکاری همسر من در امور خانه. ۵. عدم گذشت و فداکاری همسر من در زندگی

شاخص‌های پژوهش	گروه‌های شاخص‌ها
(آلفای کرونباخ: ۰/۰/۹۴۰)	مشترک، ۶ عدم مشورت همسر با من در امور خانه، ۷ عدم احترام همسر نسبت به من، ۸ عدم ابراز عشق و محبت از سوی همسر نسبت به من.
دخالت اطرافیان (آلفای کرونباخ: ۰/۰/۹۲۹)	۱. خانواده‌ی همسر در زندگی ما دخالت بیجا دارند، ۲. همسر در تصمیم‌گیری‌های خود تابع نظرات والدین خود است، ۳. همسر در مورد نحوه‌ی تربیت فرزندان تابع نظرات دیگران است، ۴. همسر در تصمیم‌گیری‌های مهم، به جای توجه به نظر من به نظر دیگران بیش‌تر اهمیت می‌دهد، ۵. خانواده‌ی من در زندگی مشترک ما دخالت بیجا می‌کنند، ۶. دیگران در زندگی ما دخالت بیجا دارند، ۷. دخالت دیگران در زندگی ما به زندگی مشترک ما لطمه زده است.

توصیف متغیرهای پژوهش: جدول‌های یک بعدی

جدول ۲: فراوانی و درصد فراوانی متغیرهای پایگاه اقتصادی - اجتماعی، رضایت شغلی، مشارکت اجتماعی و سلامت

روائی

مقادیر	پایگاه اقتصادی - اجتماعی		رضایت از زندگی زناشویی		مقایسه دوران تأهل با مجرد		مسائل اقتصادی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
پایین	۱۶۵	۵۵/۰٪	۵۰	۱۶/۷٪	۵۵	۱۸/۳٪	۵۸	۱۹/۳٪
متوسط	۱۰۵	۳۵/۰٪	۱۲۶	۴۲/۰٪	۱۵۸	۵۲/۷٪	۷۱	۲۳/۷٪
بالا	۳۰	۱۰/۰٪	۱۲۴	۴۱/۳٪	۸۷	۲۹/۰٪	۱۷۱	۵۷/۰٪
جمع	۳۰۰	۱۰۰٪	۳۰۰	۱۰۰٪	۳۰۰	۱۰۰٪	۳۰۰	۱۰۰٪

جدول بالا نشان می‌دهد که از نظر پایگاه اقتصادی-اجتماعی، بیشتر پاسخگویان (۱۶۵ نفر، ۵۵/۰٪) به پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین، (۱۰۵ نفر، ۳۵/۰٪) به پایگاه اقتصادی-اجتماعی متوسط و (۳۰ نفر، ۱۰/۰٪) به پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا تعلق دارند. از نظر میزان رضایت از زندگی زناشویی بیشتر پاسخگویان (۱۲۶ نفر، ۴۲/۰٪) در سطح متوسط، (۱۲۴ نفر، ۴۱/۳٪) در سطح بالا، (۵۰ نفر، ۱۶/۷٪) در سطح پایین قرار دارد. از نظر میزان مقایسه دوران تأهل با مجرد بیشتر پاسخگویان (۱۵۸ نفر، ۵۲/۷٪) در سطح متوسط، (۸۷ نفر، ۲۹/۰٪) در سطح بالا، (۵۵ نفر، ۱۸/۳٪) در سطح پایین قرار دارند. از نظر میزان مسائل اقتصادی، بیشتر پاسخگویان (۱۷۱ نفر، ۵۷/۰٪) در سطح بالا، (۷۱ نفر، ۲۳/۷٪) در سطح متوسط، (۵۸ نفر، ۱۹/۳٪) در سطح پایین قرار دارد.

جدول ۳: فراوانی و درصد فراوانی متغیرهای ارزشگذاری شغلی، دینداری و عزت نفس

مقادیر	اختلاف و تفاوت‌ها		نارضایتی از زندگی مشترک		دخالت اطرافیان	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
پایین	۱۵	۵/۰٪	۷۰	۲۳/۳٪	۴۶	۱۵/۳٪
متوسط	۱۴۹	۴۹/۷٪	۱۰۱	۳۳/۷٪	۶۴	۲۱/۳٪
بالا	۱۳۶	۴۵/۳٪	۱۲۹	۴۳/۰٪	۱۹۰	۶۳/۳٪
جمع	۳۰۰	۱۰۰٪	۳۰۰	۱۰۰٪	۳۰۰	۱۰۰٪

جدول بالا نشان می‌دهد که از نظر میزان اختلاف و تفاوت‌ها بیشتر پاسخگویان (۱۴۹ نفر، ۴۹/۷٪) در سطح متوسط، (۱۳۶ نفر، ۴۵/۳٪) در سطح بالا، (۱۵ نفر، ۵/۰٪) در سطح پایین قرار می‌گیرد. از نظر میزان نارضایتی از زندگی مشترک، بیشتر پاسخگویان (۱۲۹ نفر، ۴۳/۰٪) در سطح بالا، (۱۰۱ نفر، ۳۳/۷٪) در سطح متوسط، (۷۰ نفر، ۲۳/۳٪) در سطح پایین قرار دارد. از نظر میزان دخالت اطرافیان، بیشتر پاسخگویان (۱۹۰ نفر، ۶۳/۳٪) در سطح بالا، (۱۲۹ نفر، ۴۳/۰٪) در سطح متوسط، (۶۴ نفر، ۲۱/۳٪) در سطح پایین قرار دارد.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

جدول ۴: نتایج آزمون‌های روابط میان متغیرهای پژوهش

نوع رابطه با متغیر اصلی در تحلیل مسیر	نتیجه نهایی آزمون	سطح معناداری همبستگی	ضریب همبستگی پیرسون	آزمون‌های آماری و نتایج آنها
داشتن رابطه معنادار	رابطه معنادار و مستقیم	۰/۰۰۴	۰/۱۶۷	پایگاه اقتصادی-اجتماعی / رضایت از زندگی زناشویی
داشتن رابطه معنادار	رابطه معنادار و معکوس	۰/۰۰۰	-۰/۴۰۱	مقایسه دوران تأهل و مجرد / رضایت از زندگی زناشویی
داشتن رابطه معنادار	رابطه معنادار و مستقیم	۰/۰۰۰	۰/۵۱۰	مسائل اقتصادی / رضایت از زندگی زناشویی
داشتن رابطه معنادار	رابطه معنادار و مستقیم	۰/۰۰۰	۰/۷۲۲	میزان اختلاف و تفاوت‌ها / رضایت از زندگی زناشویی
داشتن رابطه معنادار	رابطه معنادار و مستقیم	۰/۰۰۰	۰/۶۵۹	عوامل موثر بر نارضایتی از زندگی / رضایت از زندگی زناشویی
داشتن رابطه معنادار	رابطه معنادار و مستقیم	۰/۰۰۰	۰/۶۶۱	میزان دخالت اطرافیان / رضایت از زندگی زناشویی

جدول بالا نشان می‌دهد که بین متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، مسائل اقتصادی، میزان اختلاف و تفاوت‌ها، عوامل موثر بر نارضایتی از زندگی و میزان دخالت اطرافیان (به عنوان متغیرهای مستقل پژوهش) با رضایت از زندگی زناشویی (به عنوان متغیر وابسته‌ی پژوهش) رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. اما بین متغیر مقایسه دوران تأهل و مجرد با رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و معکوس را نشان می‌دهد.

یافته‌ها و تحلیل‌های چند متغیره و تحلیل مسیر

جدول ۵: رگرسیون چند متغیره پیش بینی میزان رضایت از زندگی زناشویی به روش گام به گام

ردیف	متغیر	R	R ²	F	Sig
گام اول	میزان اختلاف و تفاوت‌ها	۰/۷۲۲	۰/۵۲۱	۳۲۳/۸۴	۰/۰۰۰
گام دوم	میزان دخالت اطرافیان	۰/۷۷۱	۰/۵۹۴	۲۱۷/۰۷	۰/۰۰۰
گام سوم	عوامل موثر در نارضایتی	۰/۷۸۳	۰/۶۱۳	۱۵۶/۱۴	۰/۰۰۰
گام چهارم	مقایسه دوران تأهل و مجرد	۰/۷۸۸	۰/۶۲۱	۱۲۰/۸۵	۰/۰۰۰

جدول ۶: ضرایب رگرسیون استاندارد و غیر استاندارد

متغیر پیش بین	B	T	Sig (T)
میزان اختلاف و تفاوت‌ها	۰/۳۹۹	۷/۳۴	۰/۰۰۰
میزان دخالت اطرافیان	۰/۳۰۰	۵/۳۷	۰/۰۰۰
عوامل موثر در نارضایتی	۰/۱۸۲	۳/۴۹	۰/۰۰۱
مقایسه دوران تأهل و مجرد	-۰/۱۶۱	-۲/۵۳	۰/۰۱۲
	$R^2=۰/۶۲۱$		$R=۰/۷۸۸$

تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد مدل ما توانسته است تا چهار گام پیش رود؛ و توانسته است ۶۲٪ از تاثیرات بر متغیر وابسته را پیش بینی کند.

جدول ۷: متغیر خارج از معادله رگرسیون

متغیرهای خارج از معادله	همبستگی	T	Sig (T)
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۰/۰۶۰	۱/۰۲۹	۰/۳۰۴
مسائل اقتصادی	۰/۰۶۶	۱/۱۳۴	۰/۲۵۸

تحلیل مسیر

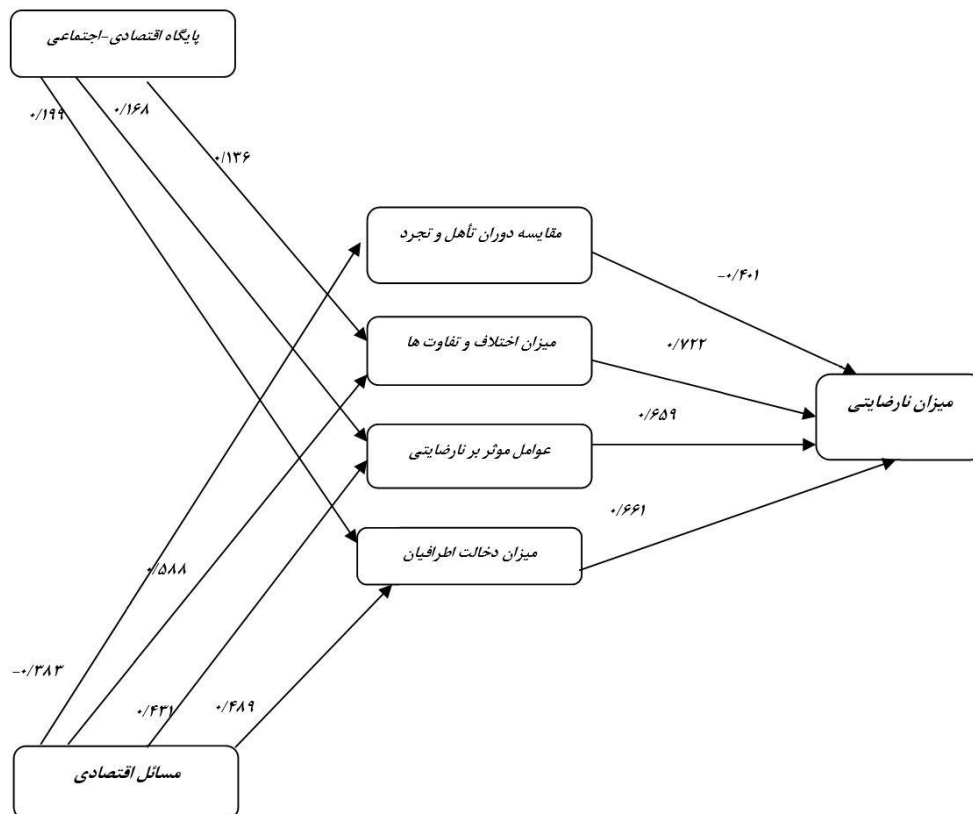
تحلیل مسیر یکی از روش‌های پیشرفته آماری است که نشان دهنده چگونگی تأثیرات علی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و هم چنین تأثیر متغیرهای مستقل بر یکدیگر است. این روش هم میزان تأثیر مستقیم متغیرهای مستقل و هم تأثیر غیرمستقیم آنها بر متغیر وابسته را از طریق ضرایب مسیر نشان می‌دهد. ضرایب مسیر همان بتاها یا ضرایب استاندارد شده رگرسیون هستند که میزان تأثیر خالص هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته را نشان می‌دهند.

جدول ۸: محاسبه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیر	تأثیر مستقیم	تأثیر غیرمستقیم	تأثیر کل
میزان اختلاف و تفاوت‌ها	۰/۷۲۲	۰/۵۲۲	۱/۲۴۴
میزان دخالت اطرافیان	۰/۶۶۱	۰/۴۵۴	۱/۱۱۵
عوامل موثر در نارضایتی	۰/۶۵۹	۰/۳۹۴	۱/۰۵۳
مقایسه دوران تأهل و مجرد	-۰/۴۰۱	۰/۱۵۳	-۰/۲۴۸

جدول فوق نشان دهنده تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته می‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده از جدول فوق، به ترتیب متغیرهای *میزان اختلاف و تفاوت‌ها*، *میزان دخالت اطرافیان*، *عوامل موثر در نارضایتی*، *مقایسه دوران تأهل و مجرد* بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته است. همچنین متغیرهای *پایگاه اقتصادی-اجتماعی* و *مسائل اقتصادی* اگرچه رابطه معناداری با متغیر وابسته برقرار کرده بود اما در نهایت از معادله خارج شده است.

مدل تحلیل مسیر



۷- نتیجه‌گیری پژوهش

خانواده مهم‌ترین نهاد و عامل همبستگی اجتماعی قلمداد می‌شود. این نهاد اجتماعی به عنوان یک خرده نظام مهم تمام ویژگی‌های یک نظام اجتماعی را دارا است و به همین دلیل تعادل یا عدم تعادل و میزان کیفیت روابط زوجین در آن به صورت مستقیم بر کل نظام اجتماعی و کیفیت چگونگی روابط افراد در آن اثرگذار است. ازدواج نقطه عطفی در زندگی هر فرد محسوب شده و مهم‌ترین پیوندی است که میان دو فرد رخ می‌دهد و هم چنین سرآغاز شکل‌گیری یک کانون حمایتی-عاطفی است که در کیفیت زندگی افراد و تربیت نسل‌های بعدی نقش حیاتی دارد. کیفیت رابطه زناشویی، زیربنایی را شکل می‌دهد که کارکرد آنی کل خانواده و سلامت جسمانی-روانی اعضا بر روی آن معنا می‌شود. ازدواج در همه جوامع یک نهاد مهم شمرده شده و داشتن زندگی زناشویی موفق تقریباً برای هر کسی یک هدف مهم به شمار می‌رود. رضایت از ازدواج و سازگاری زوجین در تداوم آن نقش محوری دارد. زیرا وجود ناسازگاری در روابط همسران به دشوار شدن وظایف والدینی، کاهش میزان سلامت جسمانی و بهداشت روانی همسران، کاهش میزان رضایت از زندگی، احساس تنهایی بیش‌تر و به اختلال در روابط اجتماعی می‌انجامد. پیشرفت و تعالی یک جامعه امری چند وجهی است. پیشرفت کشورها در اقتصاد، علم و فناوری و صنعت خلاصه نشده و عامل انسانی از عوامل بسیار مهم توسعه محسوب می‌شود. امروزه مهترین علت اختلافات زوج‌ها، ناسازگاری زوجین با یکدیگر است این روزها تحمل زوجین جوان نسبت به چندین دهه پیش بسیار کاهش یافته است به صورتی که مهم‌ترین علت اختلافات خانوادگی در دادگاه‌ها نداشتن سازگاری زوجین با یکدیگر است.

هدف این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر ناسازگاری زوجین در زندگی مشترک در شهر کاشان است که بر این اساس ۳۰۰ نفر از زنان و مردان این شهرستان در قالب جامعه نمونه آماری انتخاب و بررسی شدند. نتایج به دست آمده از آزمون فرضیات پژوهش نشان می‌دهد که بر اساس فرضیه اول میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی و رضایت از زندگی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. زیرا این آزمون مقدار همبستگی $R = 0.167$ و مقدار $Sig = 0.004$ را نشان می‌دهد و به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. بنابراین با افزایش پایگاه اقتصادی - اجتماعی، سازگاری زناشویی بهبود و افزایش می‌یابد و برعکس، از ناسازگاری میان آنان کاسته می‌شود.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد که میان متغیر مقایسه دوران تأهل و مجرد و رضایت از زندگی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. زیرا این آزمون مقدار همبستگی $R = -0.401$ و مقدار $Sig = 0.000$ را نشان می‌دهد و به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. بنابراین بین مقایسه دوران تأهل و مجرد و رضایت از زندگی زناشویی ارتباط معنادار و منفی وجود دارد.

نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه سوم حاکی از آن است که میان متغیر مسائل اقتصادی و رضایت از زندگی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. زیرا این آزمون مقدار همبستگی $R = 0.510$ و مقدار $Sig = 0.000$ را نشان می‌دهد و به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. بنابراین با افزایش این متغیر، سازگاری زناشویی بهبود و افزایش می‌یابد و برعکس، از ناسازگاری میان آنان کاسته می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه چهارم بیانگر آن است که میان متغیر میزان اختلاف و تفاوت‌ها و رضایت از زندگی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. زیرا این آزمون مقدار همبستگی $R = 0.722$ و مقدار $Sig = 0.000$ را نشان می‌دهد و به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. بنابراین با افزایش این متغیر، سازگاری زناشویی بهبود و افزایش می‌یابد و برعکس، از ناسازگاری میان آنان کاسته می‌شود.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه پنجم نشان می‌دهد که میان متغیر عوامل مؤثر بر ناراضی‌تی از زندگی و رضایت از زندگی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. زیرا این آزمون مقدار همبستگی $R = 0.659$ و مقدار $Sig = 0.000$ را نشان می‌دهد و به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. بنابراین با افزایش این متغیر، سازگاری زناشویی بهبود و افزایش می‌یابد و برعکس، از ناسازگاری میان آنان کاسته می‌شود.

نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه ششم نشانگر آن است که میان متغیر میزان دخالت اطرافیان و رضایت از زندگی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. زیرا این آزمون مقدار همبستگی $R = 0.661$ و مقدار $Sig = 0.000$ را نشان می‌دهد و به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. بنابراین با افزایش این متغیر، سازگاری زناشویی بهبود و افزایش می‌یابد و برعکس، از ناسازگاری میان آنان کاسته می‌شود.

به طور کلی، آزمون رابطه بین متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، مسائل اقتصادی، میزان اختلاف و تفاوت‌ها، عوامل مؤثر بر ناراضی‌تی از زندگی و میزان دخالت اطرافیان (به عنوان متغیرهای مستقل پژوهش) با رضایت از زندگی زناشویی (به عنوان متغیر وابسته‌ی پژوهش) رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. اما بین متغیر مقایسه دوران تأهل و مجرد با رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و معکوس است. تحلیل رگرسیونی توانسته تا چهار گام پیش رود و ۶۲٪ از تاثیرات بر متغیر وابسته را پیش بینی کند. بر این اساس متغیر میزان اختلاف و تفاوت‌ها، متغیر میزان دخالت اطرافیان، متغیر عوامل مؤثر در ناراضی‌تی و متغیر مقایسه دوران تأهل و مجرد بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته است. همچنین متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مسائل اقتصادی اگرچه رابطه معناداری با متغیر وابسته برقرار کرده بود اما در نهایت از معادله خارج شده است.

منابع

۱. باباسالاری، عاطفه (۱۳۹۱) بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مرتبط با ناسازگاری زناشویی زنان متأهل شهر نورآباد ممسنی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور واحد تهران.
۲. بدار، لوک (۱۳۸۱) روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه حمزه گنجی، تهران: نشر ساوالان.
۳. جلیلیان، زهرا (۱۳۷۸) عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق در شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۴. رابرتسون، یان (۱۳۹۲) درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی، ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.
۵. ریشه، گی، (۱۳۸۵)، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
۶. ریتزر، جرج (۱۳۹۰) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر یکتا.
۷. ساروخانی، باقر (۱۳۸۶) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: نشر سروش.
8. Markman, H. J., Stanley, S., & Blumberg, S. L. (1994) Fighting for your marriage: Positive steps for preventing divorce and preserving a lasting love. San Francisco, CA: Jossey-Bass.
9. Myers, J. E., Madathil, J., & Tingle, L.R. (2005) Marriage Satisfaction and Wellness in India and the U.S.: A preliminary comparison of arranged marriages and marriage of choice. Journal of Counseling and Development, 83, 183-190.
10. Eshleman, J. Ross (1988) The Family, ed Boston: Allyn and Bacon
11. Noc, S.L (1987) Sociology of the Family, New Jersey: Prentice Hall Inc . Oponng, Christin.

بررسی سواد اطلاعاتی والدین بر بلوغ یادگیری الکترونیک و بروز خلاقیت دانش آموزان مقطع متوسطه دوم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳

کد مقاله: ۱۸۰۱۸

عیسی رضایی^{۱*}، فریده دلگرم^۲، امین قاضیانی^۳، یونس بلوچ^۴،
سعیده اسکندری فرد^۵

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی سواد اطلاعاتی والدین بر بلوغ یادگیری الکترونیک و بروز خلاقیت دانش آموزان مقطع متوسطه دوم بوده است. روش تحقیق مورد استفاده از نوع توصیفی، همبستگی بود. در تحقیق حاضر جامعه آماری مورد بررسی عبارت است از دانش آموزان مقطع متوسطه دوم که به تعداد ۶۰۰ نفر می‌باشند. حجم نمونه متناسب با تعداد افراد جامعه تعداد ۲۳۴ نفر می‌باشد و روش نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده انتخاب شده است. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های استاندارد استفاده شده است. در این پژوهش برای سنجش متغیرهای پژوهش از پرسشنامه‌های استاندارد استفاده شد. همچنین جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره با استفاده از نرم‌افزار SPSS۲۱ استفاده شده است. نتایج فرضیه اصلی نشان داد که بین سواد اطلاعاتی والدین بر بلوغ یادگیری الکترونیک و بروز خلاقیت دانش آموزان مقطع متوسطه دوم رابطه معناداری وجود دارد. نتایج فرضیات فرعی نشان داد که سواد اطلاعاتی والدین بر بلوغ یادگیری الکترونیک رابطه معناداری وجود دارد و بین سواد اطلاعاتی والدین بر بروز خلاقیت رابطه معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: سواد اطلاعاتی والدین، بلوغ یادگیری الکترونیک، بروز خلاقیت دانش آموزان

- ۱- استادیار گروه تکنولوژی آموزشی، دانشگاه بین‌المللی چابهار (نویسنده مسئول)
- ۲- دانشجوی کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، دانشگاه بین‌المللی چابهار
- ۳- دانشجوی کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، دانشگاه بین‌المللی چابهار
- ۴- دانشجوی کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، دانشگاه بین‌المللی چابهار
- ۵- دانشجوی کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، دانشگاه بین‌المللی چابهار

عصر کنونی عصر تغییر نامیده می شود و نهادها و سازمانها باید این تغییرات را پیش بینی و خود را با آن سازگار کنند در غیر اینصورت کارآیی و اثربخشی خود را از دست خواهند داد با توجه به اینکه هدف آموزش و پرورش تربیت جامع انسان است و تربیت جامع و مانع همواره مورد نظر نظام های آموزشی بوده، بدین جهت برنامه ریزان درسی همواره باید تلاش خود را معطوف این هدف غایی بنمایند؛ اما در این میان خواه ناخواه برخی از موضوعات کاربردی تربیتی و زیستی آنان مورد غفلت قرار میگیرد. آموزش های مالی که شامل سواد اطلاعاتی و سواد اقتصادی می باشد از جمله این موارد است. (تفتیان و همکاران، ۱۳۹۲) یادگیری مهارت های مربوط به مالی در دوران کودکی می تواند مزایای زیادی در دراز مدت داشته باشد در این میان می توان گفت افرادی که از لحاظ مالی با سواد هستند و سواد اطلاعاتی دارند بهتر می توانند از عهده مشکلات مالی زندگی بر آیند. به هر حال وقتی کسی فاقد مهارت های مدیریت مالی باشد، حتی مشکلات مالی کوچک می تواند بزرگ جلوه کند. این فشارهای مالی که اغلب باعث احساسات شدید می شوند، احتمالاً بر جنبه های دیگر زندگی مانند روابط شخصی افراد و عملکرد کاری آنها نیز اثر می گذارد (آرتور، ۲۰۱۲). در کشورهای پیشرفته در دوره های مختلف تحصیلی از پیش دبستانی تا دانشگاه و حوزه آموزش های مالی به ویژه سواد اطلاعاتی آموزش داده می شود (اتکینسون، ۲۰۱۴). در شرایط کنونی اقتصاد ایران بر پایه نفت استوار است حدود سی سال آینده دیگر نفتی در ایران نیست یا خوشبینانه نفتی برای صادرات وجود ندارد کودکان امروز شش تا هشت ساله در سی سال آینده، چرخه اقتصادی را به دست خواهند گرفت اما آیا این کودکان آموزش های لازم در جهت ارتقای هوش مالی خود دیده اند تا بتوانند موتور محرک اقتصادی را بدون بشکه های نفتی بچرخانند؟ هوش مالی کودکان دلالت دارد بر مهارت ایجاد، حفظ و افزایش مستمر پول است. کدام یک از ما این مهارتها را در کودکی به دست آورده ایم اگر روی این مهارت کار نشود عواقبش در بزرگسالی سراغ فرد می آید ابتدا از عدم استقلال مالی شروع می شود و به بحران های بیشتری در زندگی می رسد بنابراین عدم استقلال مالی را میتوان یکی از بحرانهای مالی هر فرد در سنین بزرگسالی دانست. واقعیت جامعه پیچیده امروزی این است که پول و ثروت نقش بسیار تعیین کننده ای در زندگی انسان دارد بنابراین افرادی در این دنیای آشفته ی مالی موفق هستند که با آموزش های مالی در کودکی هوش مالی خود را ارتقا داده اند (رجبی، ۱۳۹۵).

والدین علاوه بر تجربیات خود به نکاتی بسیار اساسی در زمینه آموزش مباحث مالی به کودکان خود نیاز دارند. شاید مهمترین آنها راه های به دست آوردن پول باشد. بخش اعظم و مهم این تحقیق شیوه های پاسخ گویی به این است که کودکان با آموزش های مالی چگونه میتوانند هوش مالی خود را که دارای پنج مهارت می باشد با ارتقا دهند. چه آموزش هایی قادر خواهند بود پول به دست بیاورند و در مرحله بعد با چه روش هایی آن را خرج کنند این روش ها که به چهار دسته تقسیم می شوند عبارتند از: ۱- به دست آوردن پول ۲- پس انداز پول ۳- خرج کردن صحیح پول ۴- هدیه و بخشش پول ۵- سرمایه گذاری پول (رجبی، ۱۳۹۵). جمله ی خردمندانه ای است که میگوید: "قبل از آنکه بدوی می بایست راه رفتن را یاد بگیری" مدیریت پول به عنوان یک مهارت حیاتی زندگی در نظر گرفته می شود. گرچه کودکان تحت تاثیر مسائل پول در زندگیشان هستند اما بیشتر جوانان بدون آمادگی برای سروکار داشتن چالش های مالی زندگی مستقل خود مدرسه را به اتمام میرسانند. آنها در معرض خطر وارد شدن به مسائل مالی در جامعه هستند. (احمدی و همکاران، ۱۳۹۴) وقتی مسائل مربوط به پول به میان می آید بسیاری از والدین قادر نیستند نقش یک مدرس خوب را ایفا کنند بر این اساس، برای غلبه بر بسیاری از کاستی های کودکان ضروری است تا امور مالی آموزش داده شود. داشتن اطلاعات عالی ترین دارایی عصر ماست بنابراین اطلاعات کم انسان های فقیر می آفریند. اکثر کسب و کارها به خاطر فقدان اطلاعات مالی دچار شکست می شود نه به خاطر نداشتن پول است (کیوساکی، ۲۰۰۹). تمام مردم دنیا چه فقیر و چه ثروتمند مشکل مالی دارند. بسیاری فکر می کنند اگر پول زیادی داشته باشند مشکلات مالی شان تمام می شود در حالی که پول بیشتر، مسائل مالی بیشتری را هم به دنبال دارد. پول به تنهایی مشکلات مالی را حل نخواهد کرد. داشتن شغل هم همینطور، مشکلات مالی رایج در دنیای امروز، تطبیق نداشتن درآمدها و هزینه های زندگی، نداشتن خانه شخصی، بدهکاری، هزینه های ماشین، هزینه های بهداشتی و درمانی و ... است. که با استفاده از آموزش های مالی می توان هوش مالی افراد را ارتقا داده تا بتوان با استفاده از آن مشکلات را برطرف کرد. اگر هوش مالی را تقویت نکنیم مشکلات ما روز به روز وخیم تر می شوند و شرایط هم سخت تر. واقعیت این است که پول تاثیر بسزایی بر سبک و کیفیت زندگی دارد. پول آسایش، آزادی زمانی و آزادی در انتخاب می آورد ولی به دست آوردن پول بدون استفاده از هوش مالی به ثروتمند شدن نمی انجامد (رجبی، ۱۳۹۵).

چه بسا ثروتمندانی بوده اند که ثروت های آنان فقط یک یا دو نسل باقی مانده است و فرزندان آنها نتوانسته اند از ثروت و دارایی به ارث رسیده از پدران شان محافظت کنند. راه های زیادی برای آموزش مباحث مالی به کودکان وجود دارد یکی از این راه ها بیان تجربیات و داستان زندگی والدین برای کودک خود می باشد که چگونه پول خود را مدیریت کرده است و یا چقدر از آن را پس انداز و یا سرمایه گذاری کرده است.

1. Artour
2. Atcinsoun
3. Kiosaki

اگر کودکان روش‌های صحیح مدیریت مالی را در دوران کودکی و یا نوجوانی نیاموزند، ممکن است نسبت به امور مالی خود غیر مسئول و سهل‌انگار بار آیند و در بزرگسالی نتوانند مسئولیت‌های مالی خود را بر عهده بگیرند. این گروه انتظار دارند که همواره پدر و مادر برنامه‌های مالی آنان را تنظیم کنند و زحمت کنترل خرج‌ها و هزینه‌های خود را به گردن آنها بیندازند. حتی ممکن است در بزرگسالی نیز با کوچکترین غفلت و اهمال کاری، تمامی درآمدی را که طی چند سال پس‌انداز کرده‌اند، یکجا از دست بدهند و برای تهیه‌ی نیازمندی‌های اولیه‌ی زندگی‌شان محتاج کمک‌های مالی اطرافیان‌شان بشوند. در راه آموزش مباحث مالی و پولی به کودکان باید اجازه دهیم کودکان تجربه کنند و خودشان تجربیاتشان پند بگیرند. اگر کودکی با آموزش مالی در حفظ پول خود مهارت به دست نیآورده باشد قطعاً او نمی‌تواند پس‌اندازی کسب کند و از پس‌انداز خود سرمایه‌گذاری انجام دهد تا از آن سرمایه‌گذاری، به افزایش پول خود به طور مستمر، ادامه دهد و عدم این تجربه در کودکان باعث می‌شود آنها در بزرگسالی اشتباهات مالی بزرگتری را مرتکب شود که باعث زیان‌های مالی خیلی بزرگتر و چه بسا جبران‌ناپذیر شوند.

آموزش‌های مالی به کودکان، مثل آموزش دوچرخه‌سواری به آنهاست. اگر پدر و مادر همیشه پشت‌پشت زین دوچرخه را نگه دارند، فرزندشان هیچ‌گاه نمی‌افتد، ولی دوچرخه‌سواری هم یاد نمی‌گیرد (سلحشور، ۱۳۸۷). یکی از مسایل و مشکلاتی که ممکن است موجب از هم پاشیدگی بسیاری از خانواده‌ها شود اختلاف‌های مالی ساده بین فرزندان یک خانواده است. تعداد خانواده‌هایی که بر سر مسائل مالی و یا تقسیم پول و ثروت به مشاجره‌ها و بگوگو‌های طولانی می‌پردازند کم نیست. در بدترین حالت، این اختلافات مالی می‌تواند منجر به گسستگی و قطع روابط خانوادگی بین آنها شود. این‌گونه فشارها و تنش‌های خانوادگی بین مادر و پدر یا والدین و فرزندان می‌تواند رابطه صمیمی بین آنان را خراب کند و منجر به جدایی‌ها و آزرده‌گی‌های عمیق خانواده شود. با توجه به نکته‌های فوق توصیه می‌شود اگر تا کنون مبانی و اصولی مشخص برای برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌های مالی خود در نظر نگرفته‌اید و ایده و طرح ساده‌ای برای آموزش مالی به فرزندان‌تان انتخاب نکرده‌اید، بهتر است به عواقب و پیامدهای آن، که می‌تواند تهدیدی علیه آرامش و آسودگی خاطر خودتان باشد، بیندیشید. اگر هدف شما آن است که فرزندان در آینده، افرادی مسئول و مدیر باشند و مسئولیت‌های مالی‌شان را خود بر عهده بگیرند، باید آموزش‌های مالی را از همان دوران کودکی و نوجوانی آنها شروع کنید و اجازه ندهید که دچار مسائل و مشکلاتی مثل مصرف‌زدگی، قرض‌گرفتن‌های مکرر، بی‌تجربگی، عدم اعتماد به نفس و شکست‌های مالی عمده شوند (لرمت، ۱۹۹۹). آموزش‌های مالی به کودکان کمک می‌کند تا بتوانند در بخشش و هدیه دادن که اصل چهارم هوش مالی است توجه و تصمیم‌گیری بهتری داشته باشند. با افزایش هوش مالی کودک، قدرت صبر و اراده آنها نیز بالا می‌رود و آنها در تصمیمات خریدهای شخصی خود عجلولانه تصمیم نمی‌گیرند زیرا می‌دانند با توجه به صبر و شکیبایی به خرید ارزشمند و بزرگتر و با کیفیت تری دست خواهند یافت. با توجه به مطالب گفته شده، هدف پژوهش حاضر بررسی بررسی سواد اطلاعاتی والدین بر بلوغ یادگیری الکترونیک و بروز خلاقیت دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم است. و سوال اصلی این پژوهش این است که آیا سواد اطلاعاتی والدین بر بلوغ یادگیری الکترونیک و بروز خلاقیت دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم رابطه معناداری وجود دارد؟

۲- پیشینه پژوهش

میر و اسپرنگر^(۲۰۲۱)، در مقاله "فقدان سواد اطلاعاتی: تنظیم زمان و مشارکت در برنامه‌های آموزش مالی"، این سوال را مطرح نمودند که چرا با وجود این که بسیاری از سیاست‌گذاران و اقتصاددانان استدلال می‌کنند که سواد اطلاعاتی کلیدی برای موفقیت‌های مالی است، بسیاری از افراد با وجود اطلاع از مزایای آن، هنوز از نظر مالی بی‌سواد باقی مانده‌اند؟ نتایج نشان می‌دهد که دلیل اکثر افراد، نداشتن وقت کافی برای شرکت در برنامه‌های آموزش سواد اطلاعاتی بیان شده است.

نوگراها و آندریانی^۳ و (۲۰۲۰) مطالعه‌ای با هدف بررسی رفتار مالی کارکنان در مورد سواد اطلاعاتی و عادت‌های خرج کردن بر اساس جنسیت انجام دادند. نمونه‌گیری خوشه‌ای در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفت و ۶۰ نفر از کارکنان ۳۰ مرد و ۳۰ زن انتخاب شدند و روش تحلیلی مورد استفاده قرار گرفتند. آزمون تی مستقل برای داده‌های به‌طور معمول توزیع شده، آزمون متفاوتی است، در حالی که آزمون Mann-Whitney برای داده‌های توزیع شده، طبیعی نیست. نتایج نشان داد که رفتار سواد اطلاعاتی و عادت‌های خرج کردن کارکنان زن و مرد متفاوت نیستند. این مطالعه همچنین نشان داد که کارکنان زن و مرد دانش لازم برای مدیریت مالی خود را به‌ویژه در مدیریت سرمایه‌گذاری و وام ندارند.

خاتون^۴ (۲۰۱۸) مطالعه‌ای با هدف تأثیر سواد اطلاعاتی و اجتماعی شدن والدین بر رفتارهای صرفه‌جویی بر روی ۱۳۰ دانشجو در بنگلادش انجام دادند. داده‌های اولیه از طریق چهره به چهره با استفاده از پرسشنامه ساختار یافته خودمراقبتی جمع‌آوری شده است. رفتار پس‌انداز به عنوان وابستگی و اجتماعی شدن والدین و سواد اطلاعاتی به عنوان متغیرهای مستقل مورد استفاده قرار گرفته است. برای تعمیم اطلاعات جمعیت‌شناختی از آمار توصیفی استفاده شده است. ابزارهای تحلیل همبستگی

1. Lermitt
2. Mir&spranger
3. Andriani and Nugraha
4. Khatun

پیرسون و رگرسیون چندگانه برای بررسی اثرات یا رابطه آنها استفاده شد و هر دو آنها ارتباط خوبی با اجتماعی کردن والدین و ارتباط متوسط با سواد اطلاعاتی دارند. در تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره، آزمون F رابطه معنی داری را نشان داد. ونروز و دیگران^۱ (۲۰۱۷)، در مقاله خود با عنوان "سواد اطلاعاتی و برنامه ریزی بازنشستگی در هلند"، به بررسی رابطه سواد اطلاعاتی و برنامه ریزی دوران بازنشستگی افراد در هلند پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که پیچیدگی تصمیم‌گیری مالی در خانوارها به شکل بی سابقه‌ای افزایش یافته است و به نظر می‌رسد با این شرایط، خانوارها با فقدان سواد اطلاعاتی برای مقابله با این پیچیدگی‌ها، از جمله در رابطه با نحوه پس انداز و سرمایه‌گذاری برای دوران بازنشستگی خود، مواجه هستند. بنابراین یک رابطه مثبت معناداری بین سواد اطلاعاتی و برنامه ریزی دوران بازنشستگی، در هلند وجود دارد؛ به این معنی که افرادی که دارای سواد و آگاهی مالی بیشتری هستند، در برنامه ریزی دوران بازنشستگی خود توانا تر هستند.

ونروز و لوساردی^۲ (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای با عنوان "سواد اطلاعاتی و مشارکت در بازار سهام"، دو مدل خاص، برای اندازه‌گیری سواد اطلاعاتی و مطالعه ارتباط آن با مشارکت در بورس، بوسیله نظر سنجی از خانوارها ارائه نمودند. آنها دریافته‌اند که اکثر پاسخ‌دهندگان اطلاعات پایه و ابتدایی مالی و مفاهیمی مانند نرخ بهره، تورم و ارزش زمانی پول را درک می‌کنند. با این حال، تعداد اندکی از مفاهیم اساسی اطلاع دارند؛ علاوه، خیلی از پاسخ‌دهندگان تفاوت بین اوراق قرضه و سهام، رابطه بین قیمت اوراق قرضه و نرخ بهره و اصول متنوع‌سازی مخاطره را نمی‌دانند؛ و از همه مهم‌تر، آنها دریافته‌اند که سواد اطلاعاتی، تصمیم سرمایه‌گذاری مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و عدم درک اقتصادی و امور مالی یک عامل بازدارنده برای مالکیت سهام است. از سوی دیگر، افراد با سواد اطلاعاتی کم، کمتر احتمال دارد در سهام سرمایه‌گذاری کنند؛ سرمایه‌گذاران با تحصیلات یا ثروت پایین، به احتمال زیاد اقدام به نگهداری سبدهای متنوع ضعیف می‌کنند و مشخصات عمومی جمعیتی سرمایه‌گذاران ناآگاه بسیار شبیه افراد با سواد پایین در نمونه است.

ساجز و همکاران^۳ (۲۰۱۵)، در قسمت اول مقاله خود تحت عنوان "مخاطره سرمایه‌گذاری"، به بررسی میزان سواد اطلاعاتی و ارتباط آن با درک مخاطره سرمایه‌گذاری، در آلمان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که سواد اطلاعاتی در ارتباط با تحلیل و درک مخاطره، با تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری رابطه مستقیم دارد و بر اساس تجزیه و تحلیل رگرسیون، تفاوت بسیار جزئی در ترکیب مدل‌های درک مخاطره بین سرمایه‌گذاران وجود دارد. آنها همچنین در قسمت دوم مقاله خود، به بررسی تأثیر جنسیت، سن، تجربه سرمایه‌گذاری بر ارتباط سواد اطلاعاتی و درک مخاطره سرمایه‌گذاری، پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند که اختلاف معناداری بر اساس این عوامل در ارتباط با رابطه سواد اطلاعاتی و درک از مخاطره وجود دارد.

هینگا^۴ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با هدف بررسی رابطه سواد اطلاعاتی و صرفه‌جویی شخصی در کارکنان پستی در کنیا دست یافت که سواد اطلاعاتی بر میزان پس‌انداز شخصی تأثیر زیادی دارد. سایر عوامل در این تحقیق که به طور قابل توجهی به صرفه‌جویی شخصی منجر می‌شود، آموزش، درآمد، تحمل ریسک و منظم بودن صرفه‌جویی است. سن و جنس تأثیر ناچیزی بر صرفه‌جویی فردی دارد. این مطالعه مشخص کرده است که سواد اطلاعاتی یکی از متغیرهای کلیدی در افزایش پس‌انداز شخصی است.

دلایون و همکاران^۵ (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای با عنوان "آموزش سواد اطلاعاتی در یک مدل رایگان"، به بررسی تأثیر سواد اطلاعاتی بر عملکرد افراد در محیط اقتصادی پرداخته‌اند. آنها نمونه انتخابی خود را به دو گروه تقسیم کرده و فقط به یک گروه آموزش سواد اطلاعاتی ارائه کردند. نتایج نشان داد که فقدان آموزش لازم در زمینه سواد اطلاعاتی در گروه دیگر، باعث افزایش میزان بدهی افراد و گرایش آنها به وام خواهد شد.

مدیتینوس و همکاران^۶ (۲۰۱۲)، در مطالعه خود، به بررسی تکنیک‌ها و روش‌های استفاده شده توسط شش گروه مختلف از سرمایه‌گذاران یوتاتی پرداختند. نتایج آنها نشان داد که در مجموع، سرمایه‌گذاران، هوش طبیعی (تجربه خود را به عنوان مهم‌ترین عامل اساسی در تجزیه و تحلیل بازارهای مالی خارجی رتبه‌بندی کرده‌اند. شایعه در بازار نیز برای تجزیه و تحلیل سبدهای سهام، به عنوان کم‌اهمیت‌ترین فاکتور تعیین شد. پنج نتیجه کلی حاصل بررسی انجام شده توسط آنان است: نخست، به سطح پایین سواد اطلاعاتی بدون در نظر گرفتن توسعه اقتصادی کشور اشاره دارد؛ دوم، اشاره به رابطه بین سواد اطلاعاتی و متغیرهای جمعیت‌شناختی دارد. محققان رابطه قوی را بین سطح سواد اطلاعاتی و جنسیت، تحصیلات، سطح درآمد و تجربه کشف کردند. شواهد ارائه شده توسط این محققین، نشان می‌دهد که زنان از نظر مسایل مالی کم‌سوادتر از مردان هستند. به علاوه، این که سواد افراد با تحصیلات کمتر و کسانی که در سطح پایین‌تر توزیع درآمد قرار دارند، در مورد مسائل مالی کمتر است. سومین نتیجه، به رابطه بین سطح سواد اطلاعاتی و تصمیم سرمایه‌گذاری اشاره دارد. ثابت شده است که سرمایه‌گذاران با سواد بالاتر هنگام تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری استفاده از معیارهای متفاوت را نسبت به سرمایه‌گذاران کم‌سواد ترجیح می‌دهند. سرمایه

2. Venrozh
2. Venlog&losardy
3. sachez et al
4. HINGA
5. Delayoun et al
6. Meditinous et al

گذاران با سواد اطلاعاتی بالاتر استفاده از نشریات مالی را ترجیح می‌دهند، در حالی که سرمایه‌گذاران با سواد اطلاعاتی پایین بیشتر بر مشاوره با خانواده، دوستان و کارگزاران سهام تکیه می‌کنند. چهارم، به ارتباط بین عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری و توزیع سرمایه‌گذار، اندازه سید و استراتژی‌های سرمایه‌گذاری اشاره دارد. سرمایه‌گذاران انفرادی بر مشاوره با دوستان، کارگزاران سهام، شایعات، هوش طبیعی (تجربه شخصی و روزنامه‌ها (رسانه) تکیه می‌کنند. آخرین نتیجه نیز به شکاف موجود در کارهای پژوهشی قبلی، در ارتباط بین سواد اطلاعاتی و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری اشاره می‌کند. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در سال ۲۰۰۵، در خصوص بررسی سواد اطلاعاتی در ۱۲ کشور از جمله ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، کشورهای اروپایی، استرالیا و ژاپن نشان داد که سواد اطلاعاتی اکثر پاسخ‌دهندگان بسیار پایین است. اولین پژوهش در سطح سواد اطلاعاتی و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری جامعه سنگاپور، در سال ۲۰۰۵ توسط انجام شده در این پژوهش این سؤال بررسی شد که آیا اهالی سنگاپور در مورد محصولات و خدمات مالی عمومی اطلاعات دارند و اینکه آیا آنها تصمیم‌گیری‌های مؤثری در مدیریت امور مالی و سرمایه‌گذاری خود اتخاذ می‌کنند؟ نتایج این پژوهش نشان داد که اهالی سنگاپور یک نگرش سالم به سمت مدیریت اولیه پول، برنامه ریزی مالی و امور سرمایه‌گذاری دارند. اغلب اهالی سنگاپور وجه نقد پس‌انداز می‌کنند و بر مخارج شخصی خود نظارت دارند و برخی از برنامه‌ریزی‌های مالی اساسی را خودشان انجام می‌دهند.

۳- روش تحقیق

(الف) از نظر هدف کاربردی چون نتایج تحقیق در جامعه تحقیق قابل استفاده است و در جوامع دیگر قابل آزمون است.
(ب) از نظر روش: توصیفی، چون متغیرها در وضع موجود و بدون دستکاری تحلیل می‌شوند.
(د) از نظری جمع‌آوری اطلاعات: میدانی (پیمایشی)، چون از جامعه نمونه می‌گیریم.

۳-۱- روش و ابزار گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. در این تحقیق با توجه به موضوع مورد بررسی و روش تحقیقی که پیمایشی است از پرسشنامه به عنوان ابزار تحقیق استفاده می‌شود. در این پژوهش برای سنجش متغیرهای پژوهش از پرسشنامه‌های برگرفته شده از تحقیق (متمنه^۱، ۲۰۱۵) استفاده شد.

۳-۲- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات در این تحقیق به روش‌های زیر می‌باشد:
۱. از آمار توصیفی جهت برآورد مشخصه‌های مرکزی و تنظیم جداول توزیع فراوانی آماری و رسم نموداری استفاده خواهد شد.
۲. جهت خلاصه کردن اطلاعات از نرم افزار EXCEL استفاده می‌شود در نهایت با استفاده از نرم افزار SPSS و همچنین به منظور آزمون فرضیه از روش آماری مناسب استفاده شده و آزمون تحلیل کواریانس انجام خواهد گرفت.

۳-۳- جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

در تحقیق حاضر جامعه آماری مورد بررسی عبارت است از دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم که به تعداد ۶۰۰ نفر می‌باشند. حجم نمونه متناسب با تعداد افراد جامعه تعداد ۲۳۴ نفر می‌باشد و روش نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده انتخاب شده است.

۴- آزمون فرضیه‌ها

آزمون فرضیه اصلی: بین سواد اطلاعاتی والدین بر بلوغ یادگیری الکترونیک و بروز خلاقیت دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم رابطه معناداری وجود دارد

جدول خلاصه مدل

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار برآورد
۰/۸۳۳	۰/۶۹۴	۰/۶۸۳	۰/۳۴۶۲۷

برای بین سواد اطلاعاتی والدین بر بلوغ یادگیری الکترونیک و بروز خلاقیت دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم، از رگرسیون چندگانه همزمان استفاده شده است. ضریب همبستگی چندگانه برابر ۰/۸۳۳ و ضریب تعیین برابر ۰/۶۹۴ است. ضریب تعیین مقدار واریانس تبیین شده توسط مدل را نشان می‌دهد مقدار عددی ضریب تعیین بین صفر تا ۱ است. هر چه این مقدار به یک نزدیکتر

1. Matemane

باشد نشان دهنده‌ی قوی‌تر بودن رابطه مدل است. نتایج نشان داد که ۶۹ درصد از تغییرات بلوغ یادگیری الکترونیک و بروز خلاقیت دانش آموزان مقطع متوسطه دوم قابل پیش بینی است. و بین سواد اطلاعاتی والدین بر بلوغ یادگیری الکترونیک و بروز خلاقیت دانش آموزان مقطع متوسطه دوم رابطه معناداری وجود دارد

آزمون فرضیه فرعی اول: بین سواد اطلاعاتی والدین بر بلوغ یادگیری الکترونیک دانش آموزان مقطع متوسطه دوم رابطه معناداری وجود دارد

H_0 : بین سواد اطلاعاتی والدین بر بلوغ یادگیری الکترونیک رابطه معنی داری وجود ندارد.

H_1 : بین سواد اطلاعاتی والدین بر بلوغ یادگیری الکترونیک رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین سواد اطلاعاتی والدین بر بلوغ یادگیری الکترونیک

بلوغ یادگیری الکترونیک			متغیر وابسته	
			متغیر مستقل	
حجم نمونه	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	سواد اطلاعاتی والدین	
۲۳۴				
*همبستگی در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار است				

بر اساس نتایج آزمون همبستگی (پیرسون) در جدول، بین سواد اطلاعاتی والدین بر بلوغ یادگیری الکترونیک در سطح ۹۵٪ اطمینان (۰/۰۵ < سطح معناداری) رابطه مثبت و معنادار و مستقیمی (>0 ضریب همبستگی) وجود دارد. بنابراین فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 پذیرفته می‌شود. یعنی فرضیه فرعی اول تحقیق تایید می‌شود. بین سواد اطلاعاتی والدین بر بلوغ یادگیری الکترونیک رابطه مثبت معنی داری وجود دارد.

آزمون فرضیه فرعی دوم: بین سواد اطلاعاتی والدین بر خلاقیت دانش آموزان مقطع متوسطه دوم رابطه معناداری وجود دارد

H_0 : بین سواد اطلاعاتی والدین بر خلاقیت دانش آموزان رابطه معنی داری وجود ندارد.

H_1 : بین سواد اطلاعاتی والدین بر خلاقیت دانش آموزان رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین سواد اطلاعاتی والدین بر خلاقیت دانش آموزان

خلاقیت دانش آموزان			متغیر وابسته	
			متغیر مستقل	
حجم نمونه	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	سواد اطلاعاتی والدین	
۲۳۴				
*همبستگی در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار است				

بر اساس نتایج آزمون همبستگی (پیرسون) در جدول، بین سواد اطلاعاتی والدین بر خلاقیت دانش آموزان در سطح ۹۵٪ اطمینان (۰/۰۵ < سطح معناداری) رابطه مثبت و معنادار و مستقیمی (>0 ضریب همبستگی) وجود دارد. بنابراین فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 پذیرفته می‌شود. یعنی فرضیه فرعی دوم تحقیق تایید می‌شود. بین سواد اطلاعاتی والدین بر خلاقیت دانش آموزان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

۵- بحث و تفسیر، مقایسه نتایج تحقیق

آزمون فرضیه فرعی اول، بین سواد اطلاعاتی والدین بر بلوغ یادگیری الکترونیک دانش آموزان مقطع متوسطه دوم رابطه معناداری وجود دارد بر اساس نتایج آزمون همبستگی (پیرسون) در جدول، بین سواد اطلاعاتی والدین بر بلوغ یادگیری الکترونیک در سطح ۹۵٪ اطمینان (۰/۰۵ < سطح معناداری) رابطه مثبت و معنادار و مستقیمی (>0 ضریب همبستگی) وجود دارد. بنابراین فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 پذیرفته می‌شود. یعنی فرضیه فرعی اول تحقیق تایید می‌شود. بین سواد اطلاعاتی والدین بر بلوغ یادگیری الکترونیک رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. که با نتایج تحقیق توکلی و رحیمی (۱۳۹۷)، مرادی و ایزدی (۱۳۹۴)، و نروژ و دیگران (۲۰۱۷)، که هر کدام به بررسی سواد اطلاعاتی والدین بر بلوغ یادگیری الکترونیک دانش آموزان پرداخته اند، همخوانی

دارد. آزمون فرضیه فرعی دوم بین سواد اطلاعاتی والدین بر خلاقیت دانش آموزان مقطع متوسطه دوم رابطه معناداری وجود دارد بر اساس نتایج آزمون همبستگی (پیرسون) در جدول، بین سواد اطلاعاتی والدین بر خلاقیت دانش آموزان در سطح 95% اطمینان ($0.05 < \text{سطح معناداری}$) رابطه مثبت و معنادار و مستقیمی (> 0 ضریب همبستگی) وجود دارد. بنابراین فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 پذیرفته می شود. یعنی فرضیه فرعی دوم تحقیق تأیید می شود. بین سواد اطلاعاتی والدین بر خلاقیت دانش آموزان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. که با نتایج تحقیق میر و اسپرنگر (۲۰۱۹)، نوگراها و آندریانی و (۲۰۱۸)، خاتون (۲۰۱۸) که هر کدام به بررسی سواد اطلاعاتی والدین بر خلاقیت دانش آموزان مقطع متوسطه دوم پرداخته اند. همخوانی دارد.

۶- محدودیت های تحقیق

- در این تحقیق اطلاعات لازم جهت تأیید فرضیه ها از طریق پرسشنامه جمع آوری شده است در نتیجه یکی از محدودیت های تحقیق، محدودیت های ذاتی پرسشنامه است. در نتیجه ممکن است برخی از افراد از ارائه پاسخ واقعی خودداری کرده و پاسخ غیر واقعی داده باشند.
- عدم تعمیم نتایج به سایر سازمان ها به علت متفاوت بودن شرایط و محیط ها.
- غیر قابل کنترل بودن متغیرها و دخالت عوامل دیگر.
- از جمله محدودیت های این پژوهش می توان به محیط فیزیکی مراکز اشاره کرد؛ یعنی محلی که بتوان فعالیت های مربوط به آموزش های مالی را اجرا کرد که از نظر شرایط مناسب باشد، وجود ندارد. همچنین از محدودیت های دیگر می توان به تعداد زیاد آزمودنی ها در گروه اشاره نمود.

منابع

۱. آزادی، رضا؛ زنجیردار، مجید؛ فرشیدپور، علیرضا. (۱۳۹۱). سواد مالی و عوامل تأثیرگذار بر آن و تأثیر آن بر برنامه ریزی بازنشستگی. همایش منطقه ای پژوهش و راهکارهای نوین در حسابداری و مدیریت. تنکابن: مؤسسه شفق، ۲۱-۱.
۲. احمدی، غلامعلی، امام جمعه، سید محمد رضا، علیزاده کتلوتی، لیلیا (۱۳۹۴) بررسی میزان توجه به مولفه های سواد مالی و اقتصادی در محتوای کتاب های درسی دوره ابتدایی-پژوهش در برنامه ریزی درسی-شماره ۲۰-صفحات ۱۹۲-۱۷۹
۳. پیغامی، عادل و مرادی، امین. (۱۳۹۵). مقدمه ای بر سواد مالی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۴. تفتیان اکرم، عضدی، امیرعلی، رجب، محمد، (۱۳۹۲)، آموزش سواد مالی و برنامه درسی دانش آموزان، سومین کنفرانس توانمندسازی جامعه در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، صفحه ۱
۵. جعفری ندوشن، علی اکبر. (۱۳۹۰). در ضرورت نهضت سواد مالی، مجله بورس، ۹۷، ۲۴-۲۷.
۶. حسن زاده، فاطمه و کاظمی، ایرج. (۱۳۹۰). مقایسه انواع مدل های رگرسیون در تحلیل داده های شمارشی. مجله بررسی های آمار رسمی ایران، ۲۲ (۱)، ۳۲-۱۷.
۷. دیبانی دلمی، زهرا و حنیفه زاده، محمد. (۱۳۹۴). بررسی سطح سواد مالی خانواده های تهرانی و عوامل مرتبط با آن. فصل-نامه عملی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۲۶ (۸)، ۱۳۹-۱۱۵.
۸. رجیبی، محسن (۱۳۹۵) چگونه هوش مالی کودکان را افزایش دهیم؟-بازی تا-۲۱۷
۹. سلیمی پور ندوشن، مهدی. (۱۳۹۲). سواد مالی دانش آموزان مقطع متوسطه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.
۱۰. سلحشور، ماندانا (۱۳۸۷). آموزش ارزش پول و مدیریت مالی به کودکان و نوجوانان-موسسه نشر پنجره-۱۲۰
۱۱. طغیان، مهدی و مرادی باصیری، امین. (۱۳۹۵). تحلیل انتقادی الگوی متعارف آموزش عمومی سواد مالی از منظر اقتصاد اسلامی. فصل نامه علمی-پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، ۸ (۲)، ۲۲۷-۲۶۰.
۱۲. گجراتی، دامودار. (۱۳۷۷). مبانی اقتصاد سنجی. ترجمه حمید ابریشمی. انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. محمدزاده، پرویز؛ محمدعلی متفکر آزاد، سیدکمال صادقی و صمد حکمتی، فرید. (۱۳۹۱). کاربرد الگوی حکمن دومرحله ای در بررسی عوامل تعیین کننده شکاف فقر خانوارهای شهری و روستایی کشور. فصل نامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی در ایران، ۴ (۱)، ۳۱-۱.
۱۴. ممشلی، محمد. (۱۳۹۲). نیازسنجی برنامه درسی سواد مالی در آموزش و پرورش دوره ابتدایی به قصد طراحی برنامه درسی، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۵. ولد ریچ، جفری. (۱۳۹۳). روشی نوین در اقتصادسنجی مقدماتی (جلد ۱). ترجمه امیرحسین منتظر حجت. اهواز: دانشگاه شهید چمران.
۱۶. یعقوب نژاد، احمد؛ نیکومرام، هاشم و معین الدین، محمود. (۱۳۹۰). ارائه الگوی جهت سنجش سواد مالی دانشجویان ایرانی با استفاده از روش دلفی فازی. مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۸ (۲)، ۲۳-۱.

17. Alessie , r. van rooij, m. lusardi, a. 2011,” financial literacy ,retirement preparation and pension expectations in the Netherlands “ ,de nederlandse bank nv (DNB), NO 289
18. Almenberg , j. soderbergh, j. 2011,” financial literacy and retirement planning in Sweden “,network for studies on pensions aging and retirement (netspar) , NO 18
19. Al tamimi, h .bin kallı, a .2009, “ fianacial literacy and investment decisions of UAE investors” , emerald
20. Bucher-koenen, t. lusardi , a. 2011,” financial literacy and retirement planning in germany” , national bureau of economic research (NBER) ,NO 17110
21. Chlouba, t . simkova, m . nemcova, z. 2011, “application for education of financial literacy” , procedia – social and behavioral sciences
22. Clark, r . morrill, m . allen, s g. 2010,” the role of financial literacy in determining retirement plans “, national bureau of economic research (NBER) ,NO 16612
23. Crossan , d . feslier , d. hurnard, r. 2011,” financial literacy and retirement planning in new Zealand” , network for studies on pensions aging and retirement (netspar)
24. Dvorak , t . hanley , h . 2010,” financial literacy and the design of retirement plans” , national bureau of economic research (NBER)
25. Gustman, a l . steinmeier , t . tabatabai , n . 2010, “financial knowledge and financial literacy at the household level” , national bureau of economic research (NBER) ,NO 16500
26. Hung , a. parker , a . young , j . 2009, “defining and measuring financial literacy” , RAND labor and population, NO 708
27. Huston , s . 2009, “measuring financial literacy “ , the journal of consumer affairs , vol 44
28. Jappelli , t . 2010, “financial literacy : an international comparison” , network for studies on pensions aging and retirement (netspar)
29. Littlewood , m . 2010 , “national sterategy for financial literacy and retirement saving : the new Zealand experience” , international semina on social security – Malaysia.
30. Ahmed, Abdullahi D.&Mmolainyane, Kelesego K. 2014. Financial integration, capital market development and economic performance: Empirical evidence from Botswana, Economic Modelling, Vol.42,pp.1–14.

A study of parents' information literacy on e-learning maturity and the emergence of creativity of high school students

Abstract

The purpose of this study was to investigate the information literacy of parents on the maturity of e-learning and the emergence of creativity of high school students. The research method used was descriptive correlation. In the present study, the statistical population is 600 high school students. The sample size is proportional to the number of people in the community is 234 people and the sampling method has been selected by simple random method. To collect data, standard questionnaires have been used. In this study, standard questionnaires were used to measure research variables. Pearson correlation and multivariate regression using SPSS 21 software were also used to analyze the data. The results of the main hypothesis showed that there is a significant relationship between parents' information literacy on e-learning maturity and the incidence of creativity of high school students. The results of sub-hypotheses showed that there is a significant relationship between parents' information literacy and e-learning maturity and there is a significant relationship between parents' information literacy and creativity.

Keywords: Parents' information literacy, e-learning maturity, students' creativity

فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری،
خیابان شهید سبحانی، پلاک ۴۸، واحد ۴
کدپستی: ۳۱۴۳۹۵۳۵۹۵

۰۲۱۳۳۲۰۲۴۸۷
۰۲۶۳۴۴۵۳۱۳۱
www.ASSCS.ir

ISSN: 2645-4475

